



«رزمایش اقتدار» در دریای عمان؛
«نمایش بی عرضگی» در تهران بدون برق!



تلاش دموکرات‌ها و بخشی از جمهور یخواهان
برای منزوی کردن دائمی ترامپ با استیضاح!

پشت پرده‌ی آلودگی هوا و قطع برق در ایران



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

● پس از آلودگی هوا، حالا قطع برق گریبان کلانشهرها را گرفته اما مسئولان مثل همیشه فرافکنی می‌کنند و مشخص نمی‌شود مشکل از کجاست و علت چیست؟

سرمقاله

پیام تاریخی و فرهنگی «شاه رفت»، «امام آمد»!



چهار دهه است که هر بار در زمستان، از سالگرد ۲۶ دی، روزی که «شاه رفت»، تا ۱۲ بهمن، روزی که «امام آمد» و ۲۲ بهمن که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ایرانیان در رسانه‌ها و در سال‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی به بحث و جدال و بازیابی درباره «پهلوی‌ها» و «جمهوری اسلامی» و «مردم» و همچنین نقش «خارجی‌ها» می‌پردازند. آنهم در حالی که همین چهار کلمه که تیتز روزنامه‌های آن دوران شد، بدون آنکه تیتز زندگانش بخواهند و بر آن آگاه باشند، یک پیام تاریخی و فرهنگی را اعلام می‌کرد: شاه رفت! امام آمد!

۱۲ امام در صفحه

تیزر

آمریکا چگونه به برجام باز خواهد گشت؟

دولت جدید آمریکا رسماً از روز ۲۱ ژانویه، روز پس از ادای سوگند جو بایدن در کاخ سفید آغاز به کار خواهد کرد. اگر مجلس سنای آمریکا صلاحیت وزرای پیشنهادی رئیس جمهوری جدید را تأیید کند، آنها نیز بطور رسمی کار خود را شروع خواهند نمود. با توجه به اینکه رئیس جمهور آینده از اکثریت در سنا و مجلس نمایندگان برخوردار است، بعید به نظر می‌رسد که در گرفتن تأیید برای وزرای خود با مشکل روبرو شود. گردانندگان سیاست خارجی، دولت آینده، بنا بر گزینه‌های مطرح، سه نفر خواهند بود: آنتونی بلینکن وزیر خارجه، جک سالیوان مشاور امنیت ملی و ویلیام برنز مدیر سازمان سیا. که هر سه در طراحی آنچه در سال ۲۰۱۵ میلادی با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» به تصویب آمریکا، چین، روسیه، بریتانیا، فرانسه، آلمان و البته جمهوری اسلامی رسید، نقش داشتند. ویلیام برنز که هدایت گفتگوهای مخفیانه با جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما را عهده دار بود، دیپلماتی با سابقه و کارگشته است که در کتاب خود با عنوان «کانال پشت پرده» فصلی را به مذاکرات با جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در کشور عمان با عنوان «ایران و بمب: گفتگوهای پنهانی» اختصاص داده است.

تروئیکای برجامی دولت جو بایدن با توجه به انتخاب این سه نفر به عنوان گردانندگان سیاست خارجی دولت جو بایدن، بازگشت آمریکا به این توافق، که دونالد ترامپ در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸ از آن خارج شده بود، بسیار محتمل به نظر می‌رسد. اما پرسش اینجاست که برای این بازگشت چه روندی می‌بایست طی شود و مذاکرات در مورد آن کی آغاز خواهد شد.

۱۲ امام در صفحه

آیا با رفتن ترامپ اسرائیل در منطقه تنها می‌شود؟
تل آویو از بایدن چه می‌خواهد؟

۱۱۱ امام در صفحه

برای ادامه فشار روی رژیم ایران بایدن می‌تواند از میراث ترامپ سود ببرد

۱۱۶ امام در صفحه

«قانون اساسی» شجریان؟! قانون در شاه شفا در قانون

۱۸ امام در صفحه

مرد روز
آنتی بیوتیک‌ها و تأثیر آن بر مغز انسان

۱۹

زن روز
بهترین ساعت روز برای خوردن میوه

۸۱

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۳) - احمد احرار

تهدیدهای نصرالله برای انتقام خون سلیمانی

۱۱۲ امام در صفحه



گزارش ویژه
وبسایت‌های قمار و شرط‌بندی بخشی از شبکه پولشویی جمهوری اسلامی؟!

منتشر شده اما جمهوری اسلامی به تازگی اعلام کرده که در حال برخورد با شبکه افرادی است که این وبسایت‌ها را مدیریت و هدایت می‌کنند.

۱۵ امام در صفحه

از سه سال پیش تا کنون فعالیت وبسایت‌های قمار و شرط‌بندی بسیار گسترش یافته و با وجود اینکه مدت‌هاست درباره فعالیت این وبسایت‌ها اظهار نظرها و خبرهایی



کیهان منتشر کرد:
سقوط بهشت

۶ امام در صفحه

وبسایت کیمهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

سازمان نظام پزشکی در نامه‌ای به روحانی: واکسن را سیاسی نکنید! «از طرق مختلف» و «زیر نظر مراجع علمی» اقدام کنید!



رؤسای ارشد سازمان نظام پزشکی و رئیس مجمع انجمن‌های علمی در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی رئیس دولت تدبیر و امید خواستار تهیه واکسن‌های کرونا با تأیید مراجع علمی «از طرق مختلف» و «به دور از مسائل سیاسی» شدند. محمدرضا ظفرقندی رئیس کل سازمان علوم پزشکی، ایرج فاضل رئیس مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران، مصطفی معین رئیس شورای عالی و عباس آقازاده مسرور رئیس مجمع عمومی در نامه‌ای به حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم، خواستار تلاش دولت برای تهیه واکسن‌های مطمئن کرونا با تأیید مراجع علمی «از طرق مختلف» و «به دور از مسائل سیاسی» شدند.

۷ امام در صفحه



بورش به «کاپیتول» ساختمان کنگره ایالات متحده نقش فعال داشته است.

۱۰ امام در صفحه

برنده
مدال طلای المپیک از رهبران حمله به کنگره آمریکا بود

تحقیقات پلیس فدرال آمریکا اف.بی.آی نشان داده کلت کلر قهرمان شنای المپیک سال ۲۰۰۴ آتن در

پیام تاریخی و فرهنگی «شاه رفت»، «امام آمد»!

سرمقاله

طول سده‌ها ذخیره شده بود احساس می‌کردند. اما زمان و تجربه‌ای تلخ و خونین لازم بود تا آن را به خود آگاهی ملی در درک «امام» بجای «شاه» و فرقه‌گرایی بجای ملی‌گرایی تبدیل کند. ولی بر اساس کدام شواهد تجربی و تاریخی، افرادی چون خمینی و خامنه‌ای و مشایهان آنها می‌بایست راهی در پیش می‌گرفتند که به اعتلا و ارتقاء ملت و مملکت بیانجامد؟! «شاه رفت» یعنی نهاد مدنی قدرت در یک سرزمین پادشاهی رفت و «امام آمد» یعنی نهاد مذهبی قدرت در یک سرزمین به زور شمشیر و خون مسلمان شده امدا جمهوری اسلامی باید که خود را با خونریزی حفظ می‌کرد! اما خبر خوش اینکه: تقابل دو نهاد ایران‌ساز و ویران‌ساز تا عبور از قرون وسطای جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. مردم ایران یک نبرد را در سال ۵۷ به رژیم کنونی باختند اما سرنوشت نهایی میدان این جنگ تاریخی و فرهنگی با دفع جمهوری اسلامی تعیین خواهد شد.

و خارج از «انقلاب» و علیه «شاه» و در استقبال از «امام» می‌گفتند و کم بودند کسانی چون شاپور بختیار، مهشید امیرشاهی، مصطفی رحیمی و بخشی از مردم عادی در ایران و افرادی چون اوربانا فالاجی در خارج که طلیعه‌ی شوم «امام» را تشخیص می‌دادند بدون آنکه الزاما علاقه‌ای به «شاه» داشته باشند. علاقه به «شاه» در میان مردم عادی، مانند سال‌های بعد و امروز، بیشتر بود تا در میان به اصطلاح نخبگان ایران و جهان!
بحث اما بر سر این نیست. صدها کتاب و مقاله درباره انقلاب ۵۷ و نقش «شاه» و «امام» و عوامل داخلی و خارجی آن نوشته شده و باز هم نوشته خواهد شد. قضیه بر سر دو واژه و پیام آنهاست که ناشنیده ماند: «شاه» و «امام»!
پیامی که راز آن را می‌بایست در هزارتوی زبان و فرهنگ و تاریخ جست. بخشی از مردم عادی «خطر» را بطور غریزی و بر اساس «حافظه تاریخی» که در «ناخودآگاه جمعی» آنها در

چهار دهه است که هر بار در زمستان، از سالگرد ۲۶ دی، روزی که «شاه رفت»، تا ۱۲ بهمن، روزی که «امام آمد» و ۲۲ بهمن که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ایرانیان در رسانه‌ها و در سال‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی به بحث و جدال و بازبینی درباره «پهلوی‌ها» و «جمهوری اسلامی» و «مردم» و همچنین نقش «خارجی‌ها» می‌پردازند. آنهم در حالی که همین چهار کلمه که تیتیر روزنامه‌های آن دوران شد، بدون آنکه تیتیرزندگانش بخواهند و بر آن آگاه باشند، یک پیام تاریخی و فرهنگی را اعلام می‌کرد: «شاه رفت»!
نهاد متجدد مدنی می‌رفت و نهاد مرتجع مذهبی می‌آمد!
آن زمان نه تنها کسی به حقیقت تاریخی و فرهنگی این چهار واژه دقت نکرد بلکه کسانی که چه در میان فعالان سیاست و فرهنگ و چه در بین مردم شناختی از این جایگاهی داشتند، بسیار اندک بودند. رسانه‌های داخل

پشت پرده‌ی آلودگی هوا و قطع برق در ایران

پس از آلودگی هوا، حالا قطع برق گریبان کلانشهرها را گرفته اما مسئولان مثل همیشه فرافکنی می‌کنند و مشخص نمی‌شود مشکل از کجاست و علت چیست؟

نیروگاه‌ها به دلیل اینکه دولت امکان توسعه فنی و پرداخت به‌موقع مطالبات شرکت‌های تولید برق حرارتی را ندارد هم سبب قطع برق و هم سبب آسیب به شبکه توزیع برق می‌شود. همچنین برخی از احتمال حمله سایبری به نیروگاه‌های برق خبر داده‌اند که مقامات جمهوری اسلامی این موضوع را رد کرده‌اند اما مستندات نیز در جهت تأیید این احتمال منتشر نشده است. برخی دیگر از احتمال صادرات انبوه گاز به عراق سخن می‌گویند. حتی در صورت صادرات گاز به عراق، این صادرات با توجه به منابع موجود مازوت حاصل از فعالیت پالایشگاه‌های ایران، نمی‌تواند سبب کمبود سوخت نیروگاه‌ها شود و در نهایت نیز یک عامل فرعی به شمار می‌رود.

نیروگاه‌ها به دلیل اینکه دولت امکان حفاظت محیط زیست نیمه دی‌ماه با اشاره به آلودگی شدید هوا گفته بود مردم باید میگان قطع برق یا استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه‌ها یکی را بپذیرند. حالا هم قطع بی در پی برق و هم مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها و آلودگی شدید هوا، با هم، به مردم ایران تحمیل شده است!

مستاتان ۱۳۹۹ با آلودگی شدید هوا در پایتخت و چند کلانشهر ایران آغاز شد. تداوم آلودگی هوا با خلوتی شهرها در برخی ساعات به دلیل محدودیت‌های ناشی از پروتکل‌های کرونا و همچنین تعطیل و نیمه‌تعطیل بودن بسیاری از مشاغل و مدارس همخوانی ندارد. بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ خسارات ناشی از آلودگی هوا در تهران سالانه دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و روزانه ۷ میلیون دلار برآورد کرده بود. آلودگی هوای این روزها در پایتخت و چند کلانشهر دیگر بی‌سابقه است و کارشناسان هشدار می‌دهند احتمال در گذشت شهروندان مبتلا به کرونا که در شهرهای بزرگ آلوده مانند تهران زندگی می‌کنند، به دلیل صدمات ناشی از آلودگی هوا افزایش می‌یابد.

نقش تحریم و کسری بودجه چیست؟

یکی از مسائلی که طی هفته‌های اخیر مقامات جمهوری اسلامی همه تلاش خود را برای دور کردن آذنان عمومی از آن به کار بسته‌اند، مصرف بی‌رویه برق کشور در مزارع استخراج ارز دیجیتال یا رمزارز است. کیهان لندن از سال گذشته در چند گزارش موضوع راه‌اندازی مزارع ارز دیجیتال در ایران، استفاده از صنعت «ماینینگ» به عنوان راهکاری برای دور زدن تحریم‌ها و همچنین اختصاص برق تولید شده چند نیروگاه برای استخراج بیت کوین را مورد بررسی قرار داد. در گزارشی که ۱۹ دی ۱۳۹۹ در کیهان لندن درباره آلودگی هوا منتشر شد، علت اصلی مازوت‌سوزی تأمین هرچه بیشتر برق برای استخراج رمزارزها ارزیابی شده است. در این گزارش تأکید شده که واردات دستگاه «ماینینگ» برای استخراج ارزهای دیجیتال بطور رسمی در حال انجام است و بخش زیادی از دستگاه‌های «ماینینگ» کشور در دست نهادهای حکومتی است.

در روزهای گذشته نیز گزارش‌هایی در اینباره که بخش مهمی از مزارع استخراج بیت کوین به دلیل برق ارزان در ایران توسط چینی‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد منتشر شده است. اما همچنان مقامات حکومتی تلاش می‌کنند مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها و قطع برق را بی‌ارتباط با موضوع استخراج بیت کوین بدانند. این در حالیست که سعید زرنزی معاون طرح و برنامه وزیر صنعت، سال گذشته گفته بود استفاده از ارزهای

از آلودگی هوا افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی سوزاندن مازوت در نیروگاه‌های تولید برق علت اصلی آلودگی هوا و سپس علت مازوت‌سوزی نیز کمبود برق عنوان شد. پس از مازوت‌سوزی و آلودگی هوا، حالا قطع برق نیز گریبان کلانشهرها را گرفته اما مسئولان مثل همیشه فرافکنی می‌کنند و مشخص نمی‌شود مشکل از کجاست و علت چیست؟

بحران نقدینگی و خروج چند نیروگاه از مدار

هر چند مشخص است یکی از دلایل مهم آلودگی هوا مازوت‌سوزی نیروگاه‌های برق است اما روایت‌های مختلفی نیز درباره علت مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها مطرح می‌شود. در همین حال مسئولان دولتی طبق معمول انگشت اتهام را در این مورد نیز به سوی مردم نشانه گرفته و مدعی‌اند که مصرف بالای گاز و برق خانگی بحران‌ساز شده است. این در حالیست که مالک شرعیتی نیاسر سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی چنین ادعایی را رد کرده و گفته قطع برق و کمبود گاز در کشور با توجه به تعطیلی مراکز آموزشی همچون مدارس و دانشگاه‌ها و شیفتی بودن برخی از مراکز اداری و تجاری منطقی نیست. او همچنین گفته هوا آنقدر سرد نیست که مصرف گاز به حدی افزایش یابد که تأمین گاز نیروگاه‌ها با مشکل روبرو شود! محمد عسگری سخنگوی شرکت ملی گاز ایران نیز کمبود سوخت، رسانی به نیروگاه‌ها به دلیل مصرف بالای گاز از سوی مردم را رد کرده و با تأکید بر اینکه سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها نسبت به سال گذشته افزایش یافته تأکید کرده است که «مسئول گازرسانی ما نیز این موضوع را اطلاع‌رسانی کرده که قطعی آقطع گاز نیروگاه‌های برق، ناشی از مسائل دیگری است و ارتباطی با شرکت گاز ندارد، شرکت ملی گاز ایران یک تعهدی دارد که طبق تعهدش در حال انجام گازرسانی است.»

درآمد برای جمهوری اسلامی و جمهوری خلق چین، آلودگی و قطع برق برای مردم

به این ترتیب، فضای مبهمی که هفته‌ها جمهوری اسلامی با هر ترفندی تلاش کرد پیرامون دلایل آلودگی هوا و قطع برق ایجاد کند حالا شفاف شده است. مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها و خروج از مدار برخی دیگر از نیروگاه‌های کوچک در پی بحران نقدینگی حکومت، عدم تسویه حساب با نیروگاه‌ها و تلاش بیت‌کوین‌بدانند.

در این در حالیست که سعید زرنزی معاون طرح و برنامه وزیر صنعت، سال گذشته گفته بود استفاده از ارزهای



دیجیتال راه خوبی برای دور زدن تحریم‌ها است! کیهان لندن در مه‌رام امسال در گزارشی به نقل از محسن طرزطلب مدیرعامل شرکت «تولید نیروی برق حرارتی ایران» از مزایای فروش برق حاصل از تولید توربین‌های انبساطی نیروگاه‌های «رامین» در اهواز، نکا و نیروگاه «منتظری» در اصفهان برای استخراج رمزارزها خبر داده بود. در نهایت خیر فعالیت چینی‌ها برای استخراج بیت‌کوین در ایران توسط دولت تأیید و مشخص شد یکی از بزرگترین مزارع چینی‌ها در شهرک صنعتی رفسنجان توسط شرکتی با عنوان «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری ایران و چین» به فعالیت مشغول است که آخرین قبض برق این مجموعه مبلغ ۴۰ میلیارد تومان فقط برای مصرف یک ماه برق بوده است!

ما علنی شدن فعالیت مزارع بیت‌کوین حکومتی و اجازه فعالیت چینی‌ها برای

یسترو

آمریکا چگونه به برجام باز خواهد گشت؟

از صفحه ۱

روحنی‌راهکارهایی در پیش گرفته است که منجر به «برداشته شدن تحریم‌های یکجانبه آمریکا» خواهد شد. با همین نگاه خوشبینانه نیز دولت حسن روحانی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را بر مبنای فروش بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز نوشته و راهی مجلس شورای اسلامی کرده است. نه تنها زمان آغاز مذاکرات بلکه نقشه راه بازگشت آمریکا به برجام نیز هنوز در هاله ابهام قرار دارد. جو بایدن و مشاوران و وزرای آینده دولت او نیز در هفته‌های گذشته ضد و نقیض صحبت کردند که احتمالاً حکایت از این واقعت دارد که هنوز در این رابطه تصمیم نهایی اتخاذ نشده است. مشخص نیست که آمریکا پس از بازگشت کامل جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی‌اش وارد مذاکره خواهد شد، یا اینکه در نظر دارد دو پرونده دیگر شامل برنامه موشکی و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی را نیز همزمان روی میز قرار دهد، و یا اینکه گفتگو در این رابطه را به مذاکراتی جداگانه پس از بازگشت به برجام موکول کند.

مشاوران و وزرای آینده دولت آمریکا در رابطه با زمان آغاز مذاکرات تا کنون اظهار نظر نکرده‌اند، اگرچه بارها بر بازگشت این کشور به برجام تأکید داشته‌اند. سه کشور اروپایی عضو این توافق، و البته چین و روسیه نیز ضمن تأکید بر لزوم بازگشت آمریکا، اشاره به زمان و نقشه راه این بازگشت نکرده‌اند. رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اخیراً گفته است که با توجه به گستردگی عدم رعایت تعهدات هسته‌ای منعقد در برجام از سوی جمهوری اسلامی باید این اقدام تا نیمه ماه فوریه صورت گیرد وگرنه نجات برجام «بسیار دشوار» خواهد بود. نیمه ماه فوریه که رافائل گروسی به عنوان مهلت جهت احیای برجام تعیین کرده احتمالاً با اشاره به مصوبه ۱۲ آذرماه ۹۹ مجلس شورای اسلامی با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» است که در آن دولت موظف به آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم بلافاصله پس از تصویب و تأیید این قانون شده است. این در حالیست که احمد امیرآبادی فراوانی نماینده و عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته در تلویزیون دولتی اعلام کرد که جو بایدن تا یک ماه پس از شروع کار خود مهلت دارد

تهدید اسرائیل به اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی

گسترش فعالیت‌های هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر و احتمال سازش دولت جو بایدن با نظام حاکم بر ایران، بدون شک از دلایل نگرانی کشورهای منطقه و به ویژه اسرائیل است. سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد خواهان نشست ویژه شورای امنیت برای رسیدگی به ابعاد و خطرات برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی شده است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، یوسی کوهن مدیر کنونی موساد (مهم‌ترین نهاد اطلاعاتی اسرائیل) را برای مذاکره با مشاوران جو بایدن در همین رابطه روانه واشنگتن کرده است. اسرائیل جمهوری اسلامی را تهدیدی نه تنها برای موجودیت و امنیت خود، بلکه خطری برای کل منطقه و متحدین‌اش در خلیج فارس می‌داند. اسرائیل از جو بایدن می‌خواهد اگر هم قصد بازگشت به برجام را دارد، مواضع سختگیرانه‌ای در قبال برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای این کشور اتخاذ کند. اهود باراک نخست‌وزیر سابق و از رهبران حزب کارگر اسرائیل به دولت جو بایدن هشدار می‌دهد که اگر با جمهوری اسلامی کنار بیاید و سیاستی را اتخاذ کند که موجودیت اسرائیل را به خطر بیندازد، این کشور برای دفاع از خود مجبور خواهد شد دست به «اقدامات لازم» بزند. روزنامه «هیوم اسرائیل» در گزارشی به نقل از منابع نظامی می‌نویسد «رکن سوم عملیات راهبردی» ارتش سرگرم تهیه سه گزینه نظامی برای مقابله با جمهوری اسلامی است که در روزهای آینده روی میز دولت قرار خواهد گرفت. از این سه طرح «رکن سوم عملیات راهبردی» که رسانه‌های اسرائیلی از آن با عنوان «رکن ایران» نام می‌برند هیچ‌گونه اطلاعاتی تا کنون به خارج درز نکرده است. بنی گانتز وزیر دفاع اسرائیل بدون تأکید گزارش «هیوم اسرائیل» می‌گوید «روشن است که ما باید یک گزینه نظامی در رابطه با ایران روی میز داشته باشیم.» در این فاصله حملات جنگنده‌های اسرائیلی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای تحت حمایت این نیروی نظامی در خاک سوریه افزایش پیدا کرده و در آخرین حمله بیش از ۵۰ نفر از نیروهای ایرانی و نیابتی جمهوری اسلامی کشته شدند. احمد رأفت



«تحریم‌های بانکی و نفتی» را برپارد وگرنه جمهوری اسلامی در سوم اسفند ۹۹ اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کرده و بازرسان آژانس بین‌المللی اتمی را نیز از ایران اخراج می‌کند. وی تأکید کرد که این «قانون» است و دولت «مکلف» به اجرای آن است.

جمهوری اسلامی به دنبال جمع کردن کارت برای مذاکره

در انتظار زمان و نقشه مذاکرات، جمهوری اسلامی سرگرم چینش کارت‌های خود برای حضور در این

مذاکرات با «دست پر» است. علی‌اکبر ولایتی مشاور امور بین‌المللی علی خامنه‌ای هفته گذشته گفت «در صورت برگزاری مذاکرات بعدی» باید مکانیسم ماشه «کنار گذاشته شود». اشاره علی‌اکبر ولایتی به ساز و کار پیش‌بینی شده در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است که به کشورهای عضو برجام اجازه می‌دهد در صورت تخلف جمهوری اسلامی از تعهدات خود به صورت خودکار کلیه تحریم‌های بین‌المللی که در این قطعنامه به تعلیق رسماً علی‌اکبر ولایتی می‌گوید «روشن است که ما باید یک گزینه نظامی در رابطه با ایران روی میز داشته باشیم.» در این فاصله حملات جنگنده‌های اسرائیلی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای تحت حمایت این نیروی نظامی در خاک سوریه افزایش پیدا کرده و در آخرین حمله بیش از ۵۰ نفر از نیروهای ایرانی و نیابتی جمهوری اسلامی کشته شدند. احمد رأفت

ابهام در مورد زمان و روند مذاکرات

در جمهوری اسلامی برخلاف مواضع رسمی علی‌اکبر ولایتی مبنی بر اینکه برای بازگشت آمریکا به برجام عجله‌ای نیست، محمود واعظی رئیس دفتر حسن روحانی با خوشبینی معتقد است که دولت کنونی کشوری بدون تحریم را تحویل دولت آینده خواهد داد. محمود واعظی در گفتگو با روزنامه «ایران» ارگان غیررسمی دولت و وابسته به خبرگزاری دولتی «ایرنا» می‌گوید «بنای دولت بر این است که دولت بعدی کارش را بدون تحریم آغاز کند» و می‌افزاید دولت حسن

تلاش دموکرات‌ها و بخشی از جمهوریخواهان برای منزوی کردن دائمی ترامپ با استیضاح!



ترامپ از هفته‌ها پیش بیشتر نسبت به عدم حمایت شماری از سناتورهای جمهوریخواه از او ابراز نگرانی کرده بود

کنگره آمریکا که این روزها تحت شرایط شدید امنیتی قرار دارد طرح استیضاح دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا را در واپسین روزهای حضورش در کاخ سفید تصویب کرد. نمایندگان کنگره که اکثریت آنها از حزب دموکرات هستند ۱۳ ژانویه (۲۵ دی ماه) با ۲۳۲ رای موافق در مقابل ۱۹۷ رای مخالف استیضاح ترامپ را به تصویب رساندند. در میان موافقان استیضاح ترامپ ۱۰ نفرشان جمهوریخواه هستند با این حال این مصوبه به سنا ارسال می‌شود و رای نهایی برای استیضاح تا مادامی که سناتورها به آن رای ندهند ممکن نیست. در قطعنامه استیضاح ارائه شده از سوی دموکرات‌ها، ترامپ به «تحریک برای شورش» متهم شده است. بر اساس قانون در صورتی که استیضاح در سنا آمریکا برای دو سوم سناتورها رای بیاورد، ترامپ در آخرین روزهای پایان دولت چهارساله‌ی خود از کار برکنار می‌شود و اختیارات دولت به مایک پنس معاون وی سپرده خواهد شد. هرچند موقعیت ترامپ ضعیف شده اما در اینکه سنا به استیضاح رای دهد تردید وجود دارد. به گزارش سنا، ترامپ در کاخ شومر رهبر اقلیت‌های سنای می‌گوید «اگر آنها بتوانند با رهبر اکثریت سنا، مایک کانل به توافق برسند جلسه استیضاح می‌تواند بلافاصله آغاز شود».

نقض یا دفاع از آزادی؟! اعتراض به توئیتر پس از مسدود شدن حساب رئیس جمهوری آمریکا: چطور حساب خامنه‌ای فعال است؟!!



ترامپ در توئیتر بیش از ۸۸ میلیون دنبال کننده داشت اما مدیران توئیتر حساب را مسدود کردند

در واکنش به مسدود شدن حساب کاربری ترامپ در توئیتر، سناتور لیندسی گراهام آن را «اشتباه جدی» خواند و نوشت «آیت‌الله [خامنه‌ای] می‌تواند توئیٹ کند، اما دونالد ترامپ نمی‌تواند. این خودش گویای آن است که چه کسانی اداره توئیتر را بر عهده دارند».



مت گیتس عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا نیز می‌نویسد «فناوری‌های بزرگ، فکر می‌کنند وظیفه آنهاست که بجای ما فکر کنند» دونالد ترامپ جوئیور پسر ترامپ نیز در توئیٹی نوشت «پس آیت‌الله خامنه‌ای و بسیاری دیگر از رژیم‌های دیکتاتوری می‌توانند با وجود تهدید به نسل‌کشی کامل کشورها و کشتن همجنسگرایان و... بدون هیچ مشکلی حساب توئیتری داشته باشند، اما رییس جمهوری ایالات متحده باید حسابش بطور دائم بسته شود. سبب افتخار ماو است!»



اکانت «اتاق جنگ ترامپ» نزدیک به چهل و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا که به زودی جو بایدن جانشین وی خواهد شد نیز نوشت «در حالی که توئیتر هنوز به حساب‌های رسمی تبلیغاتی چینی و ایرانی اجازه می‌دهد (حتی اگر این کشورها شهروندان خود را از توئیتر منع کنند)، چیکرایان توئیتر رئیس جمهوری ایالات متحده را ساکت کرده‌اند و به ۷۵ میلیون آمریکایی که به او رأی دادند بی‌احترامی می‌کنند» چند روز قبل هم فیسبوک از مسدود کردن دسترسی او تا حداقل روز سوگند جو بایدن خبر داده بود. مدیرعامل فیس بوک اعلام کرد که احتمال اینکه ترامپ به تحریک طرفداران خود برای شورش خشونت‌آمیز علیه دولت منتخب ادامه دهد، وجود دارد.

گفته می‌شود مسدود کردن حساب‌های ترامپ با فشار شماری از رهبران حزب دموکرات آمریکا و دولتمردان سابق و حتا درخواست میشل اوباما همسر باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا مسدود شده است. هواداران ترامپ از این وضعیت با عنوان «دیکتاتوری دیجیتال» نام می‌برند. گفتنی است در پی مسدود شدن حساب کاربری ترامپ در توئیتر، قیمت سهام این شرکت حدود ۳ درصد افت کرده است.

مستقیماً مسئول حمله هواداران نشان به کنگره هستند.» در این میان، ترامپ که اکانت‌های در مخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی مسدود شده با انتشار بیانیه‌ای هوادارانش را دعوت به آرامش کرده و گفته است که با هرگونه خشونت مخالف است. در این بیانیه آمده «با توجه به گزارش‌های مربوط به برگزاری تظاهرات بیشتر، من اصرار دارم که نباید هیچ نوع خشونت، قانون‌شکنی و هیچگونه تخریبی صورت بگیرد.» در روز هجوم برخی شهروندان به کاپیتول (ساختمان کنگره) نیز دونالد ترامپ در ویدئویی معترضان را دعوت به آرامش و صلح و احترام به قانون کرد و از آنها خواست که به خانه‌هایشان بروند. توئیتر این ویدئو را که هنوز اکانت ترامپ را با بیش از ۸۸ میلیون مخاطب مسدود نکرده بود، حذف کرد تا کنون هیچ یک از رؤسای جمهوری آمریکا با استیضاح عزل نشده‌اند، اما این نخستین بار در طول تاریخ آمریکاست که مجلس نمایندگان، طرح استیضاح یک رئیس جمهوری را دو بار به تصویب می‌رساند. هر چند تعدادی از جمهوریخواهان در سنا و کنگره در موضع‌گیری علیه ترامپ در کنار دموکرات‌ها قرار دارند اما به نظر می‌رسد ترامپ همچنان اکثریت حزب جمهوریخواه را با خود دارد چرا که ۱۹۷ نماینده در مخالفت با استیضاح وی رأی دادند. با این حال فشار سیاسی و رسانه‌ای از سوی دموکرات‌ها و بخشی از جمهوریخواهان برای منزوی کردن ترامپ حتی پس از پایان ریاست جمهوری آشکار است. برخی منابع به ای‌بی‌سی نیز گفته‌اند ترامپ جلسه رای‌گیری در مجلس نمایندگان برای استیضاح خود را از تلویزیون تماشا کرد و در حالی که بعضی جمهوریخواهان را در قصر خشونت‌ها در پایتخت می‌دانست خشمگین شد. برخی منابع همچنین ادعا کرده‌اند او نگران دوران پس از ترک کاخ سفید است زیرا شرکای متعددی همکاری با او را قطع کرده‌اند و شمار زیادی از وفاداران رفتارهای او را محکوم می‌کنند. با وجود این او به اطرافیاناش گفته در این یک هفته قصد استعفا ندارد.

مایک پمپئو: القاعده در تهران برای خود مقرّ فرماندهی ایجاد کرده

مدرك محكمی گفت كه القاعده در ایران پایگاه جدید ایجاد کرده است.» رویترز همچنین نوشت یک مقام ارشد پیشین اطلاعاتی آمریکا با اطلاع مستقیم از این موضوع گفت که ایرانیان قبل و بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هرگز با القاعده دوست نبودند و اکنون هرگونه ادعای همکاری با ایران را باید با دقت مورد توجه قرار داد. این خبرگزاری در دوحه‌های پمپئو نوشته ایران شیعه و القاعده که یک گروه اهل تسنن هستند مدت‌هاست که دشمن فرقه‌ای یکدیگرند! رویترز در حالی همکاری رژیم ایران و القاعده را انکار می‌کند که حسین الله‌کرم از چماق به‌دستان و فرمانده نیروهای حزب‌اللهی در جمهوری اسلامی، فروردین ۱۳۹۸ در مصاحبه با «نامه نیوز» به ارتباط نیروهای ایرانی و القاعده در جنگ بوسنی اعتراف کرد. سعید قاسمی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گفته بود نیروهای ایرانی در پوشش «هلال احمر» به سوریه رفتند و در جنگ بوسنی با القاعده همکاری می‌شد. طارق الهاشمی معاون سابق رئیس جمهوری عراق اکتبر ۲۰۲۰ در یک مصاحبه با العربیه گفت «قاسم سلیمانی به من گفت که ایران با القاعده رابطه دارد و از آنها حمایت می‌کند» گزارش‌های متعددی از حضور فرماندهان ارشد القاعده و طالبان به همراه خانواده‌هایشان در ایران طی سال‌های اخیر منتشر شده است.



مایک پمپئو

محمدجواد ظریف در واکنش به این اظهارات پمپئو در توئیٹی نوشت: «از قرار دادن کوپا در لیست کشورهای حامی تروریسم تا اسناد ساختگی خارج شده از طبقه‌بندی در مورد ایران؛ آقای «ما دروغ می‌گوییم، تقلب می‌کنیم و می‌زدیم» کارش را با دروغ‌های جنگ‌طلبانه، به صورت رقت‌باری دارد به پایان می‌برد. دیگر کسی گول نمی‌خورد. تمام تروریست‌های ۱۱ سپتامبر از مقصد محبوب پمپئو در خاورمیانه آمده بودند و هیچکدام از ایران نبودند.» اشاره ظریف به کشور عربستان سعودی است که عوامل حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر اغلب اتباع این کشور بودند. ساعاتی پس از سخنرانی پمپئو صفحه رسمی برنامه پاداش برای وزارت خارجه دولت ایالات متحده آمریکا نام سه نفر از رهبران القاعده ساکن تهران را به همراه میزان پاداشی که برای هرگونه اطلاعات از آنها تعیین شده منتشر کرد: سیف العدل (۱۰ میلیون دلار)، یاسین السوری (۱۰ میلیون دلار) و ایمن الظواهری رهبر القاعده (۲۵ میلیون دلار). روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد این افشاگری‌ها می‌تواند شرایط مذاکره با ایران را برای دولت جو بایدن سخت‌تر کند. خبرگزاری «رویترز» با زیر سؤال بردن آنچه پمپئو گفته نوشته است «وزیر خارجه آمریکا بدون ارائه هیچ

● مایک پمپئو در یک سخنرانی گفت رهبران القاعده ساکن ایران عملیات تروریستی این گروه را با اجازه سپاه پاسداران از آنجا هدایت می‌کنند.

● ظریف در توئیٹی نوشت «دیگر کسی گول نمی‌خورد. تمام تروریست‌های ۱۱ سپتامبر از مقصد محبوب پمپئو در خاورمیانه آمده بودند و هیچکدام از ایران نبودند.»

● ساعاتی پس از سخنرانی پمپئو صفحه رسمی برنامه پاداش برای عدالت وزارت خارجه دولت ایالات متحده آمریکا با اعلام نام رهبران القاعده که گفته می‌شود ساکن ایران هستند برای آنها جایزه تعیین کرد: براسیف العدل (۱۰ میلیون دلار)، یاسین السوری (۱۰ میلیون دلار) و ایمن الظواهری رهبر القاعده (۲۵ میلیون دلار).

● خبرگزاری رویترز منکر سخنان پمپئو شده و می‌نویسد وزیر خارجه آمریکا بدون ارائه هیچ مدرک محکمی گفت که القاعده در ایران پایگاه جدید ایجاد کرده است.

● روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد این افشاگری‌ها می‌تواند شرایط مذاکره با ایران را برای دولت جو بایدن سخت‌تر کند.

● حسین الله‌کرم از چماق

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

«رزمایش اقتدار» در دریای عمان؛ «نمایش بی عرضگی» در تهران بدون برق!



در نخستین هفته ژانویه ۲۰۲۱ بمب افکن های F-۱۵ سعودی و B-۵۲ آمریکایی در رزمایش مشترک برگزار کردند

خبرگزاری تسنیم در گزارشی به توجیه دلایل تغییر کاربری کشتی‌های تجاری و باری به نظامی پرداخته و می‌نویسد: «مزیت تبدیل شناور موجود- چه نظامی و چه غیرنظامی- برای مأموریتی جدید بطور عمده کاهش هزینه تا حد امکان و کاستن از زمان تولید است. فرایند ساخت زمان قابل توجهی می‌برد که آنهم دست‌کم ۲ تا ۳ سال برای کشورهای فوق است. بنابراین در اختیار گرفتن یک شناور موجود برای تبدیل به شناوری با مأموریت متفاوت، صرفه‌جویی زمانی بسیار زیادی به دنبال دارد و این برای فرماندهان عملیاتی از اولویت بالایی برخوردار است زیرا اثر مستقیمی در قدرت و سیادت دریایی نیروی تحت امر و البته قدرت دستگاه سیاسی بالادستی امر به آن نیرو دارد.»

در هفته‌های گذشته ارتش و سپاه بارها در خلیج فارس و دریای عمان به عنوانی مختلف مانور برگزار کردند از جمله ۲۰ دی‌ماه که قایق‌های بسیج در خلیج فارس به مناسبت سالگرد بازداشت تعدادی از ملوانان آمریکایی حوالی جزیره فارسی به مانور پرداختند. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران نوشت این «نمایش» به مناسبت «سالروز تحقیر آمریکایی‌ها در خلیج فارس» برگزار شد. این «رزمایش» یا «نمایش» اما بیشتر از آنکه جنبه نظامی داشته باشد سر و صدای تبلیغاتی با قایق‌های ماهیگیری در حضور حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران بود. تصمیم آمریکا برای اعزام تعدادی بمب‌افکن B-۵۲ به خاورمیانه و تمدید

● در ادامه تغییر کاربری کشتی‌های باری به نظامی، همزمان با این رزمایش، نیروی دریایی ارتش یک کشتی «ناوبندر» به اسم «مکران» را به ناوگان خود ملحق کرد. ● خبرگزاری تسنیم می‌نویسد دلیل تغییر کاربری کشتی‌های تجاری و باری به نظامی کاهش هزینه‌ها و کاستن از زمان ساخت کشتی است.

● امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی: رفتارهای خصمانه دشمنان به ویژه آمریکایی جنایتکار بر همگان واضح و آشکار است و دشمنان جز زبان قدرت، زبان دیگری رانمی‌فهمند!

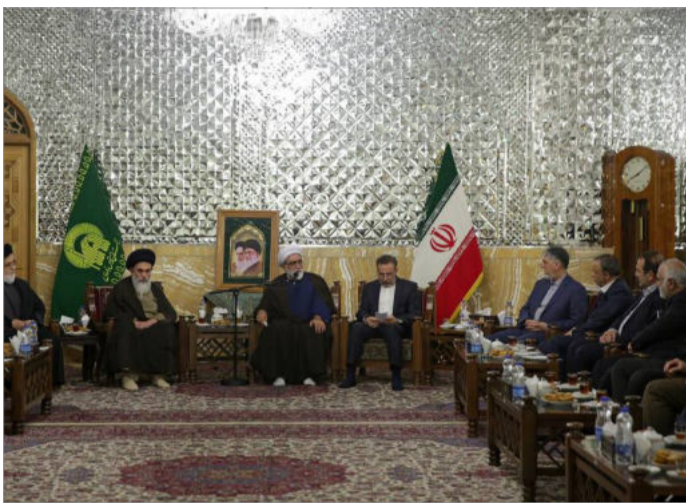
در میانه‌ی تنش‌های خاورمیانه رزمایش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی از روز چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه در سواحل مکران (ورودی دریای عمان) و شمال اقیانوس هند آغاز شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم رزمایش «اقتدار ۹۹» با رمز «بازهر» و با حضور محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش و حسین خاندادی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی برگزار می‌شود.

در ادامه تغییر کاربری کشتی‌های باری به نظامی، همزمان با این رزمایش، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی یک کشتی «ناوبندر» به اسم «مکران» را به ناوگان خود ملحق کرد.

گفته شده این ناو بزرگترین شناور نظامی ایران است و قرار است پشتیبان ناوگروه‌های ارتش در آب‌های دور دست به ویژه منطقه شمال اقیانوس هند، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ باشد. روی این کشتی فضای برای نشست و برخاست هلی‌کوپتر طراحی شده است. رسانه‌های بین‌المللی نیز به بازتاب برگزاری این رزمایش پرداخته‌اند. خبرگزاری رویترز می‌نویسد تلویزیون دولتی ایران در اوج تنش‌ها بین تهران و واشنگتن گزارشی درباره تست موشک‌های کوتاه‌برد نیروی دریایی ارتش پخش کرد.

تحریم «آستان قدس رضوی» و شرکت‌های تابعه از اصلی‌ترین بنگاه‌های وابسته به امپراتوری مالی علی‌خامنه‌ای



آستان قدس رضوی سازمانی است در شهر مشهد که تولید (سرپرست) آن را علی‌خامنه‌ای تعیین می‌کند و به گفته مسئولان آن بزرگترین نهاد موقوفات جهان اسلام است

سیاسی و اقلیت‌های مذهبی به نفع علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و مقامات ارشد دولت ایران است. این بیانیه می‌افزاید: «گفته می‌شود که آستان قدس رضوی و ستاد اجرایی فرمان امام، به همراه نهاد قبلاً تحریم‌شده بنیاد مستضعفان که توسط رهبر جمهوری اسلامی کنترل می‌شود و خاتم الانبیاء که در کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، بیش از نیمی از اقتصاد ایران را در اختیار خود دارند.»

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفت: «این نهادها رهبران فاسد ایران را قادر می‌کنند که از یک نظام مالکیت بر طیف وسیعی از بخش‌های اقتصاد ایران، سوءاستفاده کنند. آمریکا به هدف قرار دادن نهادها و افرادی که با ادعای کمک کردن به مردم ایران ثروت‌اندوزی می‌کنند، ادامه می‌دهد.»

خبرگزاری رویترز در سال ۱۳۹۵ تخمین زد خامنه‌ای یک امپراتوری مالی با ارزش بالغ بر ۹۵ میلیارد دلار در اختیار دارد.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته «بنیاد برکت» از زیرمجموعه‌های «ستاد اجرایی فرمان امام» نخستین تولیدکننده واکسن ایرانی کروناست!

● وزارت خزانه‌داری آمریکا ۱۶ نهاد و شرکت و ۳ شخص را تحریم کرد. شماری از این مؤسسات و نهادها در پوشش بنیادهای خیریه برای خامنه‌ای درآمدزایی می‌کنند.

● احمد مروی تولیت آستان قدس و محمد مخبر رئیس «ستاد اجرایی فرمان امام» و میرجیراش المحمداوی مشهور به ابو فدک المحمداوی نایب رئیس گروه الحشدالشعبی تحریم شدند.

● استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا: این نهادها و مؤسسه‌ها مقام‌های ارشد حکومت ایران را قادر می‌کنند که یک نظام فاسد مالکیت بر بخش‌های بزرگی از اقتصاد ایران را حفظ کند.

در واپسین روزهای حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهارشنبه ۱۳ ژانویه (۲۴ دی‌ماه) شبکه‌ای از نهادها و شرکت‌های ایرانی تحت کنترل علی‌خامنه‌ای را تحریم کرد.

استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت «این نهادها و مؤسسه‌ها مقام‌های ارشد حکومت ایران را قادر می‌کنند که یک نظام فاسد مالکیت بر بخش‌های بزرگی از اقتصاد ایران را حفظ کنند. ایالات متحده به هدف گرفتن کسانی که ادعا می‌کنند به مردم ایران کمک می‌کنند ولی ثروت خود را افزایش می‌دهند، ادامه می‌دهد.»

بر اساس اعلام وزارت خزانه‌داری «آستان قدس رضوی»، شرکت تولید نیروی برق «آبادان»، مؤسسه دانش بنیان «برکت»، شرکت کمباین سازی ایران، شرکت گسترش الکترونیک «مبین ایران»، مؤسسه حسابرسی «مفید راهبر»، شرکت مسکن و

دومین سوء قصد مسلحانه علیه مدیران دولتی طی ۲۴ ساعت:

مدیر برق ناحیه جنوب هدف قرار گرفت



اکبر ناصری

میرزا کریمی رئیس سابق اداره محیط زیست شهرستان دماوند حوالی ساعت ۲۱ شامگاه سه‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۹ در مسیر جاده آپسرد به سمت دماوند با سلاح جنگی کلاشینکف هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

محمدتقی تقی‌زاده دادستان عمومی و انقلاب شهرستان دماوند درباره این حمله مسلحانه گفته که «پس از سوء خرمشهر در دست بررسی است. اداره برق ناحیه جنوب در حفاصل جاده بین آبادان-خرمشهر قرار دارد. این دومین حمله مسلحانه به مدیران دولتی طی شبانه‌روز گذشته است.

سرهنگ جمشید محبت‌خانی فرمانده یگان حفاظت محیط زیست گفته شکارچیان غیرمجاز و قاچاقچیان اسلحه مظنونین اصلی این جنایت هستند.

نیمه‌جنگی «وینچستر» به سمت اتومبیل مدیر برق ناحیه جنوب شلیک کردند. هر سه گلوله شلیک شده به اتومبیل اکبر ناصری برخورد کرده و چون اتومبیل در حال ورود به اداره برق بوده، گلوله‌ها به خود وی اصابت نکرده است.

انگیزه ضارب یا ضاربان هنوز مشخص نیست و از سوی مأموران نیروی انتظامی خرمشهر در دست بررسی است. اداره برق ناحیه جنوب در حفاصل جاده بین آبادان-خرمشهر قرار دارد. این دومین حمله مسلحانه به مدیران دولتی طی شبانه‌روز گذشته است.

رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست شهرستان دماوند نیز شامگاه سه‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۹ در مسیر جاده آپسرد به سمت دماوند هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. عباس

● ضاربان سوار بر موتورسیکلت بوده و در حالی که صورت خود را پوشانده بودند با سلاح نیمه‌جنگی «وینچستر» به سمت اتومبیل مدیر برق ناحیه جنوب شلیک کردند. ● به دلیل اینکه اکبر ناصری در حال ورود به اداره ناحیه برق جنوب بوده گلوله‌ها به خود وی اصابت نکرده است.

مدیر برق ناحیه جنوب در استان خوزستان روز چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۹ توسط افراد ناشناس هدف حمله مسلحانه قرار گرفت. این دومین حمله مسلحانه به مدیران دولتی طی دو روز گذشته است.

اکبر ناصری مدیر برق ناحیه جنوب صبح چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۹ در حال ورود به اداره برق استان خوزستان از سوی افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت اما از این حمله جان سالم به در برد. خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد که «اکبر ناصری مدیر برق ناحیه جنوب صبح امروز با اتومبیل شخصی در حال ورود به اداره برق بود که از سوی فرد یا افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت.»

بر اساس این گزارش ضاربان سوار بر موتورسیکلت بوده و در حالی که صورت خود را پوشانده بودند با سلاح

بازداشت «کارگرانی» که پوستر مجتبی‌خامنه‌ای را به در و دیوار چسباندند!



پوسترهای مجتبی‌خامنه‌ای در خیابان «انقلاب» تهران و حوالی آن

تلفن به آنان گفته است. آنان دیشب دستگیر شدند. فکر کرده بودند اقدامی موجه و حاکمیتی است، فریب خورده و انجام داده‌اند.»

اینکه این پوسترها به سفارش چه کسانی و با چه انگیزه‌ای منتشر شد مشخص نیست. خیابان انقلاب و کوچه‌های اطراف آن مرکز چاپخانه‌هاست. صاحبان بسیاری از این دفاتر و چاپخانه‌ها بدون توجه به اینکه چه چیز را پرینت یا تکثیر می‌کنند «فله‌ای» در ازای

یک ماه پس از انتشار شایعاتی در مورد سلامت علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تهران پوسترهایی در حمایت از مجتبی‌خامنه‌ای یکی از فرزندان او بر در دیوار چسبانده است.

روز چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه تصویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که پوسترهای مجتبی‌خامنه‌ای را در کنار پدرش علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر در و دیوار نشان می‌دهد. پوسترهایی که روی آنها نوشته شده «لبیک یا مجتبی!»

ساعاتی بعد تعدادی از رسانه‌ها نوشتند: «عاملان پخش پوسترها کارگرانی بودند که با دریافت پنج میلیون تومان، پوسترها را از دفتر فنی چاپ تحویل و سپس پخش و نصب کرده و آمر تمام مراحل را از طریق

● در خیابان «انقلاب» تهران و کوچه‌های اطراف آن پوسترهایی با شعار «لبیک یا مجتبی» چسبانده‌اند.

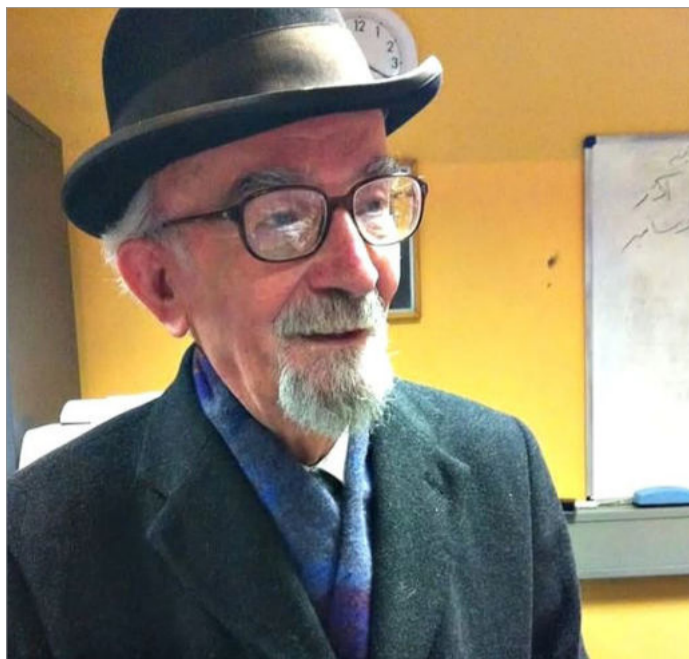
● گفته می‌شود عاملان آن کارگرانی بودند که در ازای دریافت پنج میلیون تومان پوسترها را به در و دیوار چسبانده‌اند اما آمران این کار مشخص نیستند.

یک ماه پس از انتشار شایعاتی در مورد سلامت علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تهران پوسترهایی در حمایت از مجتبی‌خامنه‌ای یکی از فرزندان او بر در دیوار چسبانده است.

روز چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه تصویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که پوسترهای مجتبی‌خامنه‌ای را در کنار پدرش علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر در و دیوار نشان می‌دهد. پوسترهایی که روی آنها نوشته شده «لبیک یا مجتبی!»

ساعاتی بعد تعدادی از رسانه‌ها نوشتند: «عاملان پخش پوسترها کارگرانی بودند که با دریافت پنج میلیون تومان، پوسترها را از دفتر فنی چاپ تحویل و سپس پخش و نصب کرده و آمر تمام مراحل را از طریق

محمود کیانوش در لندن در گذشت



محمود کیانوش شاعر، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار و ادیب درگذشت

کتاب شامل داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه و همچنین ۸ کتاب شعر و ۶ داستان برای کودکان و نوجوانان نوشت. او ۱۲ کتاب نقد علمی و نظری در حوزه ادبیات، شش کتاب شعر به زبان انگلیسی و ۲۲ کتاب ترجمه از زبان انگلیسی و ۱۳ کتاب طنز اجتماعی را به نظم و نثر به نگارش در آورد. از آثار او می‌توان به اینها اشاره کرد: «شعر کودک در ایران» - در زمینه نقد - داستان: «ادم یا روباه» (۱۳۴۸)، «دهکده نو» (۱۳۴۸)، «از بالای پله چهلیم» (۱۳۵۶)، «زبان چیزها» (۱۳۵۰)، «طوطی سبز هندی» (۱۳۵۶)، «توک‌طلای نقره‌بال» (۱۳۵۶)، «باغ ستاره‌ها» (۱۳۵۶)، «بچه‌های جهان» (۱۳۵۶)، «طاق هفت‌رنگ» (۱۳۵۸)، «آفتاب خانه ما» (۱۳۵۸)، «شبستان»، «ساده» و «غناک»، «شکوفه حیرت»، «شبابوز» و «ماه و ماهی در چشمه باد»، «آب‌های خسته»، «مرد گرفتار»، «غصه‌ای و قصه‌ای»، «در آن جا هیچ‌کس نبود»، «این آقا کی باشند؟»، «و بلا آمد و شفا آمد»، «حرف و سکوت»، «برف و خون»، «غواص و ماهی»، «در آفاق نفس» و «در طاس لغزنده». محمود کیانوش آثاری در موضوعات مختلف را نیز به فارسی برگردانده است؛ از جمله: «هاوایی: گوهر اقیانوس آرام» (۱۳۴۰)، «سرزمین و مردم ژاپن» (۱۳۴۲)، «سنگ‌پشت و پلنگ خانه می‌سازند» (۱۳۴۷)، «میمون گلی کوچولو» (۱۳۵۰) و «راهی به کشور آفتاب تابان». بازنویسی محمود کیانوش از داستان‌های شاهنامه «از کیکاووس تا کیخسرو (سیاهی، شبگیر، آفتاب)» از سال ۱۳۵۴ از سوی اداره کل نگارش وزارت فرهنگ به چاپ رسیده است.

● کیانوش در حالی درگذشت که گفته می‌شود قرار است کتاب «بردار اینها را بنویس آقا» حاوی خاطرات او از برخی چهره‌های معروف دهه چهل خورشیدی در نشر فرهنگ جاوید بازنشر شود و احتمالاً پس از دهه‌ها فراموشی در عرصه فرهنگ و ادب دوباره معرفی شود.

● کیانوش از چهره‌های نامدار فرهنگ و هنر پیش از انقلاب و جمهوری اسلامی در ایران به شمار می‌رفت.

● محمود کیانوش ۱۷ کتاب شعر، ۱۷ کتاب شامل داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه و همچنین ۸ کتاب شعر و ۶ داستان برای کودکان و نوجوانان نوشت. او ۱۲ کتاب نقد علمی و نظری در حوزه ادبیات، شش کتاب شعر به زبان انگلیسی و ۲۲ کتاب ترجمه از زبان انگلیسی و ۱۳ کتاب طنز اجتماعی را به نظم و نثر به نگارش در آورد.

محمود کیانوش با نام‌های مستعار «مصلح‌الدین زشکی خراسانی» و «علیزاده طوسی» نویسنده، شاعر، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار و ادیب روز سه‌شنبه ۲۳ دی‌ماه در سن ۸۶ سالگی در لندن درگذشت.

کیانوش در حالی درگذشت که گفته می‌شود قرار است کتاب «بردار اینها را بنویس آقا» حاوی خاطرات او از برخی چهره‌های معروف دهه چهل خورشیدی در نشر فرهنگ جاوید بازنشر شود و احتمالاً پس از دهه‌ها فراموشی در عرصه فرهنگ و ادب دوباره معرفی شود.

آثار این روزنامه‌نگار، شاعر سبک‌نمایی و منتقد ادبی در ایران پس از انقلاب در حالی ناشناخته مانده و او را بیشتر به عنوان «شاعر کودکان» می‌شناسد که وی از نامداران فرهنگ و ادب پیش از جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. محمود کیانوش سال‌ها پیش در گفتگویی با سیروس علینژاد گفته بود: «راستش اگر می‌دانستم که درک و دریافت شعر جهانی در سرزمین من از حد شعر کودک و نوجوان بالاتر نخواهد رفت، حتماً برای کودکان و نوجوانان با اسم مستعار شعر می‌گفتم.»

محمود کیانوش در ۱۲ شهریور ۱۳۱۳ در شهر مشهد به دنیا آمد و در دوازده سالگی با خانواده‌اش به تهران کوچ کرد. دوره اول متوسطه را در تهران را دانشسرای مقدماتی گذراند و دو سال بعد آموزگار شد و در ضمن تدریس، از دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران لیسانس گرفت.

پس از پنج سال خدمت در وزارت آموزش و پرورش و پانزده سال در وزارت اقتصاد و سازمان امور اداری کشور، با استفاده از امکان بازنشستگی با بیست سال سابقه خدمت، در سال ۱۳۵۳ خود را بازنشسته کرد و با همسرش، پری منصوری (مترجم و نویسنده) و دو فرزندشان، کاوه و کتابون، به لندن رفت و مقیم انگلستان شد. محمود کیانوش از دوازده سالگی به نوشتن شعر و از پانزده سالگی به نوشتن داستان پرداخت. او علاوه بر همکاری با اغلب نشریات ادبی معتبر، در چند شماره سردبیر مجله ماهانه «صدف» و در چهار دوره سردبیر مجله «سخن» بود. محمود کیانوش ۱۷ کتاب شعر، ۱۷

شعری از کیومرث سیاه؛ یادِ بد و خوب، زمان و جهان

نیست بُدی، ذره شدی یک زمان
لحظه به لحظه شده افزون بر آن
ذره‌ی نو، ذره‌ی نو، تا که هان
خود تو پدید آمدی اندر جهان
آمدی اما نه به یک آرمان
ز آمدنت سود نبود و زیان*
هم بزوی زود و سپاری تو جان
گو بُندی هیچ گهی در جهان
چرخه‌ی این چرخه همی بی‌گمان
خود برود پیش، قرین با زمان
یادِ بد و خوب تو اما بدان
گر تو برفتی نرود از میان

۳۱ ژانویه ۲۰۲۰

*خیام نیشابوری

بود زمانی که نبودی زمان
هیچ نبودی به جهان آن زمان
زانکه نبودی به جهان خود جهان
خود بشد آغاز زمان آن زمان
کز پس بانگی گران، ناگهان
ذره‌ی بنیادی کل جهان
خود ترکانید و جهانید به هر لامکان
زان سپس آمد به جهان این جهان
لحظه به لحظه به جهان شد عیان
ذره‌ی نو، باز نوی بعد از آن
از پس آن لحظه، جهان هر زمان
لحظه به لحظه به شتاب و پُران
دامنه‌ی خویش به هر سو گشان
نک سپری گشته بسا سالیان
خویش تو بنگر به کجایی روان

حسین پورسیفی فیلمساز ایرانی جایزه «کارگردان جوان» را در آلمان دریافت می‌کند



تصویری از فیلم «فردا آزادیم» ساخته حسین پورسیفی

● این جایزه ۷ هزار و پانصد یورویی را کریستین شوووکو کارگردان آلمانی به حسین پورسیفی اهدا می‌کند.

● کریستین شوووکو درباره فیلم «فردا آزادیم» گفته است، فیلم این ایده را مطرح می‌کند که اگر ما به یک ایده بزرگ باور داریم تا چقدر حاضر به پرداخت هزینه‌اش هستیم.

● «فردا آزادیم» که به وقایع پس از انقلاب در ارتباط با یک خانواده ایرانی - آلمانی می‌پردازد، سال ۲۰۱۹ در آلمان اکران شد.

حسین پورسیفی فیلمساز ایرانی برای ساخت فیلم سینمایی «فردا آزادیم» جایزه «کارگردان جوان» را از سوی «مؤسسه فیلم و رسانه» دریافت می‌کند.

«مؤسسه فیلم و رسانه» مستقر در ایالت بادن-وورتمبرگ آلمان، جایزه بهترین «کارگردان جوان» را به حسین پورسیفی فیلمساز ایرانی برای ساخت فیلم سینمایی «فردا آزادیم» اهدا کرد.

این جایزه ۷ هزار و پانصد یورویی را کریستین شوووکو کارگردان آلمانی به حسین پورسیفی اهدا می‌کند.

«فردا آزادیم» با نام آلمانی (Morgen sind wir frei) بر اساس داستان واقعی از اتفاقات پس از انقلاب ۵۷ و تأثیرات دردناک آن بر زندگی یک خانواده ایرانی - آلمانی ساخته شده است. رضا بروجردی، زهرا امیرابراهیمی و کاترین روور رضا بروجردی در این فیلم بازی کرده‌اند. این سینمایی نوامبر ۲۰۱۹ در سینماهای آلمان به اکران عمومی درآمد.

کریستین شوووکو درباره فیلم «فردا آزادیم» گفته است، «فیلم این ایده را مطرح می‌کند که اگر ما به



حسین پورسیفی دومین نفر ایستاده از سمت چپ

یک ایده بزرگ باور داریم تا چقدر حاضر به پرداخت هزینه‌اش هستیم. آیا می‌توانم برای این اعتقاد خودم و خانواده‌ام را به خطر بیندازم. این یک پرسش خیلی مهم است و من آن را به ویژه در زمانی مهم می‌دانم که ایده‌های سیاسی کمتر و کمتر دیده می‌شوند.

این کارگردان سینمای آلمان اضافه کرد که «فردا آزادیم» مرا به شدت تحت تأثیر قرار داد به ویژه به دلیل پرسش‌های روانشناختی، فلسفی و سیاسی که به روشی بسیار ظریف و با آرامش ارائه می‌کند.»



باد - محمود کیانوش، فریبرز لاجینی، سیمین قدیری، ۱۳۵۶

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (الرخلان) برای نخستین بار ایجاب گزیده محور نظامی و تاکتیک‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق سایت **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@connect.com www.satrap.co.uk
Super Hornum, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

تست موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری در رزمایش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «برای دفاع از ارزش‌ها»



رزمایش «پیامبر اعظم ۱۵» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● **سپاه پاسداران می‌گوید در رزمایش «پیامبر اعظم ۱۵» موشک‌های بالستیک نسل جدید با «قابلیت هدایت در خارج از جو» و نیز قدرت اخلاص و عبور از سپر موشکی دشمن تست شده است.**

● **امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه پاسداران: قابلیت‌های امروز جدید بود و ترکیب اینها با عملیات پهپادی و استفاده از دستاوردها و فناوری‌های هوش مصنوعی قدرت جدیدی را متولد کرده است.**

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران نیز در حاشیه این رزمایش گفت: «آنچه امروز پرواز کرد اراده مستحکم ملت ایران برای دفاع از ارزش‌های حیاتی بود.»

اولین روز رزمایش موشکی سپاه همزمان با دومین روز رزمایش نیروی دریایی ارتش با عنوان «اقتدار ۹۹» است.

بررسی ویدئویی که صداوسیما از رزمایش سپاه منتشر کرد نشان می‌دهد اغلب موشک‌هایی که لحظه فرود آنها به اهداف مورد نظر به نمایش در آمده با نقطه‌ی هدف فاصله دارند که در رزم موشکی یک رسوایی به شمار می‌رود در تهران مقامات لشکری و کشوری گوش به فرمان علی خامنه‌ای همچنان تهدیدات را افزایش می‌دهند به این امید که از غرب و دولت جدید آمریکا به رهبری جو بایدن باجگیری کنند. در خارج از ایران نیز واسطه‌ها و لابیگران پیدا و پنهان رژیم تلاش می‌کنند بستر مذاکره آیت‌الله‌ها و تیم بایدن را فراهم آورند.

تست موشک‌های بالستیک در رزمایش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز در شرایطی صورت گرفت که چک سالیوان مشاور امنیت ملی جو بایدن در مصاحبه با فریدز کربا در سی‌ان‌ان گفته است برنامه موشک‌های بالستیک ایران باید بخشی از مذاکرات باشد. این در حالیست که حاجی‌زاده اواسط دی‌ماه گفت «توان موشکی قابل مذاکره نیست و غلط می‌کند کسی بخواهد در این زمین مذاکره کند. اجازه مذاکره درباره توان موشکی به هیچ مسئولی داده و اینگونه ضربات مهلکی بر پایگاه فرضی دشمن وارد کرد.»

گفته شده این موشک‌ها به «سرجنگی جداشونده» و «قابلیت هدایت در خارج از جو» و نیز قدرت اخلاص و عبور از سپر موشکی دشمن مجهز شده‌اند. خبرگزاری تسنیم نوشت در این

کیمیا منتشر کرد: **سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی اندرو اسکات کورر ترجمه رضاتی زاده

کتاب سقوط پهلوی را تنها از کیمیا لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

در مرحله اول تصمیم گرفته شد که اولاً ترتیبی اتخاذ شود که انتخابات در سراسر کشور در یک روز انجام شود و مانند کشورهای مترقی نتیجه آن ظرف بیست و چهار ساعت اعلام گردد. این تصمیم در آن زمان حالت یک نوآوری داشت زیرا در سابق رسم بر آن بود که وزارت کشور انتخابات مجلس شورای ملی را منطقه به منطقه در زمانهای متفاوت برگزار می‌کرد و هرگاه کاندیداهایی که مورد نظر مقامات عالی و دولت بودند به دلائلی انتخابشان در یک محل با مشکلاتی برمی‌خورد، می‌توانستند از نقطه دیگری خود را کاندیدا کنند و در ثانی هرگاه در زمان رأی‌گیری که معمولاً چند روز به طول می‌انجامد نظر دولت در مورد کاندیداها تغییر می‌یافت، می‌توانستند با تغییراتی در نحوه کار و یا جابه‌جایی مأمورین مربوطه نسبت به انتخاب شدن کاندیداها اعمال نظر کنند. به‌عنوان مثال اگر مشاهده می‌شد فردی که مورد نظر دولت نبوده مورد توجه رأی‌دهندگان قرار گرفته و یا این که عده کثیری از رأی‌دهندگان را به‌وسائل مختلف در اختیار خود گرفته است و شانس موفقیت زیادی دارد کافی بود که با یک تلگراف، فرماندار محل را به‌طور فوری به تهران فراخوانند. این عمل باعث می‌شد که تمام کارهای انتخاباتی در آن حوزه متوقف شود زیرا قانون انتخابات صراحت داشت که حضور فرماندار در شهرستان مربوطه الزامات امر بوده و در غیبت او انتخابات متوقف می‌شد. بنابراین وزارت کشور می‌توانست بدون هیچ گونه محذور قانونی این قدرت خود را اعمال کند و مانع انتخاب شدن آن فرد شود. البته این فقط یکی از راههای قانونی بود و چندین وسیله دیگر نیز وجود داشت که می‌شد از آن به‌نفع یک کاندیدا استفاده کرد. بنابراین هرگاه انتخابات سراسر کشور در یک روز انجام می‌گرفت فرصتی به‌دست کاندیداها می‌شد که شکست خورده نمی‌دادند که به جان دولت بیفتند و بخواهند از نقطه دیگری وکیل شوند. چون دیده شده بود که هرگاه در یک محل و کیلی انتخاب می‌شد طرفداران کاندیدی مخالف او که قبل از انتخابات برای کاندیدی خود سینه درانده و از هیچ اقدامی خودداری نمی‌کردند بلافاصله بعد از اعلام نام برنده انتخابات از طرف انجمن، کاندیدی خود را رها کرده و به صف مقابل پیوسته‌اند. بنابراین برای حفظ نظم و آرامش کشور در زمان انتخابات به‌نظر می‌رسید باید کاری کرد که زمان رأی‌گیری و اعلام نام برنده به حد اقل ممکن برسد.

موضوع دومی که مورد توجه واقع شد این بود که در طول زمان انتخابات که حدود شش هفته برآورد می‌شد، ارتباط دائم بین وزارت کشور و تمام حوزه‌های انتخابیه برقرار باشد تا هرگاه مسأله‌ای در هر نقطه از مملکت پیش بیاید بتوان به‌فوری از آن آگاه شد و اقدامی درباره آن انجام داد چون در آن زمان به‌علت نبودن وسیله ارتباطات فوری، هرگاه واقعه‌ای در یکی از نقاط دورافتاده اتفاق می‌افتاد احتمالاً چند روزی طول می‌کشید تا وزارت کشور از آن آگاه شود. بنابراین برای رفع این مشکل از شهرپائی کل خواستیم یک نفر افسر کارآموز در مورد مخابرات معرفی نمایند. از طرف شهرپائی کل، سرکار سرهنگ جعفری که افسری شریف، تحصیل‌کرده و وطن‌پرست بود، برای سرپرستی امور ارتباطات معرفی شد (این افسر رشید که بعدها به درجه سرلشکری رسید، در زمان انقلاب تیرباران شد).

در ساختمان مرکزی وزارت کشور نیز سالن بزرگی برای نصب دستگاههای مخابراتی و خدمات مربوط به امور ارتباطات اختصاص داده شد. و با مذاکره با ارتش، آندارمری و وزارت پست و تلگراف، ترتیبی برقرار گردید که در طول مدت انتخابات کلیه این سازمانها با مرکز ارتباطات وزارت کشور همکاری داشته و مأمورین آنها دستورات سرهنگ جعفری را با رعایت تقدم، اجرا نمایند و به این صورت تمام وسائل ارتباطی مملکت در اختیار وزارت کشور قرار گرفت و می‌شد تا حدی اطمینان داشت که هرگاه در هر نقطه اتفاقی بیفتد در حد اقل مدت، وزارت کشور از آن آگاهی داشته باشد. برای انجام امور رأی‌گیری نیز طبق

تاریخ شتابی ایران

(۵۳)

فاخرت عبدالرضا انصاری



قانون تصریح شده بود که پس از اعلام برگزاری انتخابات از طرف وزارت کشور، فرمانداران در هر حوزه انتخابیه، موظفند طبق تشریفات نه نفر از افراد معتمد محل را دعوت نمایند تا انجمن نظارت آن حوزه را تشکیل دهند. این هیأت از تاریخی که رسماً تشکیل می‌شود، دارای اختیارات کامل بوده و تصمیمات آنها جنبه رسمی دارد و تنها انجمن است که می‌تواند در مورد برنده انتخابات، اتخاذ تصمیم نماید و بعد از اعلام برنده و رسیدگی به شکایات، خاتمه انتخابات را اعلام نموده و پس از معدوم کردن آراء قرائت‌شده به کار خود خاتمه دهد.

با این صورت برای اجرای صحیح انتخابات و جلوگیری از تقلب، نحوه تشکیل انجمن‌ها در هر حوزه انتخابیه، از الزامات اولیه است زیرا چنانچه طرفداران هر کاندیدا در انجمن اکثریت داشته باشند، می‌توانند از راههای مختلف، انتخابات را به نفع کاندیدی مورد توجه خود بگردانند.

با توجه به این موضوع، به فرمانداران دستور داده شد که در موقع انتخاب معتمدین محل، سه نفر از طرفداران هر حزب را در نظر گرفته و سه نفر



ساختمان وزارت کشور

هم از افراد کاملاً بی‌طرف، به‌مسئولیت شخص فرماندار انتخاب شوند تا چنانچه هر یک از طرفداران دو حزب «ایران نوین» و «مردم» بخواهند اعمال نفوذی در جریان کارها بکنند، طرف مقابل فرصت داشته باشد که اعتراض کرده و مانع اعمال نفوذ آنها بشود. علاوه بر آن، تعداد قابل ملاحظه از کارکنان وزارت کشور در نظر گرفته شدند که به‌عنوان بازرس انتخاباتی به حوزه‌های انتخابات مراجعه کرده و از جریانات مختلف، وزارت کشور را مطلع سازند. البته چون به‌موجب قانون پس از تشکیل انجمن، رأی‌دهندگان یک ماه فرصت داشتند تا کارت اکتراول دریافت دارند، بنابراین، فرصت بود که در این مدت کار انجمن‌ها زیر نظر قرار گیرد تا اگر در ترکیب آن غفلیتی شده بود اصلاح شود. در این مورد باید توجه شود که اصولاً دادن کارت اکتراول، یک پدیده جدید بود که از زمان اعلام برنامه انقلاب سفید به‌مرحله عمل درآمده بود و قبل از آن در هر انتخاباتی که انجام می‌شد پس از تشکیل انجمن‌های انتخاباتی توسط وزارت کشور و اعلام روز رأی‌گیری، مردم می‌توانستند بادر دست داشتن یک شناسنامه که در آن زمان‌ها غالباً فاقد عکس صاحب آن بود به چندین حوزه رأی‌گیری مراجعه کنند و رأی خود را به صندوق بیندازند یعنی یک نفر می‌توانست به تعداد حوزه‌های رأی‌گیری رأی بدهد. فقط در دوران نخست‌وزیری آقای دکتر مصدق برای جلوگیری از تقلب که رأی‌دهندگان نتوانند بیش از یک بار و با یک شناسنامه رأی دهند، ترتیبی اتخاذ شده بود که شناسنامه‌های ارائه‌شده را مهر کرده و با مرکبی که به‌آسانی پاک نمی‌شد، انگشت رأی‌دهندگان را سیاه کنند. با برقراری مقررات مربوط به گرفتن کارت اکتراول در طرف یک ماه، انجمن‌ها فرصت کافی داشتند که درباره مشخصات رأی‌دهندگان دقت بیشتری کرده و اطمینان حاصل کنند که ارائه‌کننده شناسنامه شخص حقیقی بوده و در حوزه انتخاباتی اقامت دارد و به این صورت روز رأی‌گیری، رأی‌دادن با سرعت بیشتری انجام‌پذیر باشد و تعداد آرا نیز برابر تعداد رأی‌دهندگان باشد.

بدیهی است برای فراهم کردن وسائل کار از جمله تهیه کارت‌های اکتراول و در هر یک از این موارد، به‌مسئولیت شخص فرماندار انتخاب شوند تا چنانچه هر یک از طرفداران دو حزب «ایران نوین» و «مردم» بخواهند اعمال نفوذی در جریان کارها بکنند، طرف مقابل فرصت داشته باشد که اعتراض کرده و مانع اعمال نفوذ آنها بشود. علاوه بر آن، تعداد قابل ملاحظه از کارکنان وزارت کشور در نظر گرفته شدند که به‌عنوان بازرس انتخاباتی به حوزه‌های انتخابات مراجعه کرده و از جریانات مختلف، وزارت کشور را مطلع سازند. البته چون به‌موجب قانون پس از تشکیل انجمن، رأی‌دهندگان یک ماه فرصت داشتند تا کارت اکتراول دریافت دارند، بنابراین، فرصت بود که در این مدت کار انجمن‌ها زیر نظر قرار گیرد تا اگر در ترکیب آن غفلیتی شده بود اصلاح شود. در این مورد باید توجه شود که اصولاً دادن کارت اکتراول، یک پدیده جدید بود که از زمان اعلام برنامه انقلاب سفید به‌مرحله عمل درآمده بود و قبل از آن در هر انتخاباتی که انجام می‌شد پس از تشکیل انجمن‌های انتخاباتی توسط وزارت کشور و اعلام روز رأی‌گیری، مردم می‌توانستند بادر دست داشتن یک شناسنامه که در آن زمان‌ها غالباً فاقد عکس صاحب آن بود به چندین حوزه رأی‌گیری مراجعه کنند و رأی خود را به صندوق بیندازند یعنی یک نفر می‌توانست به تعداد حوزه‌های رأی‌گیری رأی بدهد. فقط در دوران نخست‌وزیری آقای دکتر مصدق برای جلوگیری از تقلب که رأی‌دهندگان نتوانند بیش از یک بار و با یک شناسنامه رأی دهند، ترتیبی اتخاذ شده بود که شناسنامه‌های ارائه‌شده را مهر کرده و با مرکبی که به‌آسانی پاک نمی‌شد، انگشت رأی‌دهندگان را سیاه کنند. با برقراری مقررات مربوط به گرفتن کارت اکتراول در طرف یک ماه، انجمن‌ها فرصت کافی داشتند که درباره مشخصات رأی‌دهندگان دقت بیشتری کرده و اطمینان حاصل کنند که ارائه‌کننده شناسنامه شخص حقیقی بوده و در حوزه انتخاباتی اقامت دارد و به این صورت روز رأی‌گیری، رأی‌دادن با سرعت بیشتری انجام‌پذیر باشد و تعداد آرا نیز برابر تعداد رأی‌دهندگان باشد.

بدیهی است برای فراهم کردن وسائل کار از جمله تهیه کارت‌های اکتراول و در هر یک از این موارد، به‌مسئولیت شخص فرماندار انتخاب شوند تا چنانچه هر یک از طرفداران دو حزب «ایران نوین» و «مردم» بخواهند اعمال نفوذی در جریان کارها بکنند، طرف مقابل فرصت داشته باشد که اعتراض کرده و مانع اعمال نفوذ آنها بشود. علاوه بر آن، تعداد قابل ملاحظه از کارکنان وزارت کشور در نظر گرفته شدند که به‌عنوان بازرس انتخاباتی به حوزه‌های انتخابات مراجعه کرده و از جریانات مختلف، وزارت کشور را مطلع سازند. البته چون به‌موجب قانون پس از تشکیل انجمن، رأی‌دهندگان یک ماه فرصت داشتند تا کارت اکتراول دریافت دارند، بنابراین، فرصت بود که در این مدت کار انجمن‌ها زیر نظر قرار گیرد تا اگر در ترکیب آن غفلیتی شده بود اصلاح شود. در این مورد باید توجه شود که اصولاً دادن کارت اکتراول، یک پدیده جدید بود که از زمان اعلام برنامه انقلاب سفید به‌مرحله عمل درآمده بود و قبل از آن در هر انتخاباتی که انجام می‌شد پس از تشکیل انجمن‌های انتخاباتی توسط وزارت کشور و اعلام روز رأی‌گیری، مردم می‌توانستند بادر دست داشتن یک شناسنامه که در آن زمان‌ها غالباً فاقد عکس صاحب آن بود به چندین حوزه رأی‌گیری مراجعه کنند و رأی خود را به صندوق بیندازند یعنی یک نفر می‌توانست به تعداد حوزه‌های رأی‌گیری رأی بدهد. فقط در دوران نخست‌وزیری آقای دکتر مصدق برای جلوگیری از تقلب که رأی‌دهندگان نتوانند بیش از یک بار و با یک شناسنامه رأی دهند، ترتیبی اتخاذ شده بود که شناسنامه‌های ارائه‌شده را مهر کرده و با مرکبی که به‌آسانی پاک نمی‌شد، انگشت رأی‌دهندگان را سیاه کنند. با برقراری مقررات مربوط به گرفتن کارت اکتراول در طرف یک ماه، انجمن‌ها فرصت کافی داشتند که درباره مشخصات رأی‌دهندگان دقت بیشتری کرده و اطمینان حاصل کنند که ارائه‌کننده شناسنامه شخص حقیقی بوده و در حوزه انتخاباتی اقامت دارد و به این صورت روز رأی‌گیری، رأی‌دادن با سرعت بیشتری انجام‌پذیر باشد و تعداد آرا نیز برابر تعداد رأی‌دهندگان باشد.

بدیهی است برای فراهم کردن وسائل کار از جمله تهیه کارت‌های اکتراول و در هر یک از این موارد، به‌مسئولیت شخص فرماندار انتخاب شوند تا چنانچه هر یک از طرفداران دو حزب «ایران نوین» و «مردم» بخواهند اعمال نفوذی در جریان کارها بکنند، طرف مقابل فرصت داشته باشد که اعتراض کرده و مانع اعمال نفوذ آنها بشود. علاوه بر آن، تعداد قابل ملاحظه از کارکنان وزارت کشور در نظر گرفته شدند که به‌عنوان بازرس انتخاباتی به حوزه‌های انتخابات مراجعه کرده و از جریانات مختلف، وزارت کشور را مطلع سازند. البته چون به‌موجب قانون پس از تشکیل انجمن، رأی‌دهندگان یک ماه فرصت داشتند تا کارت اکتراول دریافت دارند، بنابراین، فرصت بود که در این مدت کار انجمن‌ها زیر نظر قرار گیرد تا اگر در ترکیب آن غفلیتی شده بود اصلاح شود. در این مورد باید توجه شود که اصولاً دادن کارت اکتراول، یک پدیده جدید بود که از زمان اعلام برنامه انقلاب سفید به‌مرحله عمل درآمده بود و قبل از آن در هر انتخاباتی که انجام می‌شد پس از تشکیل انجمن‌های انتخاباتی توسط وزارت کشور و اعلام روز رأی‌گیری، مردم می‌توانستند بادر دست داشتن یک شناسنامه که در آن زمان‌ها غالباً فاقد عکس صاحب آن بود به چندین حوزه رأی‌گیری مراجعه کنند و رأی خود را به صندوق بیندازند یعنی یک نفر می‌توانست به تعداد حوزه‌های رأی‌گیری رأی بدهد. فقط در دوران نخست‌وزیری آقای دکتر مصدق برای جلوگیری از تقلب که رأی‌دهندگان نتوانند بیش از یک بار و با یک شناسنامه رأی دهند، ترتیبی اتخاذ شده بود که شناسنامه‌های ارائه‌شده را مهر کرده و با مرکبی که به‌آسانی پاک نمی‌شد، انگشت رأی‌دهندگان را سیاه کنند. با برقراری مقررات مربوط به گرفتن کارت اکتراول در طرف یک ماه، انجمن‌ها فرصت کافی داشتند که درباره مشخصات رأی‌دهندگان دقت بیشتری کرده و اطمینان حاصل کنند که ارائه‌کننده شناسنامه شخص حقیقی بوده و در حوزه انتخاباتی اقامت دارد و به این صورت روز رأی‌گیری، رأی‌دادن با سرعت بیشتری انجام‌پذیر باشد و تعداد آرا نیز برابر تعداد رأی‌دهندگان باشد.

حزب ایران نوین و مردم از موقعیت اجتماعی او آگاهی داشتند. آیا او هرگز اظهار علاقه‌ای کرده بود که در انتخابات شرکت کند و دولت به‌طرفی او را منصرف کرده باشد؟ - آقای دکتر مظفر بقائی شخص شناخته شده و پایه‌گذار حزب زحمتکشان ایران بود و همه او را می‌شناختند. ولی من به‌یاد ندارم که اصلاً نام ایشان در مورد انتخابات مطرح شده باشد؛ حالا اگر احتمالاً مقامات امنیتی به‌طور محرمانه ایشان یا اشخاص دیگری را منصرف کرده باشند امری است علیحده و من از آن اطلاعی ندارم ولی به‌طور قاطع می‌توانم بگویم که هیچ دستوری وجود نداشت که جلو کسی گرفته شود. به‌هرحال، تاریخ برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی، مجلس سنا و مجلس مؤسسان اعلام شد و احزاب نیز کاندیداهای خود را برای هر حوزه اعلام کردند.

روزی آقای هلاکو رامبد قائم‌مقام دبیر کل حزب مردم از من وقت خواستند که به‌اتفاق آقای محسن موقر نماینده خرمشهر و مدیر روزنامه مهر ایران که در واقع روزنامه رسمی حزب مردم بود، به دفتر من بیایند. قرار لازم گذاشته شد و آقایان تشریف آوردند. پس از تعارفات، آقای رامبد اظهار داشتند آقای موقر در نظر دارند برای احراز نمایندگی مجلس از اندیشک کاندیدا شوند و چون تمام منطقه اندیشک و دزفول محل فعالیت سازمان آب و برق خوزستان می‌باشد و کارکنان این سازمان و سایر مأمورین از شما حرف‌شنوی دارند تقاضایشان این است که از ایشان حمایت کنید و از دوستان و همکاران سابقتان بخواهید که برای انتخاب شدن آقای محسن موقر فعالیت نمایند.

جواب دادم فامیل موقر در خوزستان سابق طولانی داشته و کمتر کسی است که با نام موقر آشنایی نداشته باشد. عموی ایشان رئیس اتاق بازرگانی خرمشهر است. خود ایشان نیز نماینده مجلس و مالک شرکت توزیع آب در اهواز و صاحب‌امتیاز روزنامه مهر ایران می‌باشند. بنابراین احتیاج به معرفی و کمک من در منطقه ندارند و کافی است که فعالیت انتخاباتی خود را شروع کنند و به‌احتمال زیاد با کمک حزب مردم موفق خواهند شد ولی از بابت توصیه من به کارکنان سازمان آب و برق خوزستان، برای انتخاب ایشان، باید عرض کنم که به طبق اوامر شاهنشاه مجاز نیستیم به هیچ عنوان از هیچ یک از کاندیداها طرفداری کنیم فقط باید با رعایت بیطرفی کامل، جریان انتخابات را سرپرستی کرده و امین صندوق آرا باشیم.

روز بعد، برای عرض گزارشات در نوشهر به حضور علیحضرت شرفیاب شدم. به‌محض ورود، علیحضرت با تشدد فرمودند «شما به چه حقی به موقر گفته‌اید که وکیل نمی‌شود.» من که به هیچوجه انتظار چنین برخوردی را نداشتم با حالت بسیار ناراحت سؤال کردم قربان، چه کسی چنین گزارش دروغی را به‌عرض رسانده؟ فرمودند عدل (پروفوسر عدل دبیر کل حزب مردم). عرض کردم مسلم است به او دروغ گفته‌اند و تمام جریان مذاکرات با آقای رامبد موقر و جواب خودم را حضورشان عرض کردم. در چشمانشان خواندم که حقیقت سختم را قبول فرموده‌اند و به‌همین جهت گفتند جواب صحیحی به او داده‌اید و به همین ترتیب ادامه دهید. عرض کردم قربان، هرچند این نوع گزارش اولین گزارش خلاف است که حضورتان داده‌اند ولی مسلماً آخرین نخواهد بود. لذا تقاضا دارم اجازه فرمایید از فردا تمام صحبت‌های من چه در دفتر و چه در تلفن بر روی نوار ضبط شود که جای هیچ گونه شبهه‌ای باقی نماند. فرمودند مانعی ندارد. انجام دهید.

از روز بعد، یک نفر از تکنیسین‌هایی را که از سابق با او آشنایی داشتم مأمور کردم که در اتاق مجاور دفتر وزیر، دستگاههای ضبط را گذاشته و کلیه صحبت‌های تلفنی و مذاکرات با مراجعین را بر روی نوار ضبط نماید. در پایان جریان انتخابات، این دستگاهها برچیده شد و نوارهایی که ضبط شده بود در جای امنی حفظ گردید.

ادامه دارد

کتابگزاری؛ بهشتی که گم شد ولی سقوط نکرد؛ از فرّ ایزدی به شراهریمنی...



دشمن مصون بوده است.» مترجم نه تنها برای ترجمه دقیق بلکه جهت کند و کاو در وقایعی که در این کتاب به آنها اشاره شده، علاوه بر نویسنده، در گفتگو با شهپانو فرح پهلوی نیز به پیگیری و تدقیق آنها پرداخته است.

در پایان این کتاب ۷۵۰ صفحه‌ای یک کتابنامه، فهرست نام‌ها و همچنین چندین صفحه عکس پیوست شده است.

می‌نویسد: «همینطور که تحقیق پیش می‌رفت برایم روشن شد که با دو روایت از انقلاب سر و کار دارم، یکی آمریکایی و دیگری ایرانی.»

به این ترتیب به نظر می‌رسد روایت‌های انقلاب ۵۷ از یکی دو تا بسیار فراتر باشد به ویژه آنکه نسل‌های جوان ایران که اصلاً آن دوره را ندیده‌اند بر اساس زندگی و تجربه‌ی ملموس از جمهوری اسلامی، به روایت‌های دیگری می‌رسند. خود اندرو اسکات کوپر در گفتگویی که کیهان لندن در سال ۱۳۹۵ با وی داشت در پاسخ به این پرسش که «کتاب شما را تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت دودمان پهلوی توصیف کرده‌اند؛ آیا به نظر شما این توصیف عادلانه است؟» می‌گوید: «من با این برداشت موافق نیستم. من هرگز تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت شاه و یا هر شخص دیگری نکرده‌ام. در جریان پژوهش‌هایی که انجام دادم متوجه شدم که بسیاری از توده‌ایران‌بان از هم‌اکنون شاه و میراثی را که از خود بجا گذاشت بار دیگر ارزیابی می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد: «درواقع من در جریان دیدار خود از ایران در سال



سقوط بهشت؛ خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی
نویسنده: اندرو اسکات کوپر
مترجم: رضا تقی‌زاده
ناشر: کیهان لندن؛ دسامبر ۲۰۱۸ / آذر ۱۳۹۷
چاپ: انتشارات ساتراپ (لندن)
اندرو اسکات کوپر نویسنده و پژوهشگر آمریکایی این کتاب را در گفتگو با شاهان مختلف از جمله شهپانو فرح، ابوالحسن بنی‌صدر، برژینسکی، هوشنگ نهاوندی، حسین نصر، رضا قطبی، کامییز آتابای و دیگر مقامات و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایران تنظیم و تدوین کرده است.

راهی که نیمه‌کاره ماند

روایت کتاب که نسخه اصلی آن به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۶ منتشر شده، در فوریه ۲۰۱۵ از آرامگاه دو مرد در قاهره و دو زن که به دیدار آنها می‌شتابند آغاز می‌شود؛ جهان سادات و فرح پهلوی که همسرانشان در مسجد الرفاعی برای همیشه آرمیده‌اند.

نویسنده می‌پرسد آیا «حذف همسران آنان از قدرت در یک نسل پیش، راه خونریزی‌های امروز را گشوده است؟! پژوهشگر آمریکایی در «سقوط بهشت» این «راه» را ترسیم می‌کند. او پس از اینهمه سال که از درگذشت شاه گذشته، خواننده را با این موضوع روبرو می‌کند که به راستی این گفتار قصار شاه تا چه اندازه حقیقت دارد که «قدرناشناسی طبیعت مردم است» و مجسمه‌اش «به وقتش بجای خود بر می‌گردد»!

با اینهمه پاسخ یا پاسخ‌هایی برای چرایی رویدادهای تاریخی چیزی نیست که به سادگی بتوان در میان روایات و خاطرات یافت. اندرو اسکات کوپر درباره گفتگوهایی که برای نوشتن این کتاب با افراد مختلف انجام داده می‌گوید: «خاطره در گذر زمان تغییر می‌کند و بیشتر کسانی که با آنان مصاحبه کردم تاریخ‌ها و جزئیات گفت و شنودها را فراموش کرده بودند و یا وقایع را با هم خلط می‌کردند. خوشبختانه من توانستم صحت گفته‌های آنان را واریسی کنم و آنها را با مصاحبه‌شوندگان دیگر و نیز منابع دست اول از جمله خاطرات نامه‌ها و یادداشت‌ها و گزیده‌های جراید مقابله کنم.» و البته در این میان از اسناد دوران جیمی کارتر که از طبقه‌بندی خارج شدند نیز سود برده است. بر اساس این مطالعه‌ی این منابع است که

سازمان نظام پزشکی در نامه‌ای به روحانی:

واکسن را سیاسی نکنید! «از طرق مختلف» و «زیر نظر مراجع علمی» اقدام کنید!



دیوارنویسی در ایران

● سازمان علوم پزشکی می‌گوید تهیه و خرید واکسن نیازی حیاتی و ضروری جامعه است که باید بر اساس نگرش علمی و مصالح ملی و فارغ از مسائل سیاسی باشد.

● نمایندگان جامعه پزشکی از روحانی خواستند «تا در جهت تأمین حقوق بدیهی مردم و انتظارات بر حق کادر درمان» از همه ظرفیت‌های بخش دولتی و خصوصی برای تهیه واکسن و به دور از مسائل سیاسی اقدام کند.

● در این نامه به روحانی یادآوری شده که کشورهای همسایه و دنیا واکسن‌های کرونا را خریداری کردند و «حتا بعضی از کشورهای منطقه درصد قابل توجهی از مردم را تحت پوشش واکسن قرار داده‌اند.»

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هفته گذشته گفت که قبلاً به مسئولان گفته و حالا «عمومی» اعلام می‌کند که وی خرید واکسن از آمریکا و انگلیس را ممنوع اعلام کرده است! وی که هیچ تخصصی در زمینه دانش و علوم پزشکی و داروسازی و بیولوژی و غیره ندارد، نسبت به این واکسن‌ها ابراز «عدم اعتماد» کرده است!

روای اشراف سازمان نظام پزشکی و رئیس مجمع انجمن‌های علمی در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی رئیس دولت تدبیر و امید خواستار تهیه واکسن‌های کرونا با تأیید مراجع علمی «از طرق مختلف» و «به دور از مسائل سیاسی» شدند.

محمدرضا ظفرقندی رئیس کل سازمان علوم پزشکی، ایرج فاضل رئیس مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران، مصطفی معین رئیس شورای عالی و عباس آقازاده مسرور رئیس مجمع عمومی در نامه‌ای به حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم، خواستار تلاش دولت برای تهیه واکسن‌های مطمئن کرونا با تأیید مراجع علمی «از طرق مختلف» و «به دور از مسائل سیاسی» شدند.

نویسندگان این نامه بر مواجهه صحیح، علمی و مدبرانه در مقابله با همه‌گیری بیماری کرونا تأکید کردند و تنها راه غلبه و قطع زنجیره این بیماری مهلک را «تأمین سریع و استفاده از واکسن مناسب و مؤثر بر اساس اولویت‌های تعیین شده» خواندند.

سازمان علوم پزشکی این نامه را پس از فرمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای وارد نکردن واکسن‌های آمریکایی و انگلیسی به روحانی نوشته است. پیشتر نیز بارها جامعه پزشکی از دولت خواسته بود تا در تهیه واکسن‌های کرونا سرعت عمل به خرج دهد و منتظر نتایج آزمایش‌های فازهای انسانی واکسن‌های داخلی نماند و اکتفا به تهیه واکسن از طریق کووآکس نکند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هفته گذشته گفت که قبلاً به مسئولان گفته و حالا «عمومی» اعلام می‌کند که وی خرید واکسن از آمریکا و انگلیس را ممنوع اعلام کرده است! وی که هیچ تخصصی در زمینه دانش و علوم پزشکی و داروسازی و بیولوژی و غیره ندارد، نسبت به این واکسن‌ها ابراز «عدم اعتماد» کرده است!

حالا سازمان نظام پزشکی کشور در نامه‌ی خود به روحانی یادآوری کرده که «بسیاری از کشورهای منطقه و دنیا واکسیناسیون بر علیه بیماری کووید-۱۹ را شروع کردند و حتا بعضی از کشورهای منطقه درصد قابل توجهی از مردم را تحت پوشش واکسن قرار داده‌اند.»

در این نامه «تهیه و خرید واکسن» نیازی حیاتی و ضروری امروز جامعه خوانده شده که «باید صرفاً بر اساس نگرش علمی و بر اساس مصالح ملی و فارغ از مسائل سیاسی به آن پرداخته شود». سازمان نظام پزشکی تأکید کرده است که واکسن‌های کرونا باید «در کوتاه‌ترین زمان ممکن در اختیار مردم و اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های پر خطر و کادر خدمت و فداکار درمان قرار گیرد.» نویسندگان این نامه «به عنوان

نمایندگان جامعه پزشکی کشور» از روحانی خواستند «تا در جهت تأمین حقوق بدیهی مردم و انتظارات بر حق کادر درمان» دولت تلاش خود را برای «تهیه واکسن مطمئن» و مورد تأیید استفاده از همه ظرفیت‌های بخش دولتی و خصوصی و «به دور از مسائل سیاسی» اقدام کند.

در نامه‌ی سازمان نظام پزشکی به روحانی با اشاره به برنامه دولت در تولید واکسن در داخل، آمده است که «طی مراحل علمی و تولید انبوه واکسن داخلی به زودی مسیر خواهد شد.»

امضاءکنندگان این نامه به رئیس جمهوری اسلامی حتا انحصار تهیه واکسن از طریق کووآکس سازمان ملل را با توجه به سهمیه‌بندی و متقاضیان متعدد، «برای واکسیناسیون قابل قبول در زمان مناسب» ناکافی دانسته‌اند.

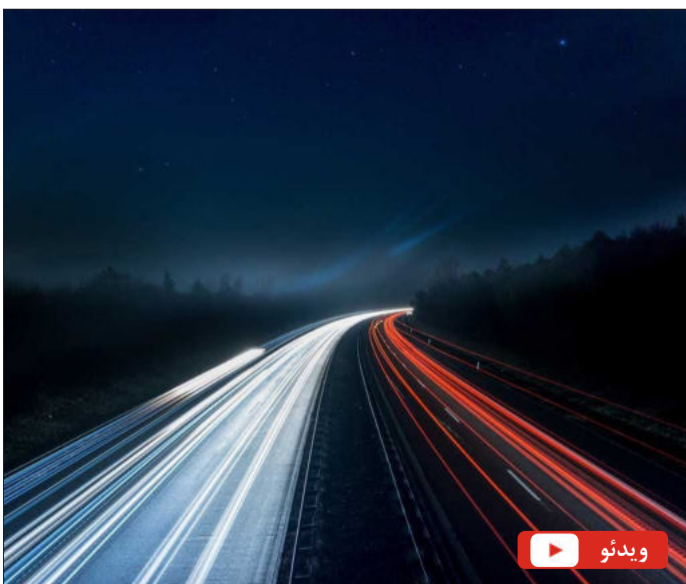
رؤسای سازمان نظام پزشکی همچنین جهت همکاری در تهیه و توزیع واکسن و هرگونه خدمت به مردم ایران اعلام آمادگی کرده‌اند.

در حالی که هنوز هیچ برنامه مشخصی برای وارد کردن و واکسیناسیون علیه کرونا در ایران وجود ندارد، بر اساس گزارش امروز سیماسادات لاری سخنگوی وزارت بهداشت، «از دیروز تا امروز ۲۲ دی ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۶ هزار و ۲۰۸ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که ۶۴۲ نفر از آنها بستری شدند.»

همچنین در شبانه‌روز اخیر بار دیگر شمار جانباختگان افزایش یافته و ۹۱ بیمار دیگر مبتلا به کرونا جان خود را از دست دادند. اکنون شمار کل مبتلایان کووید ۱۹ بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت به یک میلیون و ۲۹۲ هزار و ۶۱۴ نفر و مجموع جانباختگان این بیماری در کشور به ۵۶ هزار و ۲۶۲ نفر افزایش یافته است.

قاسم شعله‌سعدی:

راه سوم برای گذر از جمهوری اسلامی



ویدئو

● قاسم شعله‌سعدی فقدان مدیریت سراسری را دلیل اصلی عدم موفقیت خیزش‌های مردمی دی ۹۶ و آبان ۹۸ می‌داند و معتقد است که با تظاهرات و تجمعات خیابانی نمی‌توان نظام کنونی را وادار به ترک قدرت کرد.

● این منشور برنامه‌ای سه مرحله‌ای برای گذر از جمهوری اسلامی، استقرار نظامی دمکراتیک و تحکیم آن ارائه داده است که البته هنوز از تأیید مردم و دیگر تشکل‌های سیاسی داخل و خارج از کشور برخوردار نیست.

قاسم شعله‌سعدی حقوقدان و استاد دانشگاه و فعال سیاسی در روزهای گذشته منشوری با عنوان «اندیشه فردوست داشت می‌نویسد، ...

او می‌تواند نقشه راهی گذر از جمهوری اسلامی باشد. مبارزات خشونت‌پرهیز، اعتصابات سراسری و نافرمانی مدنی، راهکارهای ارائه شده در این منشور هستند. قاسم شعله‌سعدی که دو بار از شیراز به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی انتخاب شده،

زنان شاخص

آذر شیوا

(۱۳۱۹ - تهران)



آذر شیوا هنرپیشه سینما اهل ایران است. آذر شیوا پس از اخذ دیپلم متوسطه در ۱۸ سالگی به استخدام رادیو تهران درآمد و یک سال بعد فعالیت دوبله را آغاز نمود. او در این زمان در رشته پرستاری فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۰ در فیلم « آهنگ دهکده » ساخته مجید محسنی به اولین بار مقابل دوربین قرار گرفت. او در یک دهه در بیست و یک فیلم ایرانی بازی کرد که از میان آن‌ها سلطان قلبها و روسپی جزو آثار فراموش نشدنی اوست. او در طول فعالیت سینمایی خود با بازیگران مطرحی چون محمدعلی فردین، ناصر ملک مطیعی، رضا بیگ ایمانوردی و بهروز وثوقی همبازی بوده‌است. آذر شیوا در سال ۱۳۵۰ و در اوج شهرت به دلیل اعتراض به وضع سینمای آن روز ایران، با هنرپیشگی خداحافظی کرد و برای اعتراض به در سایه قرار گرفتنش در چنین

شرایطی، مدتی مقابل دانشگاه تهران به فروختن آدامس پرداخت. جوایز و افتخارات آذر شیوا: برنده جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن از دومین دوره جشنواره سیاسی (۱۳۴۹) به پاس بازی در فیلم روسپی، برنده پلاک طلای بهترین بازیگر زن از جشنواره فیلم‌های سینمای ایران (۱۳۴۸) به پاس بازی در فیلم روسپی. دوازدهمین بازیگر زن تاریخ سینمای ایران (مشتراک با فخری خوروش و فروزان)



زن روز



پروین اعتصامی

... بر بلندی چو سپیدار چه افزائی
بارور باش، تو نخلی نه سپیداری
چبست این جسم که هر لحظه کشی بارش
چبست این جیفه که چون جانش خریداری
طینت گرگ بر آن شد که بیازارد
ز گزندش نرهی گرش نیازاری
اهرمن را سخنان تو نترساند
که تو کردار نداری، همه گفتاری
بزبونی گرویدی و زبون گشتی
تو سیه طالع این عادت و هنجاری
دل و دین تو ربودند و ندانستی
دین چه فرمان دهدت؟ بنده دیناری
غم گمراهی و پستی نخوری هرگز
ز ره نفس اگر پای نگهداری ...



نارنج و بهار نارنج

از آب نارنج برای خوشبو کردن و بهبود طعم غذا استفاده می‌شود و در صنعت عطرسازی و شامپوسازی هم کاربرد دارد. شکوفه‌های آن یکی از معطرترین گلهاست که آن برای بهار نارنج و همچنین عرق نارنج در طب سنتی ایران کاربرد دارد. در درمان ناراحتی‌های معده از مریای آن استفاده می‌شود. درخت نارنج مادر مرکبات است و پایه بسیار خوبی جهت پیوند شاخه‌های نارنگی یا پرتقال است. فشار خون و ضربان قلب را زیاد می‌کند و این میوه بسیار ترش است و خوردن زیاد آن باعث فشار خون پایین می‌شود. نارنج میوه ای ست که در ایران خصوصا در شیراز به فراوانی تولید می‌شود و محصولات جانبی متعددی نیز دارد. نارنج میوه درختی بزرگ و زیباست با برگهایی بزرگتر و خوشبوتر از برگ‌های درخت لیمو. شکوفه‌های آن که بسیار خوشبو است بهار نارنج نامیده می‌شود. در بعضی مناطق در تمام فصول سال می‌توان میوه نارنج را بر روی درخت دید. در حالیکه هنوز میوه سال گذشته بر درخت است میوه‌های جدید هم در حال رسیدن هستند. شکوفه نارنج (بهار نارنج) طبیعت گرم و خشک، بوییدن آن شادی آور، تقویت‌کننده مغز و از بین برنده آبریزش بینی (زکام) است. از این شکوفه‌ها مریای لذیذی تهیه می‌شود که خواص مفید شکوفه را دارد. اگر یک قاشق مریاخوری از گل شکوفه خشک نارنج را به یک فنجان آب جوش اضافه کنید و در فنجان را ببندید بعد از ۱۰ دقیقه نوشیدنی بسیار خوشبو و نشاط آوری آماده می‌شود. زیاد بوییدن آن بی خوابی ایجاد می‌کند. از این خاصیت می‌توان در مواقع نیاز به رفع خواب‌آلودگی استفاده کرد. اگر نگران خواب‌آلودگی در کلاس درس یا جلسه امتحان هستید یک شیشه ناراحتی و یا علائم کوچک از عطر بهار نارنج را همراه خود باورهای که در استرس نسبت به یک موضوع دردناک نشان ندهند و اغلب اضطراب و استرس خود را سرکوب کنند، اما هیجان به صورت فلجی در پاهای بروز کند.

افزایش ابتلا به بیماری هیستری با خوردن زیاد شکلات
خوردن بیش از اندازه شکلات برای زنان خطرناک بوده و خطر بیماری هیستری را افزایش می‌دهد. همان طور که خوردن بیش از اندازه شکلات خطرناک است، نخوردن آن نیز می‌تواند به بروز علائم این بیماری تفاوت بیماری هیستری و تمارض

علائم هیستری، بیماری که عاشق خانم هاست!

امروزه علم روانشناسی نمونه‌های مختلف اختلالات را که در گذشته به عنوان هیستری شناخته می‌شدند شناسایی کرده است که تعدادی از آن‌ها عبارتند از: اختلال تجزیه هویتی، اختلال علائم جسمی، اختلالات تجزیه‌ای، اختلالات روانی هستند که در ذهن بیمار تجزیه و گسستی به وجود می‌آید که بر هوشیاری و هویت و خاطرات او نیز تاثیر می‌گذارد. این نوع اختلالات شامل فوگای تجزیه (نوعی فراموشی که فرد گذشته یا هویت فردی خود را به یاد نمی‌آورد)، اختلالات تجزیه هویتی (چند شخصیتی بودن) و تجزیه فراموشی (که فرد ارکان بسیار مهم زندگی که به راحتی از یاد نمی‌روند را فراموش می‌کند که معمولا بر اثر ضربه روحی شدید ایجاد می‌شود)

بیماری هیستری چیست؟
هیستریا مفهومی است که برای توصیف حالات شدید احساسی استفاده می‌شود اما یک تشخیص رایج پزشکی است. هیستریا در مفاهیم لایمان، اغلب برای شرح رفتار احساسی فرد استفاده می‌شود و یک نوع از دست دادن کنترل به نظر می‌رسد. وقتی فردی در وضعیت خاص به طرز نامناسب احساساتی رفتار کند، بعنوان فرد هیستری شناخته می‌شود. در دوره ویکتوریا این اصطلاح به کسانی که دارای یک سری علائم که در زنان شایع تر بود نسبت داده می‌شد.

اختلال علائم جسمی: در آپدیت اخیر DSM، علائم DSM 5 تحت چتر هیستریا قرار می‌گیرند که اکنون به اختلال علائم جسمی معروف هستند. **علائم بیماری هیستری** علائم بیماری هیستری شامل فلج شدن قسمتی از بدن، توهم و عصبی بودن است. علائم کمتر شایع دیگر نیز عبارت هستند از: بی حس شدن اندام ها ، مور مور شدن ، گزگز کردن ، نفس تنگی ، اضطراب ، غش کردن ، عصبی بودن ، بی‌خوابی ، زودرنجی ، آشفتنگی ، غش کردن. **علل ابتلا به بیماری هیستری** افراد مبتلا، اغلب تعارضات عمیق درون روانی دارند. علل این بیماری بسیار پیچیده و برخاسته از وضعیت و تعارض‌های روانی است. هیچ‌گونه نقص یا اختلالی در سیستم عصبی توجیه‌کننده وضعیت فلج یا ناپیناپی بیمار نیست و با مداخلات پزشکی هیچ تغییری در وضعیت بیمار حاصل نمی‌شود. افراد بیمار در تجربه عمیق هیجان‌ات خود مشکل دارند و به جای نشان دادن هیجان‌ات خود تعارضات و خشم خود را به شکل علائم جسمانی نشان می‌دهند. آنها ممکن است هیچ نوع

هیستری یک نوع اختلال روانی است که فرد بیمار دچار به این نوع اختلال بدون اینکه صدماتی به اندام او وارد شود، دچار مشکلات جسمانی می‌شود. هیستری در اثر علل روانی که در سابقه فرد حضور دارند، به وجود می‌آید. این اختلال برای درمان نیاز به روان درمانی دارد.



بیمار هیستری

Wikipedia

تاریخچه هیستری این مفهوم از یک لغت باستانی روانشناسی گرفته شده که علائم حرکت رحم بانوان را در نواحی مختلف بدن مورد بررسی قرار می‌دهد. متفکران باستانی باور دارند که رحم یک خانم می‌تواند آزادانه در نواحی مختلفی در بدن حرکت کند، و بر اساس حرکتی که دارد، علائم و درد را ایجاد کند. در اواخر قرن هجدهم، هیستری به عنوان یک اختلال روانی در نظر گرفته شد. یک متخصص مغز و اعصاب فرانسوی برای درمان بانوانی که از این بیماری رنج می‌بردند اقدام به استفاده از هیپنوتیزم کرد. رازآلود بودن هیستری، نقش بزرگی در پیشرفت اولیه بشر در زمینه روانکاوی داشت. یک روانکاو معروف اتریشی که با روش‌ها و متدهای بزرگان روانکاوی آشنایی نزدیک داشت هنگام کمک به یک خانم جوان که از هیستری خفیف رنج می‌برد، پی برد که تنها صحبت کردن با وی درباره مشکلات و موارد آزاردهنده زندگی‌اش تاثیر به شدت مثبتی بر سلامت روانی او می‌گذارد که از آن به نام گفت‌وگو درمانی یاد می‌شود. امروزه ممکن است هنگام کمک به یک تشخیص روانی نباشد اما یک نمونه از تشخیص‌های پدیدار شدن مفاهیم، تغییر و جایگزین است که فهم بیشتری را در مورد رفتار و تفکر بشر ایجاد می‌کند. نمونه اختلالی که در گذشته به عنوان هیستری شناخته می‌شدند:

بهترین ساعت روز برای خوردن میوه

خراب شود علاوه بر این، کندشدن خالی کردن شکم شما چیز خوبی است. می‌تواند به شما کمک کند مدت طولانی‌تری احساس سیری داشته باشید.

باور ۵: شما نباید میوه را بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر بخورید

به طور شگفت‌انگیزی، افسانه شماره پنج به طور مستقیم با عدد افسانه‌ای شماره ۴ در تضاد است. به نظر می‌رسد که این قانون بخشی از "رژیم ۱۷ روزه" است. نظریه‌اش این است که خوردن میوه (یا هر گونه کربوهیدرات) بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر باعث افزایش قند خون شما می‌شود که بدن زمان ندارد قبل از خوابیدن به ثبات برسد و منجر به افزایش وزن می‌شود.

پس آیا زمان خاص و مناسب تری برای خوردن میوه وجود دارد؟

حقیقت این است که هر زمان از روز، زمان خوبی برای خوردن میوه است هیچ مدرکی وجود ندارد که شما باید از خوردن میوه‌ها در بعد از ظهر و یا به همراه غذا اجتناب کنید. میوه‌ها سالم و مغذی هستند و باعث کاهش وزن می‌شوند با این حال، چند نمونه وجود دارد که خوردن میوه در این زمان‌ها ممکن است تفاوت‌هایی را ایجاد کنند.

زمان مصرف میوه، اگر می‌خواهید وزن کم کنید:

به خاطر فیبر موجود در میوه‌ها، خوردن آنها ممکن است به شما کمک کند که احساس سیری بیشتری داشته‌باشید. این می‌تواند باعث شود که شما کالری کمتری بخورید و حتی ممکن است کمک کند که وزن کم کنید. با این حال، خوردن میوه به همراه غذا یا درست قبل از غذا ممکن است این تاثیر را افزایش دهد و می‌تواند باعث شود که غذای کم‌تر و کالری کمتری را بخورید.

بهترین زمان مصرف میوه، اگر دیابت نوع ۲ دارید:

میانطور که قبلا ذکر شد، خوردن میوه با غذای دیگر می‌تواند برای افراد مبتلا به دیابت تفاوتی را ایجاد کند. خوردن میوه با غذا با وعده غذایی‌های حاوی پروتئین، چربی یا فیبر، ممکن است باعث شود که شکر آرام‌تر از میوه وارد روده کوچک شود این می‌تواند منجر به رشد کم قند خون در مقایسه با مصرف میوه تنها شود.

اگر دیابت بارداری دارید:

دیابت بارداری زمانی است که یک زن دیابت را در دوران بارداری رشد دهد. برای این زنان، تغییر در هورمون‌ها در دوران بارداری باعث عدم تحمل کربوهیدرات می‌شود. همانند آن‌هایی که دیابت نوع ۲ دارند، خوردن میوه با غذا احتمالاً یک انتخاب خوب است با این حال، اگر مشکل کنترل قند خون دارید، اجتناب از میوه در صبح ممکن است به شما کمک کند.

طول داشته و بیش از ۳۲۰ فوت مربع (۳۰ متر مربع) است. **باور ۳: اگر دیابت دارید باید ۱-۲ ساعت قبل یا بعد از غذا، میوه بخورید** ایده‌اش این است که افراد مبتلا به دیابت اغلب مشکلات گوارشی دارند و هضم را بهبود می‌بخشد متاسفانه این توصیه بسیار بدی برای اغلب افرادی است که دیابت دارند. هیچ مدرک علمی از این ایده که خوردن میوه به صورت جداگانه از غذا، گوارش را بهبود می‌بخشد وجود ندارد تنها تفاوت آن این است که شکر موجود در میوه‌ها ممکن است سریع‌تر وارد جریان خون شود، که دقیقا همان چیزی است که فرد مبتلا به دیابت باید برای اجتناب از آن تلاش کند.

برای افرادی که دیابت دارند، به جای خوردن میوه به صورت جداگانه، خوردن آن با وعده غذایی و یا با یک اسنک حاوی پروتئین، فیبر یا چربی بالا، گزینه در دسترس است. باورهای که در مورد زمان خوردن میوه در دسترس نیست: **باور ۱: بهترین ساعت روز برای خوردن میوه بعد از ظهر هاست** هیچ منطق واقعی و مدرکی در پشت این ایده وجود ندارد ادعا می‌شود که متابولیسم شما در بعد از ظهر کاهش می‌یابد و غذایی که حاوی قند بالایی است، مثل میوه‌ها، سطح قند خون شما را بالا می‌برد و سیستم گوارشی شما را از خواب بیدار می‌کند. واقعیت این است که هر گونه مواد غذایی حاوی کربوهیدرات، بطور موقت قند خون شما را افزایش می‌دهد، بدون توجه به زمان روز.



Pexels

بهبتری است به این دلیل که پروتئین، فیبر و چربی می‌تواند باعث شود که معده شما به آهستگی بیشتری به روده کوچک منتقل شود. **باور ۴: همیشه با معده خالی میوه بخورید!** این یکی از رایج‌ترین افسانه‌ها در رابطه با خوردن میوه است این افسانه ادعا می‌کند که خوردن میوه‌ها با وعده‌های غذایی، هضم را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که غذا در معده شما بماند و تخمیر شود. همچنین ادعا می‌کند که خوردن میوه با وعده‌های غذایی، موجب گاز، ناراحتی و گستره‌ای از علائم غیر مرتبط دیگر می‌شود در حالی این درست است که فیبر موجود در میوه‌ها می‌تواند باعث کند شدن خروج غذا از معده شود و بقیه این ادعاها غلط هستند. یک مطالعه نشان داد که در افراد سالم، فیبر زمان را کم کرده و نیمی از محتویات آن را از میانگین ۷۲ تا ۸۶ دقیقه خالی کرده است در حالی که این تغییر در سرعت قابل توجه است، اما به هیچ وجه سرعت هضم غذا را کم نمی‌کند تا باعث شود غذا در معده

نیازی به "بیدار شدن" سیستم گوارشی شما وجود ندارد، چون همیشه و در هر لحظه‌ای آماده است. حقیقت این است که خوردن میوه در صبح هیچ ضرری ندارد، خوردن میوه هر زمان از روز خوب است. **باور ۲: خوردن میوه قبل یا بعد از غذا، باعث کاهش ارزش مواد مغذی می‌شود** به نظر می‌رسد که این افسانه، تعمیم افسانه ۱ است. این گزارش ادعا می‌کند که شما باید میوه را با معده خالی بخورید تا از تمام مزایای مغذی اش بهره مند شوید و ادعا می‌کند که اگر درست قبل یا بعد از غذا میوه بخورید، مواد مغذی‌اش به نحوی از بین خواهند رفت با این حال، این اصلا درست نیست.

هنگامی که غذا می‌خورید، معده به عنوان یک مخزن عمل می‌کند و تنها مقدار کمی را در زمانی آزاد می‌کند که روده می‌تواند به راحتی آن را هضم کند هم چنین، روده کوچک برای جذب بیش‌ترین مواد مغذی طراحی شده است. روده تا ۲۰ فوت (۶ متر)

مردان شاخص



رضا بیک ایمانوردی (۱۳۸۲ - ۱۳۱۵)

رضا بیک ایمانوردی هنرپیشه سینما و ورزشکار ایرانی بود. پدرش اصلان ایمانوردی از مهاجران باکو و مادرش اهل شاهین تپه قزوین بود. وی بعد از طی دوران نوجوانی به دلیل تسلط به زبان انگلیسی به استخدام سفارت آمریکا درآمد.

وی فعالیت هنری را سال ۱۳۳۷ با بازی در تروپ تئاتر «اسکار» آغاز کرد. در سال ۱۳۴۰ به دنبال برخوردی که با ساموئل خاچیکیان داشت، خاچیکیان اندام ورزشی و چهره سینمایی او را مناسب برای ایفای نقش در سینما تشخیص داد و از ایمانوردی دعوت به عمل آورد تا در استودیو آژیر فیلم حضور پیدا کند. او در این استودیو در اولین نقش زندگی سینمایی خود رل کوتاهی در فیلم فریاد نیمه شب بازی کرد، که همین نقش چند دقیقه‌ای باعث شد تا این کارگردان بزرگ در فیلم‌های بعدی خود مانند یک قدم تا مرگ، دلبره، ضربت، سرسام و ... جهت بازی از او دعوت به عمل بیاورد. بعد از ورود ایران بود.



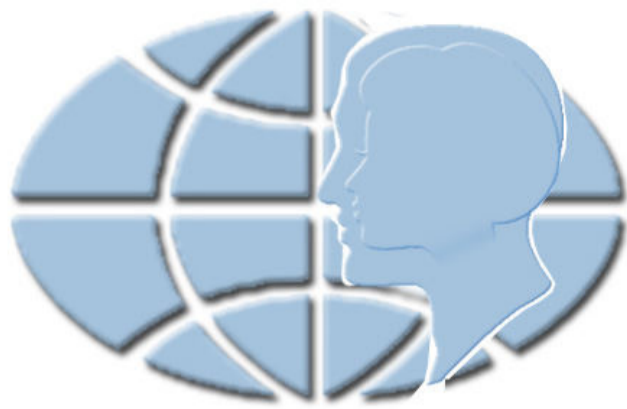
درخت به و
خواص به

درخت به درختی است از تیره گل سرخیان، جزو دسته سیب‌ها که پشت برگ‌هایش کرک‌دار است. به، دارای گوشت خشک و کرکی است که طعمی ترش و تقریباً گس دارد. با این حال وقتی به پخته می‌شود بو و طعمی بسیار خوش دارد. برای کمپوت مناسب است و به صورت مربا و مارمالاد نیز کاربردی عالی دارد. اگر به دنبال به هستید باید به بازار کشاورزان یا مغازه‌های مخصوص سبزی مراجعه کنید. این میوه به صورت جهانی در ترکیه، چین، ازبکستان، ایران، آرژانتین، نیوزیلند پرورش می‌یابد.

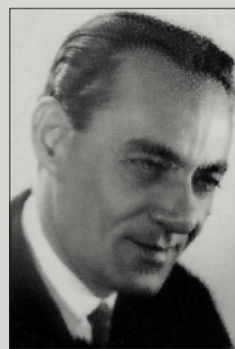
به سرشار از ویتامین‌های A و B، و املاح آهنی و تانن است. به دارای پروتئید، گلوکسید، لیپید و آب است و صد گرم آن تولید ۱۱۲ کالری انرژی می‌کند. به مقوی قلب، معده و اعصاب است، و دمنوش آن آرامبخش است. درخت به را به ترکی آذربایجانی، هیوا، در رامیان و کنول، شغال، در لاهیجان و دلیجان و رودسر، توچ و در رامسر و شهسوار، سنگه می‌نامند. این میوه مقوی معده و متوقف‌کننده اسهال‌های ساده و خونی است. در ورم حاد در روده‌ها، خونریزی‌های قاعدگی، بواسیری، اثر بسیار مؤثری دارد. به ضمن تقویت اعمال دستگاه گوارش، مخاط و سرفه کاملاً مؤثر است. دم کرده برگ‌های به برای تسکین سرفه شهرت فراوان دارد.

در ایران استانهای فارس، اصفهان، کرمان و اردبیل به ترتیب تولید کنندگان اصلی این میوه هستند. در برخی نقاط جهان دانه‌های به را خشک می‌کنند و به همراه مقدار کمی آب می‌پزند که به‌عنوان داروی سرفه کاربرد دارد.

زمانی که آنتی بیوتیک میکروب‌ها را از بین برد، موش‌ها در معرض آزمون حافظه قرار گرفتند. موش‌ها در مقایسه با گروهی از موش‌هایی که تحت درمان قرار نگرفتند، بد عمل کردند. هنگامی که مشاهده نوروپاتی (تولید سلول مغز جدید) در ناحیه هیپوکامپ مغز موش آزمایشی مشاهده شد، دانشمندان شاهد کاهش معنی دار آن بودند و هیپوکامپ برای حل حافظه لازم است. همزمان این تیم در مغز استخوان و خون مغز میزان کمتری از گلوبول‌های سفید خون را نیز تشخیص داد.



مرد روز



رهی معیری

سیاهکاری ما کم نشد ز موی سپید
به ترک خواب ننگتیم و صبحدم خندید
ز تیغ بازی گردون هواپرستان را
نفس برید ولی رشته هوس نبرید
چو مفلسی که به دنبال کیمیا گردد
جهان بگشتم و آزاده‌ای نگشت پدید
اگر نمی‌طلبی رنج ناامیدی را
ز دوستان و عزیزان مدار چشم امید
طمع به خاک فرو می‌برد حریصان را
ز حرص بر سر قارون رسید آنچه رسید
درد بر دل من باد کز ستم کیشان
ستم کشید ولی بار منتی نکشید
ز گرد حادثه روشن‌دلان چه غم دارند
غبار تیره چه نقصان دهد به صبح سپید؟ ...

آنتی بیوتیک‌ها و تأثیر آن بر مغز انسان

با وجود مونوسیت‌ها، ممکن است یک مسیر ارتباطی عمومی جدید از محیط تا مغز کشف کنند.

دستگاه گوارش مغز ما را شکل می‌دهد:

دستگاه گوارش و مغز با هم از طریق هورمون‌ها و یک ارتباط عصبی با عنوان محور روده - مغز در تماس هستند.

در این مطالعه بر روی آنتی بیوتیک‌های رایج، نوروپاتی و روده تحریک پذیر که در گزارش‌های سلولی منتشر شده است، تیم تحقیقاتی مقدار زیادی آنتی بیوتیک تجویز کرد تا بیشتر میکروب‌های روده را در یک گروه از موش‌ها از بین ببرد.

این مطالعه نشان می‌دهد که شواهد در حال رشد حاکی از آن است که ترکیب میکروبی روده ممکن است باعث کاهش کاراکتر و سطح پاسخ ایمنی در مغز شود. به تازگی نشان

آنتی بیوتیک‌ها دسته‌ای از داروها هستند که برای از بین بردن عوامل ایجادکننده بسیاری از بیماری‌های عفونی، به صورت گسترده در سراسر دنیا مصرف می‌شوند. اما آیا از تأثیر این دارو بر مغز آگاهی دارید؟ مصرف طولانی مدت آنتی بیوتیک مغز را دچار مشکل می‌کند.

چگونه آنتی بیوتیک می‌تواند عملکرد مغز را کاهش دهد؟

یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که استفاده طولانی مدت از آنتی بیوتیک‌ها می‌تواند مانع از رشد سلول حافظه و مغز و همچنین سلامت روده شود. ارتباط بین دستگاه گوارش و مغز بیش از یک سال تحت توجهات پزشکی قرار گرفته است.

اما مقاله علمی اخیر که در ماه آوریل منتشر شد، یک ارتباط روشن بین میکروب‌های روده، سیستم ایمنی و مغز را نشان داد. محققان معتقدند که مصرف طولانی مدت آنتی بیوتیک‌ها می‌تواند عملکرد مغز را مختل کند. درمان طولانی مدت ممکن است بر عملکرد مغز تأثیر بگذارد اما پروبیوتیک‌ها می‌توانند انعطاف پذیری مغز را متعادل کنند و به عنوان یک گزینه درمان واقعی در نظر گرفته می‌شوند.

ارتباط مغز - سیستم ایمنی - روده:

ده سال پیش محققان مشاهده کردند که وضعیت سیستم ایمنی تأثیری بر رشد سلول‌های مغزی دارد. روده، التهاب و خود ایمنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مدل‌های حیوانی نشان داده‌اند که میکروب‌ها می‌توانند پاسخ ایمنی بدن را تنظیم کنند و بر بیماری دیابت و آرتریت روماتوئید تأثیر بگذارند.

هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین دستگاه گوارش، سیستم ایمنی و سلامت مغز می‌باشد. محققان همچنین نشان دادند که یک سلول ایمنی اختصاصی در مغز، نوعی مونوسیت، به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد، هنگامی که درمان به نقطه «خاموش کردن» کاهش یافته است.



تغییرات خوب بدن بعد از نخوردن لبنیات !!

۴- سلامت کلی روده را بهبود می‌بخشد

برگشتند پس احتمالاً حساس هستید و عدم تحمل لاکتوز دارید. البته نباید لبنیات را نادیده گرفت زیرا شامل مواد مغذی مهمی مانند کلسیم، پروتئین، منیزیم و پروبیوتیک هستند. برای کسانی که می‌توانند لبنیات مصرف کنند گزینه‌هایی چون تخم مرغ محلی، ماست و پنیر کانتچ به آن‌ها در رسیدن به اهداف تغذیه‌ای کمک می‌کند.

۵- پوست می‌تواند ظاهر بهتری داشته باشد

بدن مواد زائد و سموم را به سه طریق ادرار، مدفوع و از طریق منافذ دفع می‌کند. اگر به لبنیات حساس هستید ممکن است این حساسیت از طریق پوست به صورت جوش‌های سرسفید، بثورات و حتی اگزما ایجاد شود. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که مصرف لبنیات با افزایش خطر ابتلا به آکنه در نوجوانان همراه است اما این نیاز به مطالعات طولانی‌تر دارد.

۶- التهاب بدن کم تر خواهد شد

التهاب یک مسئله جدی است و می‌تواند بسیاری از مسائل مربوط به سلامتی مانند اختلال غده تیروئید یا درد مفاصل را ایجاد کند اما حذف لبنیات می‌تواند التهاب را برای کسانی که به آن حساسیت دارند کاهش دهد. چنانچه نگران التهاب هستید اما به لبنیات حساسیت ندارید، روش‌های دیگری نیز برای کاهش آن وجود دارد.

۷- به درمان سر درد کمک می‌کند

ممکن است که محصولات لبنی عامل میگرن باشند بنابراین اگر استرس ندارید، خوب می‌خواهید و مصرف قهوه را محدود کرده‌اید اما همچنان سردرد دارید ممکن است لازم باشد مصرف لبنیات را محدود کنید تا میگرن متوقف شود.

۸- ممکن است از لحاظ احساسی پایدارتر باشید

هورمون‌های زیادی در لبنیات وجود دارد که ممکن است با هورمون‌های موجود در بدن در تضاد باشد. وقتی این هورمون‌ها با یکدیگر مداخله می‌کنند منجر به تغییرات خلقی می‌شود بنابراین اگر مصرف لبنیات را متوقف کنید در معرض تداخل این هورمون‌ها قرار نمی‌گیرید و احتمالاً از لحاظ عاطفی پایدارتر خواهید بود. بی دلیل مصرف لبنیات را قطع نکنید مصرف نکردن لبنیات برای همه توصیه نمی‌شود و چنانچه ابتدای مطلب هم عنوان شد برای افراد خاص که طبق تشخیص پزشک باید منابع دیگری را با لبنیات جایگزین کنند مناسب است.

برگشتند پس احتمالاً حساس هستید و عدم تحمل لاکتوز دارید. البته نباید لبنیات را نادیده گرفت زیرا شامل مواد مغذی مهمی مانند کلسیم، پروتئین، منیزیم و پروبیوتیک هستند. برای کسانی که می‌توانند لبنیات مصرف کنند گزینه‌هایی چون تخم مرغ محلی، ماست و پنیر کانتچ به آن‌ها در رسیدن به اهداف تغذیه‌ای کمک می‌کند.

هر کسی که لبنیات را از رژیم غذایی خود حذف کند باید منابع جایگزین این مواد مغذی اصلی را پیدا و مصرف کند. به عنوان مثال کلم پیچ و سیب زمینی شیرین منابع خوبی برای کلسیم هستند، مغزها نیز منیزیم را تامین می‌کنند. در حقیقت پزشکان توصیه می‌کنند فقط در صورت نیاز پزشکی لبنیات را از رژیم خود حذف کنید زیرا در غیر این صورت، در معرض کمبود مواد مغذی قرار خواهید گرفت.

تغییرات بدن بعد نخوردن لبنیات

۱- درد و گاز معده، نفخ شکمی



متوقف خواهد شد

وقتی بدن قادر به تجزیه لاکتوز نباشد، اسیدها و گازها در مجاری روده ایجاد می‌شوند و این موارد باعث گرفتگی معده، نفخ و گاز معده می‌شود. با قطع مصرف لبنیات باید انتظار داشته باشید که دیگر هیچ یک از این مشکلات را نداشته باشید.

۲- ممکن است کمی کاهش وزن داشته باشید

لاکتوز قند است و این می‌تواند در افزایش وزن نقش داشته باشد. با حذف لبنیات از رژیم غذایی؛ بزرگترین تفاوتی که مشاهده می‌کنید کاهش وزن خواهد بود. کاهش مصرف قند یکی از اولین اقداماتی است که بسیاری از افراد در جهت کاهش وزن انجام می‌دهند.

۳- اجابت مزاج به حالت طبیعی برمی‌گردد

یکی از علائم ناخوشایند عدم تحمل لاکتوز، اسهال است. این بدان دلیل رخ می‌دهد که عدم تحمل لاکتوز باعث افزایش مقدار آب روده بزرگ هنگام مصرف لبنیات می‌شود.

کند. بیشتر افرادی که عدم تحمل لاکتوز دارند، مبتلا به عدم تحمل اولیه لاکتوز هستند بدان معنا که قادر به هضم لاکتوز در بعضی مراحل مثلاً در دوران نوزادی و کودکی بوده‌اند اما پس از مصرف لبنیات، ناگهان ناراحتی گوارشی را تجربه کردند. بر اساس مطالعه‌ای که انجام شد، حدود ۴٫۷ میلیون بزرگسال به شیر و ۲ میلیون نفر به تخم مرغ حساسیت دارند و این واکنش می‌تواند باعث کهیر، ناراحتی معده، استفراغ، مدفوع خونی و ... شود.

نحوه درمان عدم تحمل لاکتوز

چنانچه تردید دارید که مبتلا به آلرژی لبنیات هستید یا خیر می‌توانید به یک متخصص آلرژی یا گوارش مراجعه کنید. یک رژیم محدود کننده که در آن حداکثر ۳ هفته از خوردن لبنیات خودداری می‌کنید، عدم تحمل لاکتوز را نشان می‌دهد (این کار باید همیشه تحت نظر پزشک یا متخصص تغذیه انجام شود). پس از این مدت می‌توانید لبنیات را به مدت یک هفته دوباره مصرف کنید. اگر متوجه شوید که علائم بلافاصله

مطالعات قبلی نشان داده اند که مونوسیت و سایر سلول‌های سیستم ایمنی به حفظ نوروپاتی و حافظه کمک می‌کنند.

عوارض جدی آنتی بیوتیک روی مغز

بر اساس داده‌ها از تقلیل و در آزمایش‌های درون شیشه‌ای، نظریه‌ای داده شد که مونوسیت‌ها به عنوان یک پیوند بین روده و مغز عمل می‌کنند و به تعدیل نوروپاتی در سلامتی و بیماری کمک می‌کنند. محققان همچنین دریافته‌اند که آنتی بیوتیک ممکن است به طور مستقیم بر نوروپاتی تأثیر بگذارد و نه فقط از طریق عمل بر باکتری‌های روده. این مطالعه همچنین نگرانی نسبت به اختلال در سلامت روانی و جسمانی بیشتر از طریق استفاده طولانی مدت از آنتی بیوتیک‌ها را افزایش می‌دهد. شواهد بالینی و آزمایشگاهی نشان می‌دهد که ارتباط مغز - روده در رشد بیماری‌های متابولیک و روانی نقش حیاتی دارد.

برنده مدال طلای المپیک از رهبران حمله به کنگره آمریکا بود



کلت کلر در میان جمعیتی که به کاپیتول حجوم بردند

همچنین تیم‌های گلدن استیت واریز و لس آنجلس کلیپرز قبل از آغاز رقابت، همین حرکت را تکرار و اعتراض خود را نشان دادند. استیو کلیفرد مربی تیم بسکتبال اورلاندو نیز گفت: کشور ما در تمام دنیا مورد تمسخر قرار گرفت و این روز برای همه روز غم‌انگیزی بود.

در رابطه با این حادثه بی‌سابقه در پایتخت آمریکا، سیاستمداران و شخصیت‌های نام‌آشنای ایالات متحده از این وقایع ابراز ناخوشنودی کردند و آن را تقیح نمودند. نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده خواستار برکناری دونالد ترامپ شد.

در آخرین ساعات روز پنجشنبه خبر دستور بازداشت دارندة چهار مدال المپیک نیز اعلام گردید.

عنوان «زندگی سپاهپوستان مهم است» برپا شده بود از ساختمان‌های دولتی در واشنگتن به شدت محافظت می‌شد و به تظاهرکنندگان اجازه نزدیک شدن به تاسیسات دولتی داده نشد. اما اینبار در حمله هواداران ترامپ به کنگره، نه از حضور ارتش خبری بود و نه از حفاظت گارد ملی آمریکا و این نشان از حمایت غیرمستقیم از روش و منش رئیس جمهوری کنونی داشت.

ریوزر ادامه داده: کشور ما در جریان این حادثه در تمام دنیا مورد تمسخر قرار گرفت.

بازیکنان چند تیم معروف و بزرگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا هنگام نواخته شدن سرود ملی کشور خود زانو زدند و اعضای تیم‌های بسکتبال بوستن و میامی نیز بی‌بانه‌ای مشترک در این زمینه منتشر نمودند.

تحقیقات پلیس فدرال آمریکا اف.بی. آی نشان داده کلت کلر قهرمان شتای المپیک سال ۲۰۰۴ آتن در یورش به «کاپیتول» ساختمان کنگره ایالات متحده نقش فعال داشته است. کلر ۳۸ ساله در المپیک یونان بجز کسب مدال طلای شتای ۸۰۰ متر چهار نفره، دو مدال نقره و یک مدال برنز نیز به دست آورده بود و در این سال‌ها از او به عنوان یکی از افتخار آفرینان ورزش ایالات متحده یاد می‌شده است.

در حمله مهاجمان در روز ۱۷ دی ماه ۹۹ برابر با ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره آمریکا در حمایت از دونالد ترامپ و اعتراض به نتیجه انتخابات اخیر، پنج نفر جان خود را از دست دادند.

کلت کلر که ۳۸ سال دارد از طرفداران پر و پا قرص دونالد ترامپ است و نظرات سیاسی خود را هم در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرده. نشریه ورزشی اختصاصی رشته شناسی کلت کلر را از دوستداران جدی ترامپ دانسته است.

گفتنی است که حمله طرفداران ترامپ به ساختمان کنگره، واکنش تند ورزشکاران آمریکایی را به دنبال داشته و اغلب آنها از نحوه مدیریت تظاهرات انتقاد کرده‌اند.

داک ریوزر سرمربی تیم معروف بسکتبال فیلادلفیا در لیگ سراسری آمریکا N. B. A گفته: در تابستان گذشته در جریان اعتراضاتی که با

دربی تهران دیدنی اما باز هم مساوی شد؛ گریز استقلال (تاج) از شکست در وقت اضافه



جدال دو کاپیتان سیدجلال حسینی و وریا غفوری برای توپ

سود پرسپولیس بود.» یحیی گل محمدی نیز به خبرنگاران گفت: «از موقعیت‌ها خوب استفاده نکردیم... از لحاظ فوتبالی و ایجاد موقعیت حق‌مان برد بود و می‌توانستیم با اختلاف یک گل برنده باشیم.» او در ادامه به شدت به هیات مدیره پرسپولیس تاخت و عنوان کرد: «مناسفانه اتفاقاتی که قبل و بعد از فینال آسیا افتاد، برنامه‌ریزی شده بود تا پرسپولیس را ضعیف کنند. مشخص است که در خصوص بازیکنانی که از دست دادیم، هیچ اراده‌ای برای نگه داشتن آنها وجود نداشت. رسول پناه و اعضای هیئت مدیره در باشگاه بودند و ما یکی یکی بازیکنانمان را از دست دادیم. توجیه آنها این بود که رفتن بازیکنان ما تاثیری در نتایج‌مان ندارد که توجیه مسخره و خنده‌داری بود. رسول پناه هنوز به عنوان رئیس هیئت مدیره کار می‌کند و به ریش ما می‌خندد. هیچکس هم نیست که جواب بدهد. این تیم میلیون‌ها هوادار دارد و اینکه اینهمه بلا سر ما آمد جای تأسف داشت.»

رسول پناه مدیر تیم پرسپولیس از سمتش اخراج شده اما به عنوان عضو هیات مدیره به کارش ادامه می‌دهد. علی انصاریان پیشکسوت دو تیم استقلال و پرسپولیس که مهمان کانال هواداران باشگاه پرسپولیس بود در یک اظهار نظر گفت این تغییرات نشان می‌دهد در فدراسیون فوتبال تا چه اندازه زد و بند می‌شود.

گرفت و چندین موقعیت گلزنی برای بازیکنان این تیم به وجود آمد. مهدی عبدی در دقیقه ۵۰ و وحید امیری در دقیقه ۶۶ دو گل پرسپولیس را به ثمر رساندند و بیش از سه موقعیت را هم از دست دادند. تعویض‌های محمود فکری در آخرین دقیقه بازی فشار پرسپولیس را کم کرد. در نهایت مهدی قایدی در دقیقه ۹۳ در وقت‌های اضافه روی یک شوت زمینی گل تساوی را به ثمر رساند و استقلال از شکست نجات پیدا کرد. تیم استقلال (تاج) با این نتیجه ۱۹ امتیازی شد و در همان رتبه دوم جدول و صنعت نفت آبادان با یک بازی بیشتر و ۲۱ امتیاز در صدر ماندند. تیم فوتبال پرسپولیس هم از ۸ بازی ۱۲ امتیاز گرفته و در رده هشتم قرار دارد. محمود فکری سرمربی تیم فوتبال استقلال در کنفرانس خبری بعد از پایان بازی گفت «فکر کنم تماشاگران از این بازی راضی بودند، چون بازی خوبی بود. یکسری اشکالات داشتیم که منجر به گل خوردن ما شد، اما تلاش آنها ستودنی بود که بازی را به تساوی بکشاند... شاید ما می‌توانستیم برنده باشیم. در فوتبال اینطور نیست که تیمی که موقعیت بیشتر داشته باشد، برنده شود. فکر کنم بازیکنانم پس از اینکه گل اول را زدند، استرس گرفتند و ترسیدند.» او که در طول مسابقه بارها به داوران اعتراض کرد و معتقد بود یک پنالتی به نفع استقلال گرفته نشد در نشست خبری گفت: «سوت‌ها بیشتر به

● بازیکنان استقلال در طول بازی دو موقعیت خوب گل داشتند که هر دو راه به ثمر رساندند و بازیکنان پرسپولیس دو گل زدند و دست‌کم سه موقعیت خوب گلزنی را هدر دادند.

● محمود فکری: در فوتبال اینطور نیست که تیمی که موقعیت بیشتر داشته باشد، برنده شود... سوت‌ها بیشتر به سود پرسپولیس بود.

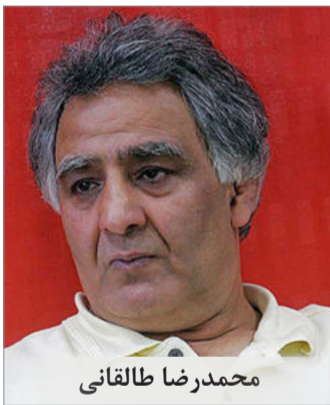
● یحیی گل محمدی: از لحاظ فوتبالی و ایجاد موقعیت حق‌مان برد بود... برنامه‌ریزی شده تا پرسپولیس را ضعیف کنند.

دو تیم فوتبال پرسپولیس و استقلال تهران (تاج) در دیداری معوقه از هفته هشتم لیگ برتر فوتبال دوشنبه ۲۲ دی‌ماه به مصاف هم رفتند. این مسابقه با نتیجه مساوی دو بر دو پایان یافت.

ترکیب استقلال: رشید مظاهری، محمد حسین مرامند، عارف غلامی، محمد نادری (۶۵- محمد دانشگر)، احمد موسوی (۴۶- شیخ دیاباته)، مهدی مهدی‌پور (۸۰) - فرشید اسماعیلی، مسعود ریگی، آرش رضواند (۸۷) - داریوش شجاعیان، وریا غفوری، مهدی قایدی و ارسلان مطهری. سرمربی: محمد فکری

ترکیب پرسپولیس: حامد لک، سیدجلال حسینی، محمدحسین کنعانی‌زادگان، سعید آقایی، سیامک نعمتی، احمدنوراللهی، کمال کامیابی‌نیا، میلاد سرلک، احسان پهلوان، وحید امیری و مهدی عبدی (۸۶) - آرمان رضانی، سرمربی: یحیی گل محمدی

رئیس سابق فدراسیون کشتی: **مرا شش بار بیرون کردند**



محمد رضا طالقانی

یک فدراسیون را توقیف کنند. طالقانی اضافه کرده: یک روز علی دایی را به زور آوردند و دو روز بعد به آبروی او چوب حراج زدند و بیرونش کردند. باید از دایی حمایت می‌شد تا در «فیفا» و ای.اف.سی کنفدراسیون فوتبال آسیا به مقامات بالا برسد. چون شرایط و لیاقیت آن را دارد. نه اینکه آبرویش را ببرند که حالا تصمیم گرفته در اروپا کار کند. باید التماس کنید که امثال دادکان و علی کریمی به فوتبال بازگردند. گفتنی است که اولین انتخابات فدراسیون فوتبال ایران بعد از تصویب اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال کشور از سوی «فیفا» روز هشتم اسفند ماه برگزار خواهد شد. علی کریمی اسطوره فوتبال ایران نیز نامزد ریاست این فدراسیون شده است.

او در دوران فوتبال حرفه‌ای ۱۸ ساله خود از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳، سابقه بازی در لیگ‌های ایران، آلمان، امارات، قطر را دارد. او از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۱، بیش از یک دهه بازیکن تیم ملی بود و با ۱۲۷ بازی و ۳۸ گل ملی، سومین بازیکن تاریخ ایران از نظر تعداد بازی ملی و سومین گلزن برتر این تیم بطور مشترک با جواد نکونام به شمار می‌رود. علی کریمی با لقب‌های «جادوگر» و «ماراوتوای آسیا»، در سال ۲۰۱۸، کسب ۹۱٪ آراء کاربران وبسایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا، به عنوان

● «چوب حراج به آبروی علی دایی زدند.»
● «باید التماس کنند تا علی کریمی و محمد دادکان به فوتبال برگردند.»

رئیس پیشین فدراسیون کشتی ایران ضمن انتقاد از رفتار مسئولان جمهوری اسلامی با ورزشکاران مشهور و طرفدار که با حضور در تیم‌های معروف دنیا برای ایران افتخار کسب کرده‌اند، گفته: امثال من و محمد دادکان رئیس سابق فدراسیون فوتبال ایران را از کار برکنار کردند چون با سلامت کار می‌کردیم و به همین دلیل خیلی‌ها حضور ما را بر نمی‌تابیدند.

محمد رضا طالقانی ادامه داده: گناه دیگر من این بود که عاشق این مملکت و مردم هستم. او گفته: زمانی که محمد دادکان رئیس فدراسیون فوتبال بود، قدر او را ندانستند. دادکان کسی است که ساختمان فدراسیون فوتبال را خریداری کرد؛ و برای فوتبال کشور خیلی زحمت کشید. او سی سال استاد دانشگاه بوده و اطلاعات و معلومات وسیعی دارد. امثال وی در مدیریت فدراسیون و ورزش ایران امتحان عالی پس داده‌اند. اما با بی‌خردی، امثال او را حذف می‌کنند تا افراد نالایق سر کار بیایند و کار به جایی برسد که ساختمان

بازگشت سایه تردید بر سر بازی‌های المپیک توکیو

هم طرفدار برگزاری المپیک در سال ۲۰۲۰ بودند نه دیرتر. در میان کسانی که اصرار داشتند رقابت‌های المپیک و پارالمپیک نباید انجام شود پنجاه و چهار درصد معتقد بودند وضعیت کنونی کرونا به احتمال زیاد به همین صورت ادامه خواهد داشت.

چهارده درصد نیز گفته بودند بهتر است بودجه این بازی‌ها صرف مبارزه با ویروس کرونا شود. در بین کسانی که پیشنهاد کرده بودند مسابقات بیش از این به تأخیر بیفتد، ۳۸ درصد بر این عقیده بودند که حق ورزشکاران است که پاداش تلاش‌های خود را بگیرند.

نظر ۲۱ درصد هم این بود که شاهد انجام مسابقات در کشور خود باشند. هجده درصد هم معتقد بودند که پول وقتی که صرف آماده‌سازی المپیک شده نباید به هدر برود.

به هر روی بزرگترین مشکل پیش روی مسئولان بازی‌ها هم تضمین سلامت ورزشکاران شرکت‌کننده، همراهان آنان و تماشاچیان است. اگر ویروس کرونا تا حدی ضعیف‌تر شود، امید آن می‌رود که مسابقات المپیک توکیو روز بیست و سوم ژوئیه سال آینده، اول مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی برگزار و به مدت هفده روز ادامه داشته باشد. محل برگزاری و برنامه رقابت‌ها به شکلی که قرار بوده خواهد بود. بیش از ۱۰ هزار ورزشکار در ۲۳۹ رشته مختلف در ۳۲ ورزش مبارزه خواهند داشت. ضمناً مسئولان امر باید موضوع قرنطینه و خدمات پزشکی شامل آزمایش و واکسن کرونا را مد نظر داشته باشند.

گفتنی است پرچم المپیک که پنج حلقه رنگی بر زمینه سفید آن تنیده و در یکدیگر نقش بسته، بیش از یک قرن است که به عنوان نماد بازی‌های المپیک شناخته می‌شود. در واقع زمان طراحی پرچم سال ۱۹۱۴ است. سالی که دو کورترین معروف بانی بازی‌های المپیک مدرن آنرا به معرض نمایش گذاشت. کورترین از سازمان‌دهندگان پایه‌گذاران المپیک مدرن در سال ۱۸۹۶ بود که بعدها به عنوان رئیس کمیته بین‌المللی المپیک نیز انتخاب شد.

پنج حلقه المپیک نماد پنج قاره جهان است. قرمز نماد آمریکا، آبی نماد اقیانوسیه، سیاه نماد آفریقا، زرد نماد آسیا و سبز نماد قاره اروپاست.

المپیک و شخص توماس باخ رئیس آن اصرار دارند که مسابقات به هیچ عنوان دیگر به تأخیر نخواهد افتاد و اگر به هر دلیل برگزار نکرده، لغو خواهد شد.

بودجه المپیک توکیو بالغ بر ۱۵/۴ میلیارد دلار است که ۲/۸ میلیارد دلار بیشتر از بودجه قبلی است که البته هزینه‌های جدید مربوط به مدت زمان تأخیر در انجام رقابت‌هاست.

دانشگاه آکسفورد انگلستان در یک تحقیق که چهار ماه پیش در رابطه با هزینه بازی‌های المپیک توکیو انجام داد، اعلام کرد که این گرانترین مسابقات المپیک تابستانی در تاریخ است.

بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ ژاپن که به سال ۲۰۲۱ موکول شده، قرار بود در فاصله روزهای بیست و سوم ژوئیه تا هشتم اوت برگزار شود.

توماس باخ در تابستان گذشته گفته بود: شورای هماهنگ‌کننده کمیته بین‌المللی المپیک به پیشرفت‌های بسیار مثبت و امیدوارکننده‌ای در تهیه مقدمات بازی‌های المپیک در سال ۲۰۲۱ دست یافته است.

وی تأکید کرده بود که سلامت شرکت‌کنندگان و دست اندرکاران بازی‌های المپیک برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد و به همین دلیل همچنان به توصیه‌های سازمان جهانی بهداشت عمل خواهیم کرد. کمیته بین‌المللی المپیک و توماس باخ پیش از این اعلام کرده بودند ورزشکاران عضو تیم‌های ورزشی کشورهای شرکت‌کننده در المپیک ۲۰۲۰ همچنان عضو تیم‌های ملی آن ممالک در این رقابت‌ها خواهند بود و در حقیقت جایگاه آنها در تیم‌های اعزامی به المپیک ۲۰۲۱ محفوظ می‌ماند.

پیش از این تلویزیون ژاپن در یک نظرخواهی تلفنی از مردم آن کشور پرسیده آیا موافق تغییر زمان بازی‌های المپیک هستند یا ترجیح می‌دهند این مسابقات به کلی لغو شود، یک هزار و سیصد نفر به این سوال پاسخ داده‌اند که هفتاد و یک درصد از آنها گفته‌اند دوست دارند المپیک توکیو انجام شود. این رقم نسبت به نظرسنجی قبلی که اواخر ماه مارس گذشته صورت گرفته بود، نه واحد کمتر است. سی و پنج درصد از پاسخ‌دهندگان خواهان تعویق تاریخ مسابقات شده‌اند و ۲۶ درصد

در حالی که توماس باخ دبیرکل کمیته بین‌المللی المپیک و مسئولان اجرایی المپیک ۲۰۲۱ ژاپن که قرار است با عنوان «المپیک ۲۰۲۰» برگزار شود تا همین اواخر از قطعی بودن برگزاری این بازی‌ها خبر داده‌اند، اما یکی از اعضای سرشناس این کمیته روز جمعه ۸ ژانویه ۲۰۲۱ گفت: به نظر می‌رسد شرایط برای اجرای المپیک توکیو به لحاظ کوتاه نیامدن ویروس کرونا، آماده نباشد.

ساعاتی پیش از اظهارات ریچارد ویلیام پاند که اهل کانادا و از اعضای قدیمی و با نفوذ آی.او.سی است، یوشید سوگا نخست وزیر ژاپن برای شهر توکیو و بخش‌های اطراف آن، شرایط اضطراری اعلام کرد.

پاند گفت: من واقعا نمی‌توانم در مورد برگزاری بازی‌های توکیو مطمئن باشم.

وزارت بهداشت و بهداری ژاپن روز جمعه اعلام کرد: دو هزار و چهارصد و چهل و هفت مورد جدید مبتلا به ویروس کرونا در شهر توکیو گزارش شده که پنجاه درصد نسبت به روز قبل از آن افزایش نشان می‌دهد.

از سوی دیگر مسئولان برگزاری بازی‌های المپیک در یکسال گذشته همواره اصرار داشته‌اند که رقابت‌های المپیک بدون تردید به نوعی صورت خواهد گرفت. اما جزئیات آن تا بهار آینده منتشر نخواهد شد.

ریچارد پاند یادآور شده که شرکت‌کنندگان در مسابقه‌ها باید از نظر واکسن از اولویت بالا برخوردار باشند. اما توماس باخ در ماه نوامبر ۲۰۲۰ در جریان دیدار با مسئولان برگزاری المپیک و مقامات ژاپنی در توکیو گفت: شرکت‌کنندگان در این بازی‌ها را باید برای دریافت واکسن تشویق کرد ولی این پزشکان، پرستاران و دیگر کارکنان مراقبت‌های پزشکی هستند که باید قبل از ورزشکاران جوان از واکسن استفاده کنند.

گفته می‌شود احتمال دارد توزیع واکسن به دلیل نیاز به انجام آزمایش‌های بالینی محلی در ژاپن به کندی صورت بگیرد. برخی واکسن‌ها ممکن است تا ماه مه ۲۰۲۱ به آسانی در دسترس نباشد.

نکته قابل توجه درباره المپیک توکیو این است که بسیاری از مردم ژاپن با انجام این بازی‌ها در آن کشور مخالفند. اما کمیته بین‌المللی

سه سازمان صنایع هوایی، دریایی و هوافضا و چهار شرکت و دو شخص مرتبط با صنایع نظامی جمهوری اسلامی تحریم شدند



آشیانه اورهال جنگنده‌های اف-۵ در سازمان صنایع هوافضا (هوپیما‌یی‌هایی که به اسم جنگنده ایرانی تبلیغ می‌شود)

آمده «ایالات متحده به همکاری با شرکا و جامعه بین‌المللی برای فشار به رژیم ایران با هدف تغییر بنیادین رفتارش ادامه می‌دهد، کشورهای صلح‌طلب باید در یک همکاری مشترک فعالیت‌های شورانه رژیم ایران را محدود کنند. ما از همکاری متحدان و شرکایمان در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی استقبال می‌کنیم»

هر سه نهادی که وزارت خارجه آمریکا در اوپسین روزهای دولت دونالد ترامپ تحریم کرده نبض تعمیر و نگهداری و اورهال (به‌روزرسانی) کشتی‌ها و ناوهای هوپیما‌های متعلق به ارتش و سپاه را در دست دارند و در مواردی طراح و سازنده انواع قطعات یدکی برای تسلیحات نظامی رژیم ایران از جمله انواع موشک و پهپاد و قایق هستند.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) نیز در بیانیه‌های هشت نهاد و سه شخص مرتبط با صنایع نظامی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی را تحریم کرد.

شرکت «ایران ترانسفو»، شرکت توزیع «ترانسفورمر زجان»، سازمان صنایع هوافضای ایران، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، صنایع هوایی ایران، خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان صنایع دریایی ایران و شرکت خطوط دریایی «پیام سفیران دریا» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

همچنین بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا حمیدرضا عظیمیان در ارتباط با شرکت فولاد مبارکه ایران و محمدرضا مدرس خیابانی در ارتباط با خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به فهرست «تبع و افراد خاص تحریم‌شده» (SDN) از سوی این وزارتخانه اضافه شده‌اند.

(IAIO) را به لیست تحریم‌ها اضافه کرد. در بیانیه وزارت خارجه آمده است که گسترش تسلیحاتی رژیم ایران تهدید دائمی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. همانطور که با ادامه حمایت نظامی ایران و انتقال تسلیحات به سوریه، لبنان، عراق، یمن و مناطق دیگر درگیری‌ها ادامه یافته و این موضوع اثبات شده است. این بیانیه ادامه می‌دهد، در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰ ما دستورالعمل ۱۳۹۴۹ را به اجرا گذاشتیم که ابزارهای بیشتری در اختیار ایالات متحده گذاشت تا علیه بازیگرانی که قصد همدستی با رژیم ایران در حمایت از گروه‌های مسلح منطقه از طریق انتقال سلاح و تجهیزات نظامی دارند اقدام شود. اولین فهرست شامل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همچنین سازمان صنایع دفاعی رژیم ایران و نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور نامشروع ونزوئلا بود.

این سه نهاد به اتهام دخالت در تامین، فروش یا انتقال، مستقیم یا غیرمستقیم، به رژیم ایران یا از رژیم ایران، یا برای استفاده یا به نفع رژیم ایران تحریم شدند. هر کدام از این سازمان‌ها در این فهرست برای نیروی‌های نظامی جمهوری اسلامی شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش تسلیحات کشتار جمعی شامل قایق‌های تهاجمی، انواع موشک، پهپادهای جنگی و تجهیزات دیگر برای رژیم ایران با هدف تامین نیازهای تروریسم بین‌المللی می‌سازند. وزارت خارجه آمریکا از تمامی کشورهای خواسته «از فروش، تامین یا انتقال تسلیحات و تجهیزات مربوطه به ایران یا از ایران، خودداری کنند.» در پایان بیانیه وزارت خارجه آمریکا

وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد این سه سازمان به اتهام دخالت در تامین، فروش یا انتقال، مستقیم یا غیرمستقیم، به رژیم ایران یا از رژیم ایران، یا برای استفاده یا به نفع رژیم ایران تحریم شدند.

هر کدام از نهادهای این فهرست برای سپاه و ارتش تجهیزات مرگبار و تسلیحات کشتار جمعی شامل قایق‌های تهاجمی، انواع موشک، پهپادهای جنگی و تجهیزات دیگر برای رژیم ایران با هدف تامین نیازهای تروریسم بین‌المللی می‌سازند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا حمیدرضا عظیمیان را در ارتباط با شرکت فولاد مبارکه ایران و محمدرضا مدرس خیابانی را در ارتباط با خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به فهرست «تبع و افراد خاص تحریم‌شده» اضافه کرد.

وزارت خارجه آمریکا جمعه ۱۵ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) همزمان با برگزاری رزمایش دریایی ارتش جمهوری اسلامی و رزمایش موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کویر مرکزی ایران «سازمان صنایع دریایی جمهوری اسلامی» (MIO)، «سازمان صنایع هوافضا» (AIO) و «سازمان صنایع هوایی ایران»

آیا با رفتن ترامپ اسرائیل در منطقه تنها می‌شود؟ تل‌آویو از بایدن چه می‌خواهد؟



به آتش کشیدن پرچم آمریکا و اسرائیل در یکی از راهپیمایی‌های حکومتی به مناسبت «۲۲ بهمن»

اما اسرائیل کاتس وزیر دارایی اسرائیل به رادیو ارتش گفته «در مورد چشم‌انداز ایران آدر ارتباط با دولت بایدن اختلافاتی وجود دارد که البته چالش‌برانگیز خواهد بود.» مقامات اسرائیلی می‌خواهند دولت بایدن بحث در مورد موشک‌های بالستیک را در مذاکره احتمالی با رژیم ایران بکنند. گفته می‌شود دولت اسرائیل از کانال‌های مختلف قصد دارد در مورد مسائل امنیتی منطقه به ویژه بر سر رژیم ایران با دولت بایدن گفتگو کند.

افزایش همزمان تهدیدات رژیم ایران و بودجه‌های اضطراری اسرائیل

در سال‌های اخیر تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اسرائیل به تقویت بعضی جریان‌های سیاسی داخل اسرائیل و اختصاص بودجه بیشتر به بخش‌های نظامی منجر شده است. اسرائیلی‌ها از کارزار فشار حداکثری ترامپ حمایت می‌کردند با این توجیه که تهدیدات رژیم ایران را کاهش داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۷ تا پایان دولت ترامپ دست‌کم دو مرحله به اسم مقابله با تهدیدات ایران و تشکیل «ستاد ایران» در چارچوب برنامه‌های موسوم به «هومتوم» حداقل ۱۱ میلیارد دلار بودجه مازاد دریافت توسط نهادهای مربوطه دریافت شده و اکنون نیز طرح سه گزینه‌ای تدوین شده که برای اجرای آن با آمدن جو بایدن به بودجه بیشتری نیاز است.

اکنون اسرائیل بیخ گوش جمهوری اسلامی ایران پایگاه دارد. امیر عبداللہیان دستیار ویژه محمدباقر قالیباف در امور بین‌الملل در یک اظهار نظر گفته حضور نظامی اسرائیل در خاک جمهوری آذربایجان در تعارض با امنیت و صلح در منطقه است.

این زاچی هانگی عضو حزب حاکم لیگود و از متحدان بنیامین نتانیاهو تهدید کرده است که اگر دوباره ایالات متحده به توافق اتمی بپیوندد، اسرائیل می‌تواند به برنامه اتمی ایران حمله کند. هانگی می‌گوید: «اگر آمریکا دوباره به توافق هسته‌ای بازگردد - و به نظر می‌رسد که این سیاست اجرا نیز خواهد شد - نتیجه عملی این خواهد بود که اسرائیل دوباره علیه رژیم ایران تنها بماند و این یعنی تهران برای ادامه برنامه‌های تسلیحاتی خود چراغ سبز دریافت می‌کند.»

هانگی در ادامه می‌افزاید «البته ما این اجازه را نمی‌دهیم، ما قبلاً نیز دو بار آنچه را باید انجام شود، انجام داده‌ایم، در سال ۱۹۸۱ علیه برنامه اتمی عراق و در سال ۲۰۰۷ علیه برنامه اتمی سوریه.» اشاره این مقام اسرائیلی به حمله‌های هوایی اسرائیل به راکتورهای رژیم سوریه و عراق است.

روزنامه «اسرائیل هیوم» در بخشی از گزارش خود همچنین به نقل از بنی گانتز وزیر دفاع این کشور می‌نویسد «اسرائیل باید یک گزینه نظامی روی میز داشته باشد.» مقامات اسرائیلی ابراز امیدواری کرده‌اند که بایدن «فشار حداکثری» را که ترامپ علیه رژیم ایران اجرا می‌کرد ادامه دهد. سیاستی که شامل تحریم‌های سنگین است و برنامه‌های اتمی تهران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فارس یک زیردریایی آمریکایی به منطقه رزمایش نزدیک شد اما با وجود همه تنش‌ها میان جمهوری اسلامی و آمریکا آنچه اتفاق افتاد چیزی فراتر از مکالمه یکطرفه خلبان هلی‌کوپتر ایرانی با زیردریایی آمریکایی نبود. علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چهار ماه پیش از این نیروهای آمریکایی در خلیج فارس را تهدید کرده و گفته بود «بهتر است آنها به خلیج فارس بیایند و در آنصورت در تیررس و در دسترس ما خواهند بود» اما بعد از حضور این زیردریایی در دست در منطقه رزمایش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی آب از آب تکان نخورد!

هرچند خبرگزاری‌های حکومتی با تیتر «صد زیردریایی بیگانه» خوراک تبلیغاتی به ولایت‌مداران دادند اما بدیهی است نزدیک شدن این زیردریایی به منطقه رزمایش نیروهای ایرانی آگاهانه صورت گرفته و می‌تواند حاوی این پیام باشد که احتمال وقوع جنگ در منطقه بیشتر یک هیاهوی سیاسی است.

البته این احتمال که نرمنش‌های واشنگتن با آمدن بایدن نسبت به تهران بیشتر شود بعید نیست و رهبران اسرائیل نگران همین مسئله هستند که در سایه این سیاست رژیم ایران گستاخ‌تر از گذشته شود.

«اسرائیل هیوم» پنجشنبه ۱۴ ژانویه گزارش داد اسرائیل به دنبال برنامه‌ریزی برای ضربه زدن به برنامه‌های اتمی ایران است و حمله نظامی یکی از گزینه‌های ایران رسیدن به این هدف است. در این طرح که به زودی به دولت اسرائیل ارائه می‌شود درخواست افزایش بودجه دفاعی شده است.

این زاچی هانگی عضو حزب حاکم اسرائیل قصد دارد با رهبران سعودی، مصر و امارات در مورد مسائلی که احتمالاً بر سر آنها با جو بایدن با مشکل روبرو خواهد شد مذاکره کند. این مسئله به این دلیل اهمیت دارد که اسرائیل روابط اطلاعاتی و امنیتی با هر سه کشور را رکن اساسی برای مقابله با تهدیدات رژیم ایران می‌داند و اکنون اسرائیل نگران است که بایدن و نتانیاهو به دنبال یک توافق با رژیم ایران باشد، بلکه روابط واشنگتن با شرکای عرب تل‌آویو در منطقه سرد شود.

اسرائیلی‌ها می‌دانند سیاست‌های بایدن در خاورمیانه متفاوت از سیاست‌های ترامپ است. بر همین اساس آنها به دنبال آن هستند که دولت بایدن را تشویق کنند تا مطمئن شوند تغییر سیاست‌های خاورمیانه‌ای واشنگتن منجر به افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود و همکاری‌های کشورهای منطقه علیه تهدیدات تهران را به خطر نمی‌اندازد. مقامات دفاعی اسرائیل به باراک راوید نویسنده این گزارش اکسیوس گفته‌اند قصد دارند در ارتباط با دولت بایدن پرونده‌ای را مطرح کنند که به او و دولت‌اش بفرماید که منطقه طی چهار سال گذشته تغییر کرده و اسرائیل روابط خود را با کشورهای عربی تقویت می‌کند. در جریان رزمایش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در خلیج

● پایگاه خبری «اکسیوس»: اسرائیل نگران است که بایدن نه تنها به دنبال یک توافق با رژیم ایران باشد، بلکه روابط واشنگتن با شرکای عرب تل‌آویو در منطقه سرد شود.

● یک عضو حزب حاکم لیگود و از متحدان بنیامین نتانیاهو: اگر آمریکا دوباره به توافق هسته‌ای بازگردد اسرائیل دوباره علیه رژیم ایران تنها خواهد بود و این یعنی تهران برای ادامه برنامه‌های تسلیحاتی خود چراغ سبز دریافت می‌کند.

● رهبران اسرائیل می‌خواهند دولت بایدن را تشویق کنند تا مطمئن شوند تغییر سیاست‌های خاورمیانه‌ای واشنگتن منجر به افزایش نفوذ رژیم ایران نمی‌شود و همکاری‌های منطقه‌ای علیه تهدیدات تهران را به خطر نمی‌اندازد.

● اگر تهران با افزایش تهدیدات امنیتی در حوزه اتمی و موشکی قصد باج‌خواهی از دولت جو بایدن و اروپایی‌ها داشته باشد، اسرائیل دست روی دست نگذاشته و گزینه‌های مختلف سیاسی و نظامی را برای خنثی کردن تاکتیک‌های رژیم ایران روی میز قرار داده است.

● تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اسرائیل به تقویت بعضی جریان‌های سیاسی داخل اسرائیل و اختصاص بودجه بیشتر به بخش‌های نظامی منجر شده است.

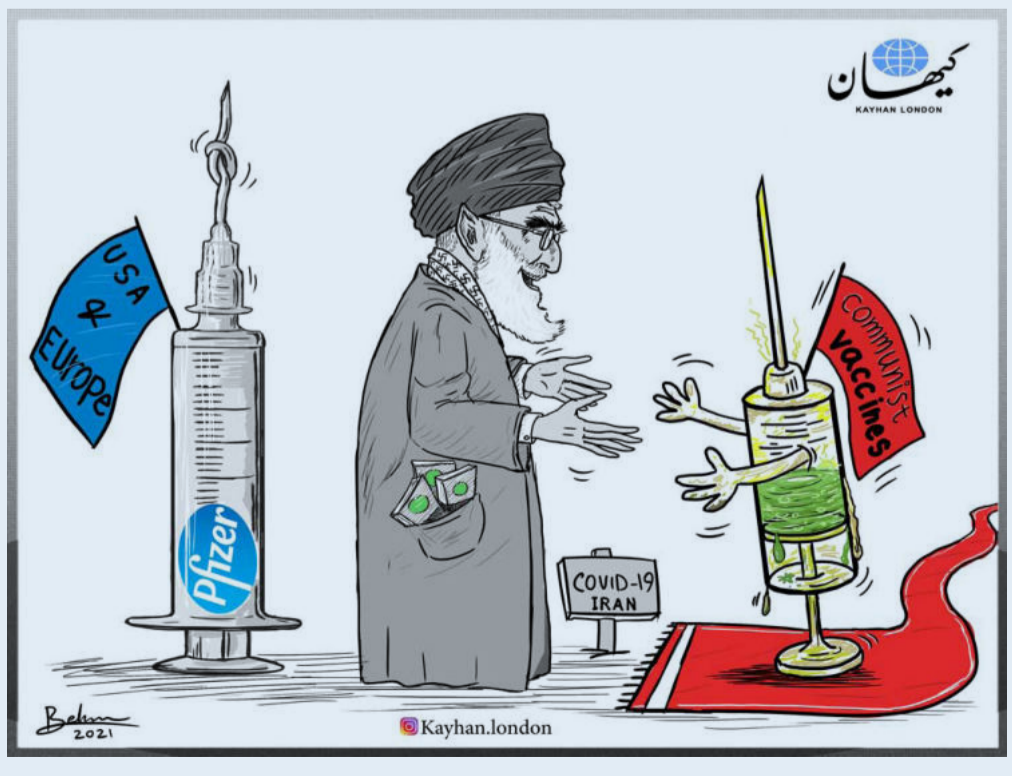
جو بایدن که خود را برای ریاست در کاخ سفید آماده می‌کند قول داده است که حقوق بشر و دموکراسی را در اولویت سیاست خارجی ایالات متحده قرار دهد. وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی و جنگ یمن از موضوعات مورد انتقاد بایدن هستند. این در حالیست که ریاض اکنون در حال تبدیل شدن به یکی از متحدان نزدیک اسرائیل در منطقه علیه تهدیدات رژیم ایران است.

پایگاه خبری «اکسیوس» می‌نویسد اسرائیل قصد دارد با رهبران سعودی، مصر و امارات در مورد مسائلی که احتمالاً بر سر آنها با جو بایدن با مشکل روبرو خواهد شد مذاکره کند. این مسئله به این دلیل اهمیت دارد که اسرائیل روابط اطلاعاتی و امنیتی با هر سه کشور را رکن اساسی برای مقابله با تهدیدات رژیم ایران می‌داند و اکنون اسرائیل نگران است که بایدن و نتانیاهو به دنبال یک توافق با رژیم ایران باشد، بلکه روابط واشنگتن با شرکای عرب تل‌آویو در منطقه سرد شود.

اسرائیلی‌ها می‌دانند سیاست‌های بایدن در خاورمیانه متفاوت از سیاست‌های ترامپ است. بر همین اساس آنها به دنبال آن هستند که دولت بایدن را تشویق کنند تا مطمئن شوند تغییر سیاست‌های خاورمیانه‌ای واشنگتن منجر به افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود و همکاری‌های کشورهای منطقه علیه تهدیدات تهران را به خطر نمی‌اندازد. مقامات دفاعی اسرائیل به باراک راوید نویسنده این گزارش اکسیوس گفته‌اند قصد دارند در ارتباط با دولت بایدن پرونده‌ای را مطرح کنند که به او و دولت‌اش بفرماید که منطقه طی چهار سال گذشته تغییر کرده و اسرائیل روابط خود را با کشورهای عربی تقویت می‌کند. در جریان رزمایش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در خلیج

فرش قرمز آیت‌الله برای واکسن کمونیستی؛ هم وایروس و هم واکسن از چین!

در حالی که به تازگی خبری مبنی بر تأثیر پایین واکسن ساخت «جمهوری خلق چین» منتشر شده اما «جمهوری اسلامی ایران» اصرار دارد که بجای تهیه واکسن‌های معتبر اروپا و آمریکا از «جمهوری خلق چین» واکسن بخرد! وایروس کرونا نیز که منشأ آن از چین است، با التفات مقامات مسئول جمهوری اسلامی و در کمال دست و دلبازی در پروازهای رفت و آمد بین تهران و پکن در روزها شیوع این وایروس در ایران و جهان، به کشور وارد شد!



کیهان

تهدیدهای نصرالله برای انتقام خون سلیمانی؛ لبنانی‌ها سلیمانی را نکشند که حالا برای او باید کشته شوند!



قاسم سلیمانی و حسن نصرالله

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دیگر تمایلی به تعارف و رودربایستی با رژیم تهران ندارند. آنها دیگر سیاست مهر کردن تهران از موضع ضعف را کنار گذاشته‌اند. همچنین اهانت‌های حسن نصرالله در سخنرانی‌هایش به مناسبت‌های مختلف علیه کشورهای عربی، دیگر اهمیتی برای آنها ندارد. جمهوری اسلامی ایران در کنار تهدید کشورهای منطقه، اخیراً تهدید کرده که میزان غنی‌سازی اورانیوم را به مقدار بیش از ۲۰ درصد افزایش خواهد داد؛ البته این تهدید بجای آنکه به نفع ایران باشد به زیان آن تمام خواهد شد.

هر جنگی که حسن نصرالله آن را آغاز کند تنها لبنانی‌ها هزینه آن را خواهند پرداخت. اما اگر لبنان به کلی سقوط کند، حزب الله دیگر قادر نخواهد بود از پولی که از ایران دریافت می‌کند اگرچه مقدار آن اکنون به شدت کاهش یافته، بهره‌مند شود. حزب الله در سایه حمایت دولت لبنان و چتر حمایت بین‌المللی آن توانست اینگونه به غولی بزرگ تبدیل شود. با سکوت سیاستمداران لبنانی و عدم مخالفت آنها با عملکردهای مخرب حزب الله و رهبرش در لبنان و منطقه، اکنون کشور لبنان در آستانه سقوط کامل قرار گرفته است.

تصاویر سلیمانی که از نظر نصرالله یک قهرمان است، نه تنها در لبنان بلکه در عراق، ترکیه و غزه نیز سوزانده شد. اگر حسن نصرالله عاشق شخصی چون سلیمانی است ولی نمی‌تواند به زور سر نیزه واسلحه شبهنظامیان این عشق را بر دیگران تحمیل کند! حال ببینیم قاسم سلیمانی کیست که حسن نصرالله اینطور عاشق اوست که می‌خواهد او را به همه لبنانی‌ها قالب کند؟! قاسم سلیمانی تا قبل از انقلاب هیچ عددی در معادلات ایران نبوده و در دوران انقلاب خمینی در سازمان آب و فاضلاب در زادگاهش در کرمان کار می‌کرد و پس از انقلاب به «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» پیوست. این سپاه به دستور خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی تأسیس شده زیرا او به ارتش منظمی که ایران داشت، هیچ اعتماد نداشت.

سلیمانی شخصاً در سرکوب مخالفان در کردستان ایران در سال ۱۹۸۰ شرکت کرد و سپس به ترکیه و سرکوب دیگر گروه‌های سیاسی مخالف رژیم به ویژه نیروهای چپ و «مجاهدین خلق» را در دهه ۱۹۸۰ پرداخت. او جنایت‌هایی بی‌شماری در حق همه ایرانیان مرتکب شد و سپس در جنگ ایران و عراق به علت فقدان تجربه نظامی باعث کشته شدن صدها هزار جوان ایرانی در جبهه‌های جنگ شد. جوانانی کم‌سن و سال که سلیمانی و هم‌قطاران او در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آنها را فوج فوج به میدان‌های مین می‌فرستادند تا راه را برای پیشروی فرقه‌های دیگر سپاه هموار سازند. او پس از ارتکاب جنایت‌های مداوم به درجات بالا در سپاه پاسداران رسید و زمانی که مقامات رژیم جمهوری اسلامی درجه‌ها را کیلویی و سلیقه‌ای و نه بر اساس تحصیلات آکادمیک و نظامی به عناصر سپاه اعطا می‌کردند، سلیمانی نیز از درجه صفر به درجه سرتیپ ارتقا یافت.

قاسم سلیمانی یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ ایران و عراق بود. او مانند بسیاری از فرماندهان سپاه از حربه فرستادن «موج‌های انسانی» برای گشودن میادین مین استفاده می‌کرد؛ عملیاتی که باعث کشته شدن بسیاری از جوانان ایرانی به ویژه کودکان ۱۶ تا ۱۸ ساله شد. عکس‌های این کودکان معصوم و بی‌گناه در تصاویر و آرشیه‌های جنگ ۸ ساله ثبت شده است.

در سال ۱۹۹۸ قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده «تیرو قدس» به عنوان بازوی خارجی سپاه پاسداران منصوب شد. او در سال ۲۰۱۱ به دلیل دخالت‌های سپاه قدس در کشورهای عربی به ویژه در قتل عام مخالفان در مردم قیام کرده در سوریه به درجه سرلشکری رسید.

سوری‌ها اما به قاسم سلیمانی لقب «ژنرال کودک‌کش» داده‌اند. برخی از مدافعان رژیم تهران مانند محمد صالح رضوی قمیلی خراسانی استاد «معارف اسلامی» در دانشگاه مشهد، به نفرت اهالی سوریه از قاسم سلیمانی و شبه‌نظامیان تحت فرمان او اعتراف کرده و اذعان داشته که او نتوانست مردم منطقه را به انقلاب اسلامی پیوند دهد.

ضمانت، یا ایجاد انجمن خیریه می‌تواند جایگزین حاکمیت ملی کشور لبنان و نهادهای مدنی و اقتصادی آن شود؟ آیا حاکمیت لبنان برای قاچاق اموال و خیرات ملت لبنان از طریق مرزها به سوریه برای پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری اسد است؟ وقتی دولتی در لبنان نباشد، مسلماً حملات اسرائیلی‌ها راحت‌تر و آسان‌تر خواهد بود. پس از ستایش و ثنای نصرالله از قاسم سلیمانی، اسرائیل در روزهای گذشته شهر «القصیر» در مرز لبنان-سوریه را هدف حملات سنگین هوایی و موشکی قرار داد. بمباران اسرائیل زاغه‌های اسلحه و مخازن گاز و نفتی را که افراد حزب الله به صورت قاچاق به سوریه ارسال کرده و به فروش می‌رسانند، به کلی نابود کرد.

بنابراین نصرالله خوب می‌داند که سه چهارم لبنانی‌ها که همواره در سخنانش آنها را تهدید می‌کند نه حرف او را می‌شنوند و نه از او تبعیت می‌کنند. آیا نصرالله فکر می‌کند اگر تهدیدهای خود را علیه اسرائیل عملی کند و موشک‌های جمهوری اسلامی را به سمت اسرائیل شلیک کند از نظر داخلی آماده رویارویی با این مشکل را دارد؟! آیا در صورت حمله اسرائیل به لبنان رژیم ایران حاضر است نیروهای خود را برای دفاع از لبنان وارد جنگ کند یا مثلاً به تاسیسات و پایگاه‌های آمریکایی در عراق حمله کند یا اینکه تنها به برگزاری تظاهراتی در بغداد و شهرهای شیعه‌نشین در جنوب برای اعلام حمایت از نصرالله اکتفا خواهد کرد؟

نصرالله خوب می‌داند اگر لبنان مورد هجوم اسرائیل قرار گیرد، دایره‌ی مانور جمهوری اسلامی ایران فراتر از یک تظاهرات که طرفداران رژیم ایران در عراق برگزار خواهند کرد، نخواهد بود. آیا نصرالله نمی‌داند رژیم تهران که از پیروان خود در منطقه به ویژه در کشورهای عربی می‌خواهد در جنگ و کشمکش با آمریکا در منطقه از آن پیروی کنند و افکار عمومی را به تأیید سیاست‌های جمهوری اسلامی سوق دهند، خود جمهوری اسلامی از سوی ملت ایران مغفور و طرد شده است و اکثریت مردم ایران با سیاست توسعه‌طلبانه رژیم ایران در منطقه مخالف هستند؟

ایران دومین ذخایر گاز طبیعی و چهارمین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد اما متأسفانه درآمد حاصله از سرمایه ملی این کشور برای حمایت از دیکتاتورهایی چون بشار اسد و احزابی مانند حزب الله لبنان، حماس، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی و فاطمیون افغان در سوریه که اغلب در لیست گروه‌های تروریستی جهان قرار دارند، هزینه می‌شود.

طبق گزارش‌های موثق، ایران سالانه ۱۵ میلیارد دلار به رژیم دیکتاتوری اسد، ۷۰۰ میلیون دلار به حزب الله لبنان و حداقل ۳۶۰ میلیون دلار به حوثی‌ها، ۱۵۰ میلیون دلار به شبه‌نظامیان عراقی و ۳۶۰ میلیون دلار به حماس کمک می‌کند و بقیه اموال ملت ایران را صرف سیاست‌های جاه‌طلبانه‌ی ساخت موشک‌های بالستیک و برنامه هسته‌ای که هیچوقت اجازه تحقق آن را نخواهد داشت، می‌کند. نصرالله با انتشار عکس‌های سلیمانی در دروازه‌های ورودی بیروت یا نصب تمثال و مجسمه‌های او در منطقه الغبیری در حومه جنوبی چه سودی بجز نفرت و انزجار مردم لبنان خواهد برد؟ لبنانی‌ها بارها در طول سال گذشته این تصاویر را سوزاندند و آنها را لگدمال کردند و فیلم‌های واکنش لبنانی‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. حسن نصرالله انگار از تمسخر لبنانی‌ها به رفتارهایش بی‌خبر است زیرا او در سخنرانی اخیرش باز همه لبنانی‌ها را مخاطب قرار داد. در حالی که حقیقت اینگونه که او می‌پندارد نیست. سخنان نصرالله در میان بیش از سه چهارم جمعیت لبنان خریداری ندارد. اگر نصرالله می‌خواهد دولتی مستقل از دولت لبنان تشکیل دهد، چرا اقدام نمی‌کند تا راحت‌تر نبرد با اسرائیل را آغاز کرده و علیه تل‌آویو اعلان جنگ دهد؟! آیا این همان چیزی نیست که رژیم ایران از او می‌خواهد؟ اجازه دهید کارش را انجام دهد تا پیامدهای این اقدامات را با هم ببینیم. هم رژیم ایران و هم حسن نصرالله خوب می‌دانند که اکنون تمام معادلات منطقه‌ای و جهانی به کلی تغییر کرده است.

● نصرالله برای لبنانی‌ها باید توضیح دهد که آیا موشک‌هایی که رژیم ایران به او داده تا کشورشان را به خط مقدم مقابله تهران با اسرائیل تبدیل کند، از حاکمیت لبنان محافظت می‌کند یا این موشک‌ها ابزاری برای نابودی لبنان خواهند شد؟

● طبق گزارش‌های موثق، ایران سالانه ۱۵ میلیارد دلار به رژیم دیکتاتوری اسد، ۷۰۰ میلیون دلار به حزب الله لبنان و حداقل ۳۶۰ میلیون دلار به حوثی‌ها، ۱۵۰ میلیون دلار به شبه‌نظامیان عراقی و ۳۶۰ میلیون دلار به حماس کمک می‌کند و بقیه اموال ملت ایران را صرف سیاست‌های جاه‌طلبانه‌ی ساخت موشک‌های بالستیک و برنامه هسته‌ای که هیچوقت اجازه تحقق آن را نخواهد داشت، می‌کند.

● لبنانی‌ها بارها در طول سال گذشته این تصاویر را سوزاندند و آنها را لگدمال کردند و فیلم‌های واکنش لبنانی‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. حسن نصرالله انگار از تمسخر لبنانی‌ها به رفتارهایش بی‌خبر است زیرا او در سخنرانی اخیرش باز همه لبنانی‌ها را مخاطب قرار داد. در حالی که حقیقت اینگونه که او می‌پندارد نیست. سخنان نصرالله در میان بیش از سه چهارم جمعیت لبنان خریداری ندارد.

● تصاویر سلیمانی که از نظر نصرالله یک قهرمان است، نه تنها در لبنان بلکه در عراق، ترکیه و غزه نیز سوزانده شد. اگر حسن نصرالله عاشق شخصی چون سلیمانی است ولی نمی‌تواند به زور سر نیزه و اسلحه شبه‌نظامیان این عشق را بر دیگران تحمیل کند! قاسم سلیمانی تا قبل از انقلاب هیچ عددی در معادلات ایران نبوده و در دوران انقلاب خمینی در سازمان آب و فاضلاب در زادگاهش در کرمان کار می‌کرد و پس از انقلاب به «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» پیوست.

● سوری‌ها به قاسم سلیمانی که پس از جنایت‌های مداوم به مقام سردار سپاه و فرمانده سپاه قدس رسید، لقب «ژنرال کودک‌کش» داده‌اند.

● در سال ۲۰۰۶ سلیمانی نامه‌ای از طریق جلال طالبانی رهبر کردهای عراق و رئیس جمهور وقت به صورت محرمانه به دبوید پترائوس ژنرال آمریکایی در بغداد فرستاد و به او تاکید کرد که وی تنها کسی است که سیاست رژیم ایران در منطقه را هدایت می‌کند و بنابراین ایالات متحده آمریکا باید با او گفتگو و معامله کند!

هدی الحسینی (شرق الاوسط) - اگر لبنان وارد جنگی تجمیلی شود که تمام زیربنای اقتصادی و نظامی‌اش در آن نابود گردد، حتی اگر جمهوری اسلامی ایران پیروز چنین جنگی شود، حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان چه نفعی خواهد برد؟! آیا نصرالله در ایران جایگاهی یا نقشی خواهد داشت؟ یا اینکه همه ما می‌دانیم حکومت کنونی ایران، سرکش و متهم از قوانین بین‌المللی است، اما نصرالله نقشی با جایگاهی مانند آنچه اکنون در لبنان دارد در هیچ کشوری از جمله در ایران نخواهد داشت.

این پرسش برای بسیاری از لبنانی‌ها مطرح است که چرا باید سالگرد کشته شدن سلیمانی به دست آمریکا برای لبنان به مشکل تبدیل شود؟ این مشکل برای چیست و چه ربطی به لبنان دارد؟! نصرالله برای لبنانی‌ها باید توضیح دهد که آیا موشک‌هایی که رژیم ایران به او داده تا کشورشان را به خط مقدم مقابله تهران با اسرائیل تبدیل کند، از حاکمیت لبنان محافظت می‌کند یا این موشک‌ها ابزاری برای نابودی لبنان خواهند شد؟ آیا به نظر نصرالله گشودن چند شعبه کوچک بانک محلی و دادن وام «قرض الحسنه» در ازای گرفتن طلای خانواده‌های نیازمند به عنوان

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۳)

(کیهان لندن شماره ۱۳۸۴)

احمد احرار



دولت‌آبادی ادامه می‌دهد: «نگارنده به همین ترتیب رفتار می‌کند و همه در خانه مستوفی جمع می‌شویم غیر از مشیرالدوله که مریض شده و حاضر نمی‌شود. نگارنده عنوان می‌کند چون ما شش نفر عضو مجلس مشاوره خصوصی هستیم آیا لازم نمی‌داند پیش از رفتن به دربار خاطر سردار سپه را مسبوق کنیم که چنین دعوتی شده و به‌امر رئیس مجلس باید به دربار برویم و چون امشب، شب جلسه (با سردار سپه) است نتیجه مذاکرات روز در جلسه شب گفته شود تا اسباب بدگمانی سردار سپه فراهم نگردد. بعد از قدری مذاکره، پیشنهاد من پذیرفته می‌شود و میرزا حسین خان علاء مأمور می‌گردد برود با سردار سپه مذاکره کند. بدیهی است سردار سپه از این احضار و از این حضور ما برای رفتن نزد ولیعهد خبردار شده است و رضایت ندارد و نمی‌خواهد اظهار کند. این است که فرستاده ما را که می‌داند برای چه کار آمده است نمی‌پذیرد و بعد ملاقات‌نکرده برمی‌گردد و ناچار ساعتی بعد از ظهر به دربار می‌رویم، ولیعهد را در نهایت پریشان‌حوالی مشاهده می‌کنیم.

ولیعهد می‌گوید این که من شش نفر معین از نمایندگان را خواستم برای این بود که با همان عده اشخاص که طرف مشورت سردار سپه هستند صحبت داشته باشم. آقایان بفرمایید ببینم مگر پادشاه رئیس قوه مجریه نیست؟ مگر اعطای فرماندهی قوا به کسی، از وظایف خاص او نمی‌باشد؟ به‌موجب چه ماده‌ای از مواد قانون اساسی مجلس می‌خواهد در وظیفه رئیس قوه مجریه دخالت کند و عالی‌ترین درجات نظامی را که ریاست قوای مملکت باشد به کسی بدهد بی‌اطلاع پادشاه مملکت.



محمدحسن میرزا ولیعهد

هر یک از حاضرین صحبتی می‌دارد و دکتر محمد مصدق قانون اساسی را درآورده ماده‌ای را که به او استناد شده است می‌خواند، ولیعهد حیرت می‌کند که هیچ متذکر این ماده نبوده است.

خلاصه، مذاکرات این مجلس بیش از یک ساعت طول می‌کشد بی آن که ولیعهد از این مذاکرات نتیجه‌ای برای خود گرفته باشد و ضمناً به او حالی می‌شود که این ارتکاب اقل محذورین است یعنی اگر این کار نشود سردار سپه به‌واسطه متزلزل بودن مقام خود برای مخالفت قانون اساسی کردن صریح حاضر شده است. ولیعهد هم تصور می‌کند سردار سپه به این منصب قناعت خواهد کرد. در این وقت که ما در دربار هستیم دستجات نمایندگان کار تصویب شدن پیشنهاد دادن ریاست قوا را به سردار سپه تمام کرده خبرش را حاضر می‌کنند که فردا در مجلس علنی خوانده و رأی گیری شود...»

دولت‌آبادی در ادامه مطلب می‌نویسد: «امشب باید مجلس مشاوره خصوصی منعقد شود و به‌ملاحظه کسالت مزاج مشیرالدوله اجتماع در خانه او می‌شود، سردار سپه هم حاضر می‌گردد.

سردار سپه در این مجلس خود را قدری گرفته به‌گفته عوام «شاه‌دستوری» صحبت می‌دارد چون که اطمینان یافته است فردا مقام او ثابت خواهد شد و نگرانی‌ها برطرف می‌شود و به‌مقصود خود نزدیک می‌گردد.

راجع به واقعه آن روز و رفتن ما در اثر احضار ولیعهد به دربار، یک کلمه هم صحبت نمی‌دارد بلکه به‌محض نشستن و از صاحبخانه احوالپرسی کردن، رو به حاضرین کرده می‌گوید انگلیسیان چند مطلب از ما می‌خواهند که مدتی طول کشیده است و تکلیف تعیین نشده است. اخیراً در موضوع مبلغی که بابت مخارج پلیس جنوب مطالبه می‌کنند وزیر مختار آنها که از لندن برگشته است آنجا اقدام کرده، نصف این مبلغ را صرف‌نظر کرده‌اند و این همراهی است که شده حالا باید نصف دیگر را داد و محل پرداخت آن با از عواید نفت جنوب یا از گمرک‌های بنادر خواهد بود. این مطلب را به‌طور مسلم می‌گوید و نمی‌گذارد کسی در این باب حرفی بزند.

سردار سپه از روی روحیات نظامی حرفها را صریح و به‌اصطلاح عوام، پوست‌کنده می‌زند چنان که در یکی از جلسه‌های مشاوره خصوصی که در منزل دکتر محمدخان مصدق السلطنه منعقد بود از وطنپرستی صحبت به‌میان آمد. او گفت مثلاً مرا انگلیسی‌ها سر کار آوردند اما وقتی آمدم به وطنم خدمت کردم. خلاصه در آخر این مجلس نگارنده نام شخصی از نمایندگان را می‌برد که اگر صلاح باشد او هم عضو این مجلس بشود. سردار سپه می‌گوید حالا که دیگر کار این مجلس به آخر رسیده است و با این بیان می‌فهماند که کار مشاوره

تواند شد.»

داریوش همایون فضای سیاسی ایران را چنین ترسیم می کند: «... هنوز یک روشنفکر معمولی چپ یا لیبرال نمی تواند ۵۷ سال پهلوی را یک دوره تاریخی بداند. با تأثیرات بد و خوبی که بر جامعه ایرانی گذاشت. با سرمایه‌های که فراهم کرد تا آیندگان بر آن بسازند و پیش بروند. اگر اشاره‌ای به پیشرفت‌های آن دوران کند با بی میلی است و فوراً پای ضرورت‌های تاریخی و اقتصادی محیط را پیش می کشد. در عوض در بر شمردن کم و کاستی‌ها گشاده دست است و هیچ یادی نیز از ضرورت‌های تاریخی و اقتصادی محیط نمی کند. در تقریباً همه موارد، غوطه زدن در سیلاب دشنام و زشت گویی نخستین واکنش و همه واکنش او است. همچنانکه یک سلطنت طلب معمولی ایرانی نیز در برابر کمترین یادی از لیبرال و چپ‌گرایان با حالتی پیروزمند و حق به جانب هر صفت زشتی را که پایگاه فرهنگی‌اش اجازه دهد نثار آنان خواهد کرد».

محمود اعتمادزاده که با نام مستعارش «م.ا. به آذین» شهرت دارد، از چهره‌های سرشناس ادبی-سیاسی چپ ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب به شمار می‌رود. او که سه سال قبل (۱۰ خرداد ۱۳۸۵) درگذشت، دو دفتر خاطرات از خود بر جای نهاده است و فضای عمومی زندان سیاسی را در هر دو دوره براساس مشاهداتش

زندگینامه م.ا. به آذین:

محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین) در سال ۱۲۹۲ شمسی در رشت به دنیا آمد. پس از خاتمه تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۱۱ جزو دانشجویان اعزامی ایران به فرانسه رفت و در رشته مهندسی دریانوردی تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به نیروی دریایی پیوست. در چهارم شهریور ۱۳۲۰ که نیروی دریایی متفقین به ایران حمله کردند او افسر نیروی دریایی بود و در بمباران بندر پهلوی (انزلی) زخم

نگاهی به یادداشت‌های یک زندانی سیاسی از دو زندان در دو رژیم قبلی و فعلی مهمان پسران شاطر نانوا! (۱)



نخستین روزهای زندان و گفت‌وگو با یک مارکسیست انقلابی که عقیده داشت راه انقلاب را باید با تصفیه بقایای پوسیده حزب توده هموار کرد

ایرج هاشمی زاده

«خط امام مثل تصویر یک جارختی بر دیوار بود که سران حزب توده تلاش می کردند، لباس‌های خود را به آن آویزان کنند. شادروان ایرج اسکندری به نقل از مصاحبه فرهاد فرجاد با رادیو آلمان

تصویر می‌کند. دفتر خاطرات به آذین از زندان پیش از انقلاب «همان این آقایان» نام دارد و خاطراتش را از زندان بعد از انقلاب «بار دیگر، و این بار...» نام نهاده است. ایرج هاشمی زاده، از این دو دفتر بخش‌هایی را در معرض مطالعه شما قرار می‌دهد و عقیده دارد که در شرایط کنونی ایران یادآوری آن ضروری است.



م.ا. به آذین نوشته‌ها و ترجمه‌های متعددی بر جای مانده است.

برداشت که منجر به قطع دست چپ او شد و بقیه عمر را به دست راستش متکی بود. در اوایل دهه ۲۰ که وارد فعالیت‌های سیاسی شده بود از ارتش استعفا داد و به وزارت فرهنگ منتقل شد و به تدریس زبان فرانسه و ریاضیات در دبیرستان‌ها پرداخت. از همان زمان به کار تألیف و ترجمه روی آورد و به عنوان نویسنده و مترجم شهرت یافت. در تیر ماه ۱۳۴۹ بازداشت شد و چهار ماه در زندان‌های قزل‌قلعه و قصر به سر برد. در سوم آذر ۱۳۵۶

تاکتیک نشینده‌ام. ... سرود به پایان می‌رسد و بی‌درنگ سرود دیگری آغاز می‌شود... از خون ما لاله روید.. پراله و گل بشود همه جا چون گلستان... غروری سینهام را پر کرده است. ایران فردا را می‌بینم که سر بر می‌دارد... «تق تق در. امر بر زندان است؛ سربازی با رخت و روی پاکیزه سفید روشن، چشم‌ها زاغ، هیچ چیزش با دیگر سربازها نمی‌خواند. برای ظاهر چه می‌خواهید از بیرون بخرم؟ «چه چیز؟ «هر چه بخواهید. خوراکی؛ لوازم دیگر... پول می‌دهم و خواهش می‌کنم برایم حوله؛ مسواک؛ صابون؛ لیوان و قاشق و بشقاب ملامین بخرد؛ ها، چرا؛ یک کیلو هم سیب گلاب و یک جعبه بیسکویت ساده ویتانا؛ همه را یادداشت می‌کند و می‌گوید: «یک بسته هم قند حبه برایتان می‌گیرم؛ این جا خودتان نگه دارید؛ پنج ریال هم چای خشک؛ هفته‌ای یک بار نوبت شماماست... سرگروهیان بند می‌آید. به دستور

او لباس می‌پوشم و کفش به پا می‌کنم؛ مرا به دست امربری می‌سپارد تا با یک نگاه هم مسلح به دفتر زندان برود. برای بازجویی. خدا می‌داند... قرار بازداشت را جلوی من می‌گذارند امضا کند. «می‌خوانم که آقای دادستان (ارتش یا دادگستری؛ یادم نیست) ضروری دانسته‌اند که من به جرم «اقدام بر علیه امنیت داخلی کشور» بازداشت شوم. اگر کلاه می‌داشتم؛ از سرم می‌افتاد. کدام اقدام؟ نام‌های چند سطر به عنوان نخست‌وزیر و پاره‌های دیگر از وزیران؛ رؤسای دو مجلس؛ دادستان کل ... نامه‌ای ساده و متین و مؤدب در اعتراض به بازداشت یک نویسنده و تقاضای آزادی او... می‌گویم «این اتهام را من وارد نمی‌دانم و امضاء نمی‌کنم» قیافه‌اش وا می‌ریزد. «برای خودتان بد می‌شود. تا بیایند و رسیدگی کنند؛ دو و سه هفته‌ای مفت زندانی کشیده‌اید... «چه باید بنویسم؟». «گرویت شد و امضا کنید...»

در نبودن من؛ امربر چیزهایی که سپرده بودم بخرد آورده است. دم در می‌روم و آب می‌خواهم. سرباز با پارچ می‌آید. آب یخ در لیوان خودم. می‌پرصد: «تازه خریدید؛ ها. شسته نیست؟». «نه» «بدهید بیرم پای شیر برایتان بشورم. «امربر خرید می‌آید. می‌گویم یک شیشه کوچک شیر برای چاشت فرمایم بگیرد. «دیگر؟» «می‌توانید یک دانه تخم مرغ هم بگیرید؛ تازه باشد؛ خیلی ریز نه...»

امربر می‌آید با یک شیشه ماست یک بسته نمک صدف، دوتا خیار؛ نیم کیلو انگور و نیز یک حوله و یک زیرشلواری دبیت ایرانی «سرگروهیان می‌آید (لباس بپوشید. برای بازجویی... بازجویی شروع می‌شود... «اسم؟ پدر؛ مادر؛ برادر؛ خواهر؟

زن دارید؟ فرزندی؟ پسر و دختری؟ کجا هستند، چه کار می‌کنند؟ پسران گفتید دانشجوی پزشکی است؟ کجا تهران؟ نه مسکو. لاید دانشگاه لومومبا؟ بله. شما فرستادش؟ من فرستادمش آلمان پس از چند ماهی خودش اقدام کرد و توانست برود. شغلتان؟ کدام وزارتخانه؟ دست‌تان چه

این؟ کمی ناخوار می‌نمایم... در را باز می‌کنند. سرگروهیان بند است. «لباستان را بپوشید. از این جا می‌روید... ماشین اکنون در خیابان‌های غرب تهران می‌رود. نگرانم کجا می‌برند؟ جاده کرچ؟... با اینهمه نمی‌توانم بدانم در کدام خیابان حرکت می‌کنیم. ها، چرا اینک از پشت باشگاه

بارِ دیگر و این بار... م.ا. به آذین

می‌آورد؛ دست و پایش از هم باز می‌شود و آهسته رو به بالا می‌رود. می‌رود. تاکجا؟ پناه بر خدا! و بی‌شتاب می‌آید با نوسان آهسته شانه و کمر و لگن. دم در اتاق می‌ایستد - دست‌ها به کمر زده و پاها از هم گشاده. هیولانی است! جامی خورم؛ بی‌اغراق و شاید از آن رو که من نشسته‌ام و او ایستاده. تصویری که از او به من دست می‌دهد؛ همانند جنابت پیشه‌بی‌باکی است که دزدان و آدمکشان هم از او پروا می‌کنند و به حریمش نزدیک نمی‌شوند... یا اینهمه ناچاریم. تا صبح که نمی‌توانیم ویلان بمانیم. می‌پرسم: «بخشید! این جام‌کنه یک گوشه‌ای توماران پهن کنیم؟». «راستش من تازه امروزآمدم. رئیس اتاق ایشان هستند؛ آن‌جا» و با دست اشاره به مرد نشسته می‌کند. گفتارش ساده و بی‌تکلف است...

«جوانی که ساعتی پیش از هیبتش جاخورده بودم نشسته است و یک شماره مجله اشپیکل را ورق می‌زند و گاه در صفحه‌های مکتب کوتاهی می‌کند. می‌گویم: «خوش به حالتان! بهتان مجله داده‌اند. من که آن جا یک سرنوشته نتوانستم بخوانم... «مال من نیست. یک مرد آلمانی هست این را او به من داده»..... جوان ادامه می‌دهد: «مهندس. مدتی در افغانستان و هند و پاکستان بوده. وقتی آمد ایران؛ از تو ماشینش چند کیلو حبشیش و این جور چیزها پیدا کردند. حال چهل، پنجاه روزی است که این جاست. هر دو هفته یکبار؛ کنسول که به دیدنش می‌آید از این مجله‌های قدیمی براش می‌آرد». می‌روم و پهلوی جوان می‌نشینم. می‌پرسم: «آلمانی شما خوب می‌دانید؟». «خوب خوب که نه. ولی چهار پنج سال در اتریش بوده‌ام.» «و!» پس سؤال می‌جا بوده، بخشید!» «نه. تعارف نمی‌کنم. خوب دانستن زبان به این آسانی‌ها هم نیست... گفت‌وگو ما گل می‌اندازد. و من از زبانش می‌شنوم که س ل نام دارد و اصلش از کرمانشاه است... می‌گوید که در اتریش - هنگام تحصیل در رشته مهندسی ماشین - دو سه سال در «سازمان انقلابی حزب توده ایران» جاذبه فعالیت داشته است. به همین عنوان؛ او یک چند برای مطالعه به کوبا می‌رود و شش ماهی نیز در چین به سر می‌برد. دو سال پیش به ایران می‌آید تا شرایط را از انقلابی بر ایرانی کند و گزارش بدهد. اما در بازگشت به اروپا بر سر ارزیابی موقعیت سیاسی ایران و شیوه‌ها و امکانات مبارزه انقلابی با گروه خود اختلاف پیدا می‌کند و کناره می‌گیرد. اکنون او برای خود نظریه‌هایی دارد که باید با مطالعه و تعمق بیشتر آن‌ها را گسترش دهد. از گرفتاریش می‌گوید که پارسال؛ در تعطیلات زمستانی، برای دیدار خانواده با ماشین خود رهسپار ایران می‌شود به این امید که یکماهه برگردد و خود را برای امتحان

به خیابان سی متری می‌آئیم و این هم خیابان سپه... دیگر حدس می‌زنم رهسپار کجائیم. چهارراه پهلوی و میدان حسن‌آباد را پشت‌سر می‌گذاریم و به‌زودی از دروازه باغ ملی می‌پچیم. زندان موقت شهربانی ... انباردار رختکن لطفی به من دارد... پتوی سربازی تازه شسته‌ای به من می‌دهد با یک کاسه مسی و یک جفت دم پائی پلاستیکی... بیرون می‌آیم. زندانی رسمی؛ یک تن از ده‌ها هزار در ایران... به طبقه سوم می‌رویم... نه چندان گرسنه، اما شنه‌ام. می‌پرسم این‌جا فروشگاه دارد؟ بله دارد. طبقه دوم... چشم از اتاقی بدین بزرگی با تنها دو نفری که در آن هستند بر نمی‌توانم گرفت؛ یکیشان به دیوار سمت راست تکیه داده و سرگرم خواندن است. درست دیده نمی‌شود. اما دیگری در وسط اتاق رو به ما نشسته است؛ ساق‌ها چلیپا شده و دست‌ها در پیش آن به هم پیوسته. شلوار کوتاهی پوشیده‌است از پارچه‌آبی خاکستری؛ با یک زیرپیراهن چرم‌رده. ورزیده و عضلانی می‌نماید با سر بزرگ تراشیده چشم‌ها درشت و بادامی، ابروها پهن و پیوسته سرتاسری. بینی راست؛ دهن فراخ؛ آرواره‌ها زمخت، گردن ستبر. تا نشسته‌است؛ باز به آدمیزاد بیگانه نمی‌نماید. اما می‌بینم که در تلاش برخاستن است. بالاتنه را کم کم - گوئی به زحمت - پیش

پایان تحصیل آماده کند. اما همین که به مرز ایران و ترکیه می‌رسد، او را می‌گیرند و به تهران می‌آورند و راست در قزل‌قلعه جا می‌دهند. اکنون هفت ماه است که در زندان به سر می‌برد و با آنکه با هیچ دسته و گروهی بستگی ندارد؛ نمی‌خواهد به آرمان انقلابی خود پشت کند و برای رهائی از زندان با وضع موجود از در سازش درآید - همان کاری که برخی داعیه‌داران کرده‌اند ...

جوانی صاحب‌نظر؛ باسابقه فعالیت انقلابی در اروپا!... نخستین بار است که من با همجو کسی به گفت‌وگو می‌نشینم. خشنودی دیده و دل، هر دو وشوق شنیدن. می‌بینم که زندان در به جهان جوانان به روی من می‌گشاید. سیاسی‌گزارم از آقایان. به راستی. از کنج انزوا به زور بیرون کشیدند... و اینک آغوش گشاده من ... آنچه در «ل» می‌بینم این که به جبهه مخالف به ویژه حزب توده ایران بیش‌تر می‌تازد تا به حکومتی که سرنیزه را در ایران شوروی را بیش‌تر دشمن دارد تا آمریکا که پنهان و آشکار در چهار گوشه جهان دستش تا آنچ به خون آغشته است. و این همه به نام مارکسیسم لنینیسمی که نمی‌دانم چیست و از کجا آمده است. از چین؟ یا به احتمال بیش‌تر؛ از خود آمریکا؟

می‌گوید و در گفته‌اش سرموئی شک پیدا نیست: «برای سازمان دادن نیروهای انقلاب در ایران؛ ما ناچاریم صفوف خودمان را پاک کنیم و یکپارچه بشیم. این یک مرحله مقدماتی انقلابه که تا از آن بگذری، هر اقدامی که بکنیم محکوم به شکسته». «آیا صفوفی دارید که بخواید پاک کنید؟». «چرا نداشته باشیم؟ همه عناصر انقلابی ایران!»

چقدر این جوان به واژه انقلاب دلبستگی نشانی می‌دهد! مدام غرغراش می‌کند... می‌گویم: «بديخانه از این عناصر پراکنده و گیج و سردرگم؛ تا «صفوف نیروهای انقلاب» راه درازی هست؛ نه؟». جواب نمی‌دهد؛ یکی دو ثانیه هر دو خاموش می‌مانیم. باز می‌پرسم: «خوب صفوفتان را از چه می‌خواهید پاک کنید؟». با کینه‌ای در نگاه می‌گویم: «از بقایای پوسیده حزب توده. هم در زمینه ایدئولوژی، هم در زمینه تشکیلاتی» و برایم از لنین و مبارزه بلشویک‌ها با منشویک‌ها شاهد می‌آورد. من چیز درستی در این‌باره نمی‌دانم. اما روزگاری می‌شنیدم که این مبارزه دو جناح یک حزب بوده است - حزبی با پایگاه مشخص کارگری و با برد رویهم وسیع در میان رنجبران روسیه - و سال‌ها در چارچوب یک سازمان از بالا تا پائین جریان داشت. روزی هم که شکاف و جدائی ناگزیر گردید؛ جنبش کارگری آن قدر گسترش یافته و نیرومند شده بود که درکل زبانی از آن نبینند. اما در ایران امروز با این پراکندگی و ترس و این فشارخرد کننده ... کجاست امکان بحث و بررسی و انتخاب؟ کجاست امکان کشاندن اندیشه‌ها به میان مردم؟ شوخی و سبکسری است یا چیز دیگر؟..... «آل» همچنان برایم از چین و کوبا می‌گوید. از این که شوروی‌ها اقتصاد کوبا را وابسته به شکر کرده‌اند (درست آنچه شنیده‌ام در زمان سلطه سرمایه‌های امریکائی وجود داشته است) و یا کارخانه فلزکاری را در جایی ساخته‌اند که مواد اولیه نیست... نمی‌دانم چه بگویم. چه اصراری دارد این جوان؟ شب بخیر! می‌روم و روی پتویم دراز می‌کشم...

«عباس مجموعه بزرگ مسی به سر می‌آید - با هیجده بیست کاسه آش آلو که غذای امروز زندان است. کمک می‌کنند و مجمعه را بر زمین می‌گذارند... ناهار خوردیم و اکنون سمنائی هندوانه‌ای پاره می‌کند. قاشق را به چاکی در گوشه هندوانه فرو می‌برد و تکه‌ها را بر می‌گرداند. می‌خوریم. شیرین است و آبدار... «آرایشگاه زندان. گوش تا گوش نشسته‌اند و گروهی نیز بیرون ایستاده‌اند. سه ریال می‌دهیم و یک تکه کاغذ زرد رنگ می‌گیریم - بلیط برای اصلاح صورت. سه آرایشگر تند و چابک در کارند ... «آل» از دستوشی برمی‌گردد و خبر می‌آورد که گفته‌اند آماده رفتن باشیم - زندان قصر - دنباله دارد

محلی برای فعالیت شبکه ضد تحریم هستند که به عنوان صرافان غیر رسمی به جابجایی پول برای افراد حقیقی و حقوقی ایرانی مشغول‌اند. بیشتر جابجایی ارز از طریق دستگاه‌های کارت‌خوان متصل به شبکه بانکی ایران (دستگاه POS) انجام می‌شد اما جمهوری اسلامی به دلیل «انجام نمایش اجرای لویج مبارزه با پولشویی»، دسترسی دستگاه‌های کارت‌خوان خارج از شبکه داخلی را قطع کرد.

این اقدام اما به جلوگیری از فعالیت شبکه صرافان ضد تحریم منتهی نشد و آنها با استفاده از پرداخت نقد ارز در خارج و دریافت ریال از طریق پرداخت کارت به کارت یا اینترنتی در ایران به فعالیت خود ادامه داده و می‌دهند.

اما چرا بانک مرکزی که صرافی‌های رسمی و مجوزدار در ایران را طی سال‌های گذشته به بهانه «نظارت و کنترل نرخ ارز» زیر تیغ گذاشته در اینبار اقدامی انجام نمی‌دهد؟!

واقعیت اینست که شبکه صرافان در حال حاضر اصلی‌ترین راه دور زدن تحریم‌های بانکی و رهایی از محدودیت‌هایی است که قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه کارگروه اقدام ویژه مالی (FAITF) ایجاد کرده است.

برخورد با این صرافی‌ها از یکسو بدون شک هزینه‌های زیادی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت و از سوی دیگر با محدود شدن تبادلات مالی شهروندان عادی ایران با خارج از کشور از جمله خانواده‌های دانشجویان ایرانی خارج از کشور، احتمال بروز ناراحتی‌های تازه در کشور افزایش می‌یابد.

قابل توجه اینکه پرداخت به وبسایت‌های قمار و خروج مبالغ ارزی این شبکه به خارج از کشور نیز از سوی صرافان غیر رسمی به ویژه در ترکیه صورت می‌گیرد.

خبرگزاری ایلنا در گزارشی با «صراف‌نما» خواندن افراد فعال در این شبکه نوشته که انتقال پول برای وبسایت‌های شرط بندی و قمار توسط همین زنجیره انتقال ریال و ارز از ایران به ترکیه صورت گرفته است.

در این گزارش آمده که «جمعیت صراف‌نماها روز به روز افزایش می‌یابد که کارشناسان و فعالان رسمی در این حوزه معتقدند بانک مرکزی می‌تواند این افراد را مهار کند؛ بستر فعالیت غیرمجاز افراد در حوزه صرافی را خود بانک مرکزی فراهم آورده و می‌تواند بساط آنها را هم جمع کند.»

یک کارشناس ارزی به خبرگزاری ایلنا گفته که «تمام کالاهایی که به صورت قاچاق وارد ایران می‌شوند حجم گردش مبادلات مالی و ارزی آنها از طریق همین صراف نماها انجام می‌شود.» او همچنین گفته بسیاری از تجار که صادرات و واردات رسمی دارند نیز بخشی از ارز خود را با همین شبکه «صراف‌نماها» جابجا می‌کنند.

نکته مهم اینست که اغلب وبسایت‌های قمار و شرط بندی آنلاین در سه سال گذشته کار خود را گسترش داده و شبکه جذب مشتری از طریق شبکه‌های اجتماعی را فعال کردند.

همانطور که اشاره شد در حالی که نخستین واکنش به فعالیت وبسایت‌های قمار و شرط بندی در بهار ۱۳۹۷ توسط وزیر ارتباطات مطرح شد اما پس از دو سال و نیم، تازه طی هفته‌های گذشته خبری درباره مسدود شدن وبسایت‌ها و بازداشت افرادی به عنوان مدیران این وبسایت‌ها یا سرشیکه عضوگیری در شهرستان‌ها منتشر شده است.

از سوی دیگر مقامات بانک مرکزی برای شناسایی و مسدود کردن کانال پرداخت آنلاین از طریق بانک‌های ایران به این وبسایت‌ها، نیاز به زمان یا عملیات پیچیده‌ای نداشته‌اند اما بیش از دو سال برای چنین اقدامی وقت‌کشی کردند و اکنون نیز مشخص نیست چند وبسایت همچنان در زمینه شرط بندی و قمار فعال هستند.

اینهمه اما ردی از دست‌های پنهان از سوی حکومت جمهوری اسلامی پشت وبسایت‌های شرط بندی و قمار بر جا گذاشته است.

امیر صفری کارشناس امنیت شبکه ماه گذشته گفته بود که «تمام درگاه‌های پرداخت این سایت‌ها در داخل کشور است بنابراین دست‌های قدرتی بدون شک در این تعامل دست دارند!»

نشانه‌ها از حضور مافیایی در این عرصه خبر می‌دهد که به اسم قمار و شرط بندی از طریق این وبسایت‌ها به پولشویی و جابجایی ارز برای جمهوری اسلامی مشغول است. منابع از مقصد به عنوان کاربر وبسایت و به اسم شرط بندی پرداخت کرده و از طریق این وبسایت‌ها و به اسم کاربر برنده، به مقصد ارسال می‌شود. در همین حال با استفاده از سلبی‌تی‌ها و اصطلاحاً «شاخ»‌های فضای مجازی، کاربران زیادی به این وبسایت‌ها کشیده شده و از نظر کمی فعالیت شبکه قمار را گسترده می‌کند تا رد پول‌های هنگفتی که جابجا می‌شود، محو شود!

این شبکه نه تنها می‌تواند تحریم‌ها را دور بزند بلکه حتی در صورت انجام مذاکرات و توافقی دوباره میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی و برداشته شدن تحریم‌ها، می‌تواند حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم تهران را از همین مسیر و با محو کردن ردها و نشانه‌ها ادامه دهد.



ترکیه بوده است.»

چند هفته بعد در ۶ دی ۱۳۹۹ خبرگزاری مهر به نقل از یک «فعال فضای مجازی» میزان تخمینی تراکنش‌های یکساله قمار آنلاین در ایران را ۱۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. در این گزارش آمده است که پلیس فتا ۳۸۰۰ وبسایت قمار و شرط بندی را شناسایی و دست‌کم ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به مشتری این وبسایت‌ها تبدیل شده و حداقل یکبار پرداخت در آنها انجام داده‌اند.

حسن نوروزی عضو کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی خروج سرمایه از کشور توسط این وبسایت‌ها را که به گفته او «بین ۲ تا ۳ میلیون ایرانی را مشغول خود کرده‌اند» معادل یک میلیارد دلار عنوان کرده است؛ رقمی بیش از ۲۶ هزار میلیارد تومان!

فکشی شبکه ضد تحریم صرافان

خبرگزاری مهر به نقل از یک مقام مسئول

وزارت ارتباطات و بانک مرکزی برای «سرکوب سایت‌های شرط بندی و حذف درگاه‌های بانکی» خبر داد.

هرچند آذری جهرمی به عنوان نقطه مثبتی در کارنامه دولت و همکاری وزارت ارتباطات و بانک مرکزی این موضوع را مطرح کرد اما در واقع وصل بودن درگاه‌های بانکی ایران به وبسایت‌های قمار و شرط بندی یک رسوایی بزرگ برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

بخش مرتبط با این موضوع در بانک مرکزی «معاونت فناوری‌های نوین بانک مرکزی» است که عبدالناصر همتی طی دوران فعالیت‌اش به عنوان رئیس کل بانک مرکزی بر عملکرد مثبت این معاونت تأکید داشته است.

بر اساس گزارش‌ها هزاران میلیارد تومان از طریق پرداخت آنلاین شبکه بانکی ایران به حساب وبسایت‌های قمار و شرط بندی آنلاین واریز شده است.

این آبروریزی از جمله عواملی بود که عبدالناصر



در نظام بانکی نوشت که ۲۰ هزار درگاه بانکی متخلف خدمات دهنده به وبسایت‌های قمار از سوی بانک مرکزی شناسایی و مسدود شدند. این مقام مسئول توضیح داده بود که «صاحبان سایت‌های شرط بندی از طریق اجاره درگاه و با کارت‌های بانکی که مالکین آنها از طبقات نیازمند و کم‌آگاه جامعه هستند، سرمایه را جذب کرده و پس از انتقال به چند حساب آن را به صورت کاذبی از کشور خارج می‌کنند.»

در شرایطی که بانک مرکزی، وزارت ارتباطات و پلیس فتا مدعی‌اند که طی همکاری با هم راه‌های پرداخت رسمی از طریق بانک‌های ایرانی به این وبسایت‌ها مسدود شده، این پرسش مطرح است که پس پرداخت‌ها به وبسایت‌های قمار و خروج سرمایه‌ای که حسن نوروزی آن را یک میلیارد دلار عنوان کرده به چه شکلی انجام شده و ادامه یافته است؟!

به نظر می‌رسد پاسخ روشن است: شبکه صرافانی که جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده است!

فعالیت صراف‌های رسمی و غیررسمی در کشورهای آسیایی یکی از راهکارهای جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها در دور پیشین تحریم‌ها در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی بود. از سال ۱۳۹۷ و با خروج پرزیدنت دونالد ترامپ از برجام و بازگشت دوباره تحریم‌ها، فعالیت صرافی‌های غیررسمی در کشورهایی چون ترکیه، گرجستان، مالزی و دبی برای جابجایی پول و پولشویی به نفع جمهوری اسلامی افزایش یافت.

با توجه به اینکه پیش و پس از امضای برجام راه‌های دور زدن تحریم‌ها در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی از سوی ایالات متحده شناسایی شده بود، دور تازه تحریم‌ها با سخت‌گیری بیشتری ادامه پیدا کرد و همین موضوع سبب توجه بیشتر برخی کشورها به موضوع پولشویی‌های تحریمی جمهوری اسلامی شد.

برای نمونه تنها پنج ماه پس از اعلام خروج ایالات متحده از برجام مقامات امنیتی گرجستان هرگونه نقل و انتقال وجه در صرافی‌های ایرانی مستقر در تفلیس ممنوع اعلام کردند و دست‌کم ۱۲ صرافی در غروب چهارشنبه ۱۷ مهرماه طی یک عملیات ضربتی پلمپ و مدیران آنها بازداشت شدند.

پلیس گرجستان هم اعلام کرد از خانه برخی ایرانیان ساکن تفلیس پایتخت گرجستان که چند ماه زیر رصد نیروهای امنیتی قرار داشتند مبالغ هنگفتی ارز نقد و دستگاه کارت‌خوان متعلق به شبکه بانکی ایران کشف و ضبط شده است. مقامات امنیتی گرجستان اعلام کردند که این شبکه به پولشویی برای ایران مشغول بوده و طی حواله‌های غیرقانونی خارج از سیستم بانکی، ارز از گرجستان به ایران منتقل می‌کرده‌اند. با اینهمه همچنان برخی کشورها از جمله ترکیه

گزارش ویژه: وبسایت‌های قمار و شرط بندی بخشی از شبکه پولشویی جمهوری اسلامی؟!

اسلامی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. در همین حال برخی گزارش‌ها رد پای مافیاهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در این واردات و سود هنگفت به جیب زدن این نهاد نظامی از این راه را بسیار پر رنگ ارزیابی می‌کنند. ممنوعیت‌های از این دست که در نهایت سبب افزایش تقاضا و گستردگی آن به عنوان پدیده‌ای غیرقابل کنترل یا نامتعارف بروز پیدا می‌کند، به تازگی در استقبال شهروندان عادی از وبسایت‌های شرط بندی و قمار نیز دیده می‌شود.

فعالیت هزاران وبسایت قمار در سه سال گذشته

از اوایل دهه ۸۰ خورشیدی مردمی که در ایران زیر انواع سانسور و فشار حکومتی قرار دارند از فعال شدن شبکه‌های اجتماعی که گردش آزاد اطلاعات و محتوای سانسور نشده را امکان‌پذیر می‌کرد بسیار استقبال کردند.

در این میان، طی سال‌های گذشته وبسایت‌های



شرط بندی نیز آغاز به کار کرده و به شکل تبلیغات رو در رو (فیس تو فیس) و عضوگیری خوشه‌ای به فعالیت پرداخته‌اند.

آمار قابل توجه حضور ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی، بستر لازم برای وبسایت‌های شرط بندی را ایجاد کرده تا تبلیغات و جذب مشتری را بجای روش‌های سنتی تبلیغات، با تمرکز بر روی همین شبکه‌ها پیش ببرند.

تعداد وبسایت‌ها و کانال‌های تلگرامی فعال در زمینه قمار اما در جهشی ناگهانی طی سه سال گذشته به بیش از ۳۰۰۰ رسیده است. هم‌زمان تبلیغات آنها در اقدامی بی‌سابقه در شبکه‌های اجتماعی علنی شده و در نهایت برخی مقامات نظام را به «واکنش» وا داشت.

محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت روحانی که بیشتر در وزارت اطلاعات فعال بود در اوایل سال ۱۳۹۷ در توئیتر درباره فعالیت وبسایت‌های قمار نوشت و نشان داد مقامات جمهوری اسلامی از فعالیت این وبسایت‌ها مطلع هستند.

محمدجواد آذری جهرمی بیش از یکسال سکوت کرد و دوباره در تیرماه ۱۳۹۸ در توئیتر دیگری با نوشتن روایتی از دو نفر که در این وبسایت‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند نوشت که «باید شرط بندی‌ها و بخت‌آزمایی‌ها را در فضای مجازی متوقف کنیم. لطفا ایده‌ها و نظرهای خود را بفرمایید. به ما خیلی کمک می‌کند.» او در حالی کاربران در توئیتر را خطاب قرار داد که تا ماه‌ها بعد هیچ اقدامی از سوی دولت، قوه قضاییه و بانک مرکزی در اینباره صورت نگرفت اما گاهی اظهار نظرهایی از سوی برخی شخصیت‌های نظام شنیده می‌شد.

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور تابستان سال گذشته با اعلام اینکه «ارتکاب قمار با هر وسیله و ابزاری ولو در فضای مجازی و سایت‌های قمار حرام و جرم است» تأکید کرده بود هم کسانی که شرط بندی می‌کنند و هم کسانی که وبسایت‌های شرط بندی را اداره می‌کنند، مجرم هستند.

دادستان کل کشور همچنین بخشنامه‌ای با هدف «ایجاد وحدت رویه درباره سایت‌های قمار یا شرط بندی در فضای مجازی» را خطاب به دادستان‌های سراسر کشور ابلاغ کرد. مسئولان کشور در حالی توجه افکار عمومی را به سمت «قمار آنلاین» در ایران جلب کردند که اقدام در اینباره همچنان با کندی و حتی بی‌تفاوتی روبرو بوده است.

محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی در هشتمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ در تهران برگزار شد، تأکید کرده بود که بسیاری از وبسایت‌های قمار و شرط بندی از درگاه‌های بانکی استفاده کرده‌اند. وی از اقدامات

● «قمار» و «شرط بندی» در جمهوری اسلامی «حرام» اعلام شده اما فعالیت وبسایت‌های مربوطه زیر سایه جمهوری اسلامی بطور سازماندهی شده و با شکل گرفتن یک شبکه فعال در داخل و خارج از ایران ادامه یافته است.

● تعداد وبسایت‌ها و کانال‌های تلگرامی فعال در زمینه قمار اما در جهشی ناگهانی طی سه سال گذشته به بیش از ۳۰۰۰ عدد رسیده است.

● هزاران میلیارد تومان از طریق پرداخت آنلاین شبکه بانکی ایران به حساب وبسایت‌های قمار و شرط بندی آنلاین واریز شده است.

● ردی از دست‌های پنهان از سوی حکومت جمهوری اسلامی پشت وبسایت‌های شرط بندی و قمار دیده می‌شود.

● این شبکه نه تنها می‌تواند تحریم‌ها را دور بزند بلکه حتی در صورت انجام مذاکرات و توافقی دوباره میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی و برداشته شدن تحریم‌ها، می‌تواند حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم تهران را از همین مسیر و با محو کردن ردها و نشانه‌ها ادامه دهد.

روشنک آسترکی - از سه سال پیش تا کنون فعالیت وبسایت‌های قمار و شرط بندی بسیار گسترش یافته و با وجود اینکه مدت‌هاست درباره فعالیت این وبسایت‌ها اظهار نظرها و خبرهایی منتشر شده اما جمهوری اسلامی به تازگی اعلام کرده که در حال برخورد با شبکه افرادی است که این وبسایت‌ها را مدیریت و هدایت می‌کنند. برخی تحلیلگران معتقدند که فضای بسته سیاسی و اجتماعی ایران میلیون‌ها نفر از درون ایران را به این وبسایت‌ها کشانده و برخی نیز به دلیل بیکاری و ناامیدی نسبت به داشتن آینده روشن اقتصادی به «شناس و اقبال» برای خلاصی از مشکلات مالی رو آورده‌اند.

«قمار» و «شرط بندی» در شریعت از جمله موارد «حرام» اعلام شده و بر اساس احکام فقهی «پولی که از این راه به دست آمده باشد، تصرف در مال غیر محسوب شده و حرام می‌باشد، و هرگونه معامله و داد و ستد با این پول، باطل است.» با اینهمه پرسش اینجاست که چرا این وبسایت‌ها زیر سایه جمهوری اسلامی به شدت فعال شده‌اند و به چه دلیل در سه سال گذشته فعالیت آنها بطور سازماندهی شده و از قرار معلوم با شکل گرفتن یک شبکه فعال در داخل و خارج از ایران ادامه یافته است.

حرام‌های جذاب و پر تقاضا!

جمهوری اسلامی چهار دهه است که با معیار «حلال و حرام» برای جامعه تعیین تکلیف می‌کند و جالب آنکه همه مواردی که به دلیل «حرام بودن» توسط حکومت اسلامی «ممنوع» اعلام شده، بیشتر از سوی مردم مورد استقبال قرار می‌گیرد و تقاضای آنها افزایش پیدا می‌کند.

برای نمونه پس از انقلاب ۵۷ فروش و توزیع نوشیدنی‌های الکلی ممنوع اعلام شد و برای معامله، نگهداری و مصرف نوشیدنی‌های الکلی جرم‌انگاری و بر اساس «حد اسلامی» مجازات‌هایی نیز برای متخلفان تعیین شده است. با اینهمه نه تنها تقاضای برای نوشیدنی‌های الکلی هیچگاه کاهش نیافت بلکه مصرف آن با تولیدات حتما خانگی هر ساله افزایش پیدا کرد. بجز واردات قاچاق نوشیدنی‌های الکلی، طی سال‌های گذشته تولید خانگی نوشیدنی‌هایی چون ودکا (معروف به عرق)، شراب و آبجو نیز به صورت زیرزمینی افزایش یافت که به نوشیدنی‌های «دست‌ساز» معروف شدند.

حالا پس از چهار دهه تلاش ناکام جمهوری اسلامی برای ساختن جامعه‌ای اسلامی و ایجاد هسته اصلی «امت شیعه»، مردم ایران در مصرف نوشیدنی‌های الکلی رکورددار هستند. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ۸ سال پیش خبر داد که علاوه بر تولید داخلی نوشیدنی الکلی، سالیانه ۶۰ تا ۸۰ میلیون لیتر نوشیدنی الکلی وارد ایران می‌شود.

با وجود ممنوعیت واردات، معامله و مصرف الکل در ایران اما گزارش دو سال پیش سازمان بهداشت جهانی نیز نشان می‌داد ایرانیان در مصرف الکل رتبه نهم را در میان ۱۸۹ کشور جهان دارند. در نهایت جمهوری اسلامی که معامله و مصرف نوشیدنی الکلی را بطور کامل ممنوع و «حرام» اعلام کرده، در سال ۱۳۹۲ ناچار شد مجوز تأسیس مرکز ترک اعتیاد الکل را صادر کند و فعالیت مراکز ترک الکل از حالت زیرزمینی به صورت رسمی درآمد. جالب آنکه مشروب الکلی مورد تقاضا در ایران عمدتاً وارداتی و به گفته مقامات جمهوری



تردید نیست که قاسم سلیمانی و دار و دسته فرقه‌گرایی وابسته به او شایسته وصف «شهید بیت المقدس» نیستند حتی خود اسماعیل هنیه هم اگر کشته شود شایسته این لقب نیست. در طول یک قرن گذشته کاروان‌هایی از مردان بزرگ برای آرمان فلسطین جان باختند و از آنهمه جانباختگان تنها یک نفر توانست لقب شهید قدس به خود گیرد و آن عزالدین قسام است که در سال ۱۸۸۲ در جبله سوریه به دنیا آمد. قسام اولین فرمانده فلسطینی بود که در دفاع از بیت المقدس در همان شهر در سال ۱۹۳۵ هنگام رویارویی با اشغالگران کشته شد و در شهر جنین در فلسطین دفن شد و ملت فلسطین لقب «شهید القدس» را به وی دادند. در اینجا لازم به ذکر است که جنبش «حماس» تا این لحظه جناح نظامی خود را به نام «گردان‌های عزالدین القسام» یعنی به نام همان شخص می‌خواند. پس اسماعیل هنیه حق ندارد عنوان «فهرمان‌های شهید» را به نمادهای رژیم تهران که با رویکرد فرقه‌گرایی همه منطقه را به تباهی کشیده‌اند، توزیع کند. قاسم سلیمانی که شواهد غیرقابل انکار تأیید می‌کند که دستاورد به خون افراد بی‌گناه که تنها به خاطر انگیزه‌های فرقه‌ای آنها را به قتل رساند، آغشته است، شایسته چنین وصفی نیست. حتی یاسر عرفات که توسط موساد اسرائیلی مسموم شد و فرانسوی‌ها این مسئله را تأیید کرده‌اند به این نام «شهید قدس» وصف نشده است. در اینجا می‌خواهم پس از مدتی طولانی درباره آنچه در مورد آن سکوت کردم سخن بگویم. می‌خواهم درباره نقش اسرائیل در قتل یاسر عرفات رهبر فقید فلسطینی‌ها بگویم. عرفات اولین رهبر انقلاب معاصر فلسطین بود که در سال ۱۹۶۵ شعله آن را آغاز کرد. هنگامی که یاسر عرفات در بیمارستان در پاریس بستری بود با محمود عباس تماس گرفتیم تا حال ابوعمار را جویا شوم ابومازن گفت می‌توانی تلفنی با او صحبت کنی؛ محمود عباس گوشی را به من داد؛ وقتی حال و سلامتی عرفات را از او جویا شدم، با صدایی بسیار ضعیف و ناراحت سلامم را جواب داد و گفت: «دوست من صالح... متأسفانه آنها بالاخره توانستند کارشان را بکنند! صالح دوستم اکنون همه چیز دیگر تمام شده است.»

لحظه‌ای بود که انتظارش را نداشتیم، اگرچه «ابوعمار» چندین بار مورد سوء قصد قرار گرفته بود. یک مورد هنگام عزیمت وی از بیروت در سال ۱۹۸۲ بود که من یکی از کسانی بودم که در این سفر از لبنان به آن و از آنجا به تونس و سپس به فاس در مراکش او را همراهی کردم. آنجا برای شرکت در دومین اجلاس سران عرب که به ابتکار ملک فهد پادشاه وقت عربستان سعودی برگزار شده بود حضور داشت.

ملت فلسطین برای تحقق آرمان خود مردان بزرگی را فدای راه آزادی و استقلال خود کرده؛ از عبدالقادر الحسینی متولد ۱۹۰۸ که در مبارزه برای آرمان فلسطین در سال ۱۹۴۸ به دست اسرائیلی‌ها کشته و در باب الحدید شهر قدس دفن شد تا عزالدین قسام و یاسر عرفات و ابوجهاد که در تونس توسط موساد ترور شد. همه این قهرمانان ملی فلسطین شایسته لقب «شهید بیت المقدس» بودند اما کسی این نام را به آنها اطلاق نکرد. بنابراین این نام به هیچ وجه در مورد قاسم سلیمانی یا سایر افراد مانند وی صدق نمی‌کند.

منبع: شرق الاوسط

نویسنده: دکتر صالح القلاب وزیر سابق فرهنگ و اطلاع‌رسانی اردن

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تا جنوب و از شرق تا غرب با همه تمام طوایف و فرقه‌های مسیحی و اسلامی سنی - شیعی دچار بی‌ثباتی کرده است. اما اسماعیل هنیه که از دوم دسامبر سال ۲۰۲۰ نوار غزه را ترک کرده و هنوز به آن باز نگشته است، در واقع اولین مأموریتش در خارج از فلسطین، حذف خالد مشعل از رهبری این جنبش و به حاشیه راندن اوست. جنبش حماس توسط شیخ احمد یاسین بنیانگذاری شد احمد یاسین پس از سال‌ها زندان در اسرائیل پس از آزادی در بیست و دوم مارس ۲۰۰۴ در یک حمله هوایی اسرائیل هنگام خروج از مسجد «المجمع الاسلامی» که در نزدیکی خانه‌اش بود کشته شد. اسماعیل هنیه همیشه در کنار احمد یاسین بود و هر روز او را از خانه به مسجد و سپس از مسجد تا خانه همراهی می‌کرد اما سحرگاه آن روز هنیه نه به خانه احمد یاسین آمد و نه او را از مسجد همراهی کرد البته نمی‌خواهم این مقام فلسطینی را به خیانت یا همکاری با اسرائیل در ارتکاب جنایت قتل شیخ احمد یاسین متهم کنم اما این رفتار استثنائی او در بامداد آن روز هم عادی و عاری از تردید نیست. البته اسرائیل پس از تلاش‌های ناموفق بسیاری سرانجام شیخ یاسین را به قتل رساند.

کنه‌های که در اینجا می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که اسماعیل هنیه رهبر «حماس» که غزه را بدون بازگشت ترک کرده و همواره بین تهران، دمشق، استانبول و ناحیه جنوبی بیروت و گاهی هم بغداد در حال سیر و سفر است، حق ندارد قاتلی مانند قاسم سلیمانی را «شهید قدس» توصیف کند. سلیمانی هیچ ارتباطی با قدس نداشت؛ او تنها استیلاگر روس‌ها را به مداخله در سوریه و قتل عام مخالفان برای حمایت از رژیم جنایتکار اقلیت علوی در سوریه ترغیب کرد. او کسی است که تحت شعار «سوریه اولین خط دفاعی برای مقاومت» که البته منظورش مقاومت برای حفظ و بقای رژیم‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی و رژیم اسد است، تمام فرقه‌گرایان مانند حزب‌الله لبنان، شبه‌نظامیان شیعه عراقی، شبه‌نظامیان متشکل از فرقه علویان سوریه که به وسیله فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آموزش می‌دیدند، به سوریه گسیل کرد و برای سرکوب و آواره کردن مردم شهرهای قیام کرده حما، حمص و درعا و دیرالزور از آنها استفاده کرد. سلیمانی و گروه‌های تحت فرمانش چه فجایی که در سوریه و عراق مرتکب نشدند. سلیمانی شهید قدس نیست او قربانی اهداف توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی است که با تشکیل شبه‌نظامیان فرقه‌گرا برای صدور انقلاب «هراج و مرج» به منطقه تلاش می‌کرد و برای رسیدن به این هدف تمام تشکلهای فرقه‌ای با عناوین و نام‌های مختلف در عراق، سوریه، یمن و لبنان را تاسیس کرد. بنابراین او برای گسترش نفوذ رژیم تروریستی که تلاش می‌کند نفوذش را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه و باب المندب دریای سرخ گسترش دهد، و در راه تحقق مأموریتش برای این اهداف کشته شد. سلیمانی در واقع حاکمیت چهار کشور عربی را را عملاً تهدید کرده بود و کسانی که در عراق و سوریه و لبنان با سلیمانی می‌جنگیدند، در حقیقت برای دفاع از سیادت و حاکمیت کشورهایشان می‌جنگیدند. بنابراین رهبر «حماس» که غزه را بدون بازگشت ترک کرده این حق و اجازه را ندارد که قاتلی جنایتکار همچون قاسم سلیمانی را به قدس ربط دهد یا او را به عنوان «شهید بیت المقدس» توصیف کند... اعوذ بالله اگر چنین لقبی به شخصی چون سلیمانی اطلاق شود.

وزیر سابق وزارت اطلاع‌رسانی اردن:
سلیمانی نه «شهید قدس» بلکه یک قاتل و قربانی توسعه‌طلبی فرقه‌ای رژیم ایران بود

اگر سلیمانی و جنگ‌های فرقه‌ای او نمی‌بود امروز لبنان با مشکلی مانند وجود دولت موازی و دودستگی در این کشور روبرو نمی‌بود. به دلیل دخالت رژیم ایران و شخص قاسم سلیمانی و با زور و زر و سلاح و اموال جمهوری اسلامی است که مافیای حزب‌الله لبنان به یک امپراتوری قیامت در لبنان تبدیل شده و کشور را از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب با همه تمام طوایف و فرقه‌های مسیحی و اسلامی سنی - شیعی دچار بی‌ثباتی کرده است.

اسماعیل هنیه رهبر «حماس» که غزه را بدون بازگشت ترک کرده و همواره بین تهران، دمشق، استانبول و ناحیه جنوبی بیروت و گاهی هم بغداد در حال سیر و سفر است، حق ندارد قاتلی مانند قاسم سلیمانی را «شهید قدس» توصیف کند. سلیمانی هیچ ارتباطی با قدس نداشت؛ او تنها قاتلی است که روس‌ها را به مداخله در سوریه و قتل عام مخالفان برای حمایت از رژیم جنایتکار اقلیت علوی در سوریه ترغیب کرد.

یکسال پیش در چنین روزهایی در اوایل ماه ژانویه ۲۰۲۰، ایالات متحده مسئولیت قتل قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و رفیق راهش ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی عراق را در حمله موشکی که توسط پهپاد در نزدیکی فرودگاه بغداد انجام شد بر عهده گرفت. سلیمانی و چهارده تن از نزدیکترین افراد شبیه و همفکر او که جنگ فرقه‌ای در عراق، سوریه و لبنان را با کمک آنها اداره می‌کرد، در این حمله هوایی کشته شدند. این ضربه تکان‌دهنده در شرایط منطقه‌ای در قلب عراق به مثابه هشدار از سوی آمریکا به تهران و وابستگانش در عراق بود.

اما قاسم سلیمانی برخلاف توصیفات اسماعیل هنیه رهبر جنبش حماس که او را «شهید قدس» توصیف کرد، او نه تنها شهید قدس نیست بلکه قاتلی خون‌آشام بوده که دستش به خون صدها هزار سوری، عراقی و لبنانی آغشته است. اگر قاسم سلیمانی با قتل عام مردم غیرنظامی در سوریه نمی‌بود و اگر او جنگ فرقه‌ای را با فرا خواندن شبه‌نظامیان فرقه‌گرای افغان، عراقی و پاکستانی و تجهیز تسلیحاتی آنها با سلاح‌های سنگین و سبک و قتل بیش از نیم میلیون سوری و آواره کردن ۹ میلیون شهروند این کشور را بر مردم و مخالفان سوری تحمیل نمی‌کرد شاید امروزی خبری از رژیم سرکوبگر و دیکتاتوری بشار اسد نمی‌بود. این حقیقت بر حسن نصرالله رهبر گروه حزب‌الله لبنان مستقر در حومه جنوبی بیروت نیز منطبق است. اگر سلیمانی و جنگ‌های فرقه‌ای او نمی‌بود امروز لبنان با مشکلی مانند وجود دولت موازی و دودستگی در این کشور روبرو نمی‌بود. به دلیل دخالت رژیم ایران و شخص قاسم سلیمانی و با زور و زر و سلاح و اموال جمهوری اسلامی است که مافیای حزب‌الله لبنان به یک امپراتوری قیامت در لبنان تبدیل شده و کشور را از شمال

برای ادامه فشار روی رژیم ایران بایدن می‌تواند از میراث ترامپ سود ببرد



بایدن می‌تواند سیاست تدریجی را در مورد ایران در پیش بگیرد. دموکرات‌ها که از فعالیت‌های کارگری در همه جای دنیا حمایت می‌کنند چرا نباید از این فعالیت‌ها در ایران حمایت کنند؟! دولت بوش در سال ۲۰۰۵ فرصت طلایی خود را از دست داد. آن زمانی که اعتراضات گسترده‌ای در میان فعالان کارگری ایران شکل گرفته بود و آنها برای گرفتن معوقات خود و شرایط بد کاری دست به اعتراض زده بودند. هر دلاری که سپاه مجبور شود صرف کارگران کارخانه‌های متعلق به خودش کند از پول‌هایی که خرج غنی‌سازی و ساخت موشک می‌کند کم می‌شود. به سادگی می‌توان بجای رساندن پول به رژیم ایران، این پول را صرف اعتصابات متخصصان اتمی خود حیثیت رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش بر باد داد.

رژیم ایران برای نجات از دست ترامپ همه چیز را بر سر قمار گذاشت. تیم بایدن ممکن است ترامپ را تحقیر کند، اما بایدن می‌تواند از این میراث ترامپ بهره ببرد بدون اینکه مجبور شود تمایل خود برای دیپلماسی را زیر پا بگذارد. دولت اواما با پیشنهاد ۱۲ میلیارد دلار فقط برای کشتادن جمهوری اسلامی ایران سر میز مذاکره اشتباه بزرگی مرتکب شد. اگر ذخایر ارزی ایران به نزدیک «صفر» برسد بایدن ممکن است به راحتی بتواند دیپلماسی خودش را اجرا کند. در واقع تنها راه موفقیت بایدن در مقابل حکومت ایران این است که اجازه دهد تمام ذخایر ارزی ایران تمام شود. امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب



امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۹ گفت توان موشکی قابل مذاکره نیست و غلط می‌کند کسی بخواهد در این زمینه مذاکره کند

پاسدارانی که مالک آلوده‌کننده‌ترین کارخانه‌ها در ایران است. رژیم ایران آنقدر وقت‌کشی کرد تا از دست ترامپ خلاص شود. بایدن می‌تواند کاری کند که جمهوری اسلامی از جاه‌طلبی‌های اتمی خود فاصله بگیرد. او می‌تواند وارد مذاکره شود اما بدون فوریت. در حالی که طرفداران او ممکن است خواهان برداشتن هرچه سریع‌تر تحریم‌ها باشند بایدن می‌تواند کمک‌های خود را معطوف به ایرانیانی کند که بیشتر از هر کس از سوی رژیم سرکوب شده و تحت فشارند و نه آنهایی که رژیم را اداره می‌کنند. برای موفقیت در این مسیر، دیپلماسی باید همزمان هوشمند و چندجانبه باشد.

نویسنده: مایکل روبین
منبع: اینساید سورسز
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

همراه بود. ریزش ناگهانی و شدید ارزش پول ایران از نشانه‌های این ادعاست. در ماه دسامبر من در جنوب لبنان در منطقه «النبطیه» که کاملاً تحت کنترل نیروهای حزب‌الله است حضور داشتم. پس از اینکه منابع مالی حزب‌الله توسط رژیم ایران کاهش یافت آنها متوجه شدند که تنها ۱۰ درصد از افرادشان به دلیل اهداف ایدئولوژیک حاضر به همکاری با این گروه هستند نه بیشتر، بقیه آنها تنها چیزی که می‌خواستند دستمزدشان بود. کشتار جمعی در سوریه در حالی که حزب‌الله خودش کشته شدن چهار هزار جنگجو را تأیید کرده و همچنین ناتوانی حکومت ایران در پاسخ دادن به ترور فرماندها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیز یکی از متخصصان اتمی خود حیثیت رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش بر باد داد.

رژیم ایران برای نجات از دست ترامپ همه چیز را بر سر قمار گذاشت. تیم بایدن ممکن است ترامپ را تحقیر کند، اما بایدن می‌تواند از این میراث ترامپ بهره ببرد بدون اینکه مجبور شود تمایل خود برای دیپلماسی را زیر پا بگذارد. دولت اواما با پیشنهاد ۱۲ میلیارد دلار فقط برای کشتادن جمهوری اسلامی ایران سر میز مذاکره اشتباه بزرگی مرتکب شد. اگر ذخایر ارزی ایران به نزدیک «صفر» برسد بایدن ممکن است به راحتی بتواند دیپلماسی خودش را اجرا کند. در واقع تنها راه موفقیت بایدن در مقابل حکومت ایران این است که اجازه دهد تمام ذخایر ارزی ایران تمام شود. امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب

خارج دولت ترامپ، ابزارهای پیروزی را به خطر می‌اندازند. هم حزبی‌های بایدن کارزار «فشار حداکثری» را سیاستی اشتباه و بی‌اثر می‌دانند. آنچه پمپئو می‌خواهد پایان دادن به تروریسم رژیم ایران، توقف گروه‌گیری و فعالیت‌های اتمی غیرقانونی و همچنین منع گسترش موشک‌های بالستیک و پایان دادن به بی‌ثبات‌سازی منطقه است. اینکه تیم بایدن ادعا کند این درخواست‌ها واقع‌بینانه نیست در واقع جریانی است که تلاش می‌کند رفتارهای خصمانه و غیرعادی جمهوری اسلامی را عادی نشان دهد.

ایده پشت سیاست فشار حداکثری کاملاً روشن است. وجود این فشارها تا کنون دو بار باعث تغییر رفتار رژیم ایران شده است. در سال ۱۹۸۱ آیت‌الله خمینی گروه‌گان‌های آمریکایی را آزاد کرد تا بتواند ایران را از انزوی بین‌المللی نجات دهد. پس از آن نیز در سال ۱۹۸۸ او «جام زهر را سرکشید» و با پذیرفتن آتش‌بس در جنگ ایران و عراق پذیرفت که این تنها راه نجات رژیم است.

اینکه تهران در زمان ترامپ به فعالیت‌های اتمی خود سرعت بخشید قابل انکار نیست اما به این معنا نیست که سیاست‌های ترامپ شکست خورده است. همه‌ی استراتژی‌ها بطور دقیق مطابق با تقویم سیاسی آمریکا نیست. رهبران رژیم ایران به امید اینکه بتوانند تا در دوران ترامپ دوام بیاورند تمام منابع ارزی خود را خرج کردند به این امید که او دور دوم انتخاب نشود. در اکتبر سال ۲۰۲۰ طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول، ذخایر ارزی ایران به ۸/۸ میلیارد دلار رسید که با کاهش ۹۰ درصدی نسبت به شش ماه قبل

پس از اینکه منابع مالی حزب‌الله توسط رژیم ایران کاهش یافت آنها متوجه شدند که تنها ۱۰ درصد از افرادشان به دلیل اهداف ایدئولوژیک حاضر به همکاری با این گروه هستند نه بیشتر، بقیه آنها تنها چیزی که می‌خواستند دستمزدشان بود.

دموکرات‌ها که از فعالیت‌های کارگری در همه جای دنیا حمایت می‌کنند چرا نباید از این فعالیت‌ها در ایران حمایت کنند؟! به سادگی می‌شود بجای رساندن پول به رژیم ایران، این پول را صرف اعتصابات کرد و از طریق اتحادیه‌های کارگری مستقل از طریق کنفدراسیون‌های بین‌المللی هزینه‌ی کارگران نمود.

رژیم ایران به هر سازمانی که در کار خود پیشرفت می‌کند مشکوک است و این ترس را دارد که آنها از سپاه پاسداران سبقت بگیرند.

بایدن می‌تواند کمک‌های خود را معطوف به ایرانیانی کند که بیشتر از هر کس از سوی رژیم سرکوب شده و تحت فشارند و نه آنهایی که رژیم را اداره می‌کنند.

مایکل روبین (اینساید سورسز) - جو بایدن در یک مقاله انتخاباتی چندین هفته قبل از پیروزی در انتخابات قول داد «اگر ایران بطور کامل به مفاد توافق اتمی متعهد شود، آمریکا به عنوان اولین قدم برای شروع مذاکرات به برجام می‌پیوندد که نقطه آغاز مذاکرات بعدی خواهد بود.» در حالی که بایدن متوجه خطر برنامه اتمی رژیم ایران شده اعضای تیم او با خصومت نسبت به استراتژی کارزار فشار حداکثری مایک پمپئو وزیر خارجه دولت ترامپ، ابزارهای پیروزی را به خطر می‌اندازند.

هم حزبی‌های بایدن کارزار «فشار حداکثری» را سیاستی اشتباه و بی‌اثر می‌دانند. آنچه پمپئو می‌خواهد پایان دادن به تروریسم رژیم ایران، توقف گروه‌گیری و فعالیت‌های اتمی غیرقانونی و همچنین منع گسترش موشک‌های بالستیک و پایان دادن به بی‌ثبات‌سازی منطقه است. اینکه تیم بایدن ادعا کند این درخواست‌ها واقع‌بینانه نیست در واقع جریانی است که تلاش می‌کند رفتارهای خصمانه و غیرعادی جمهوری اسلامی را عادی نشان دهد.

ایده پشت سیاست فشار حداکثری کاملاً روشن است. وجود این فشارها تا کنون دو بار باعث تغییر رفتار رژیم ایران شده است. در سال ۱۹۸۱ آیت‌الله خمینی گروه‌گان‌های آمریکایی را آزاد کرد تا بتواند ایران را از انزوی بین‌المللی نجات دهد. پس از آن نیز در سال ۱۹۸۸ او «جام زهر را سرکشید» و با پذیرفتن آتش‌بس در جنگ ایران و عراق پذیرفت که این تنها راه نجات رژیم است.

اینکه تهران در زمان ترامپ به فعالیت‌های اتمی خود سرعت بخشید قابل انکار نیست اما به این معنا نیست که سیاست‌های ترامپ شکست خورده است. همه‌ی استراتژی‌ها بطور دقیق مطابق با تقویم سیاسی آمریکا نیست. رهبران رژیم ایران به امید اینکه بتوانند تا در دوران ترامپ دوام بیاورند تمام منابع ارزی خود را خرج کردند به این امید که او دور دوم انتخاب نشود. در اکتبر سال ۲۰۲۰ طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول، ذخایر ارزی ایران به ۸/۸ میلیارد دلار رسید که با کاهش ۹۰ درصدی نسبت به شش ماه قبل

اسلامی به شدت عمیق شده بلکه بین نسلها و نسله‌های مختلف سیاسی نیز ژرفتر از آن است که بتوان آن را نادیده گرفت.

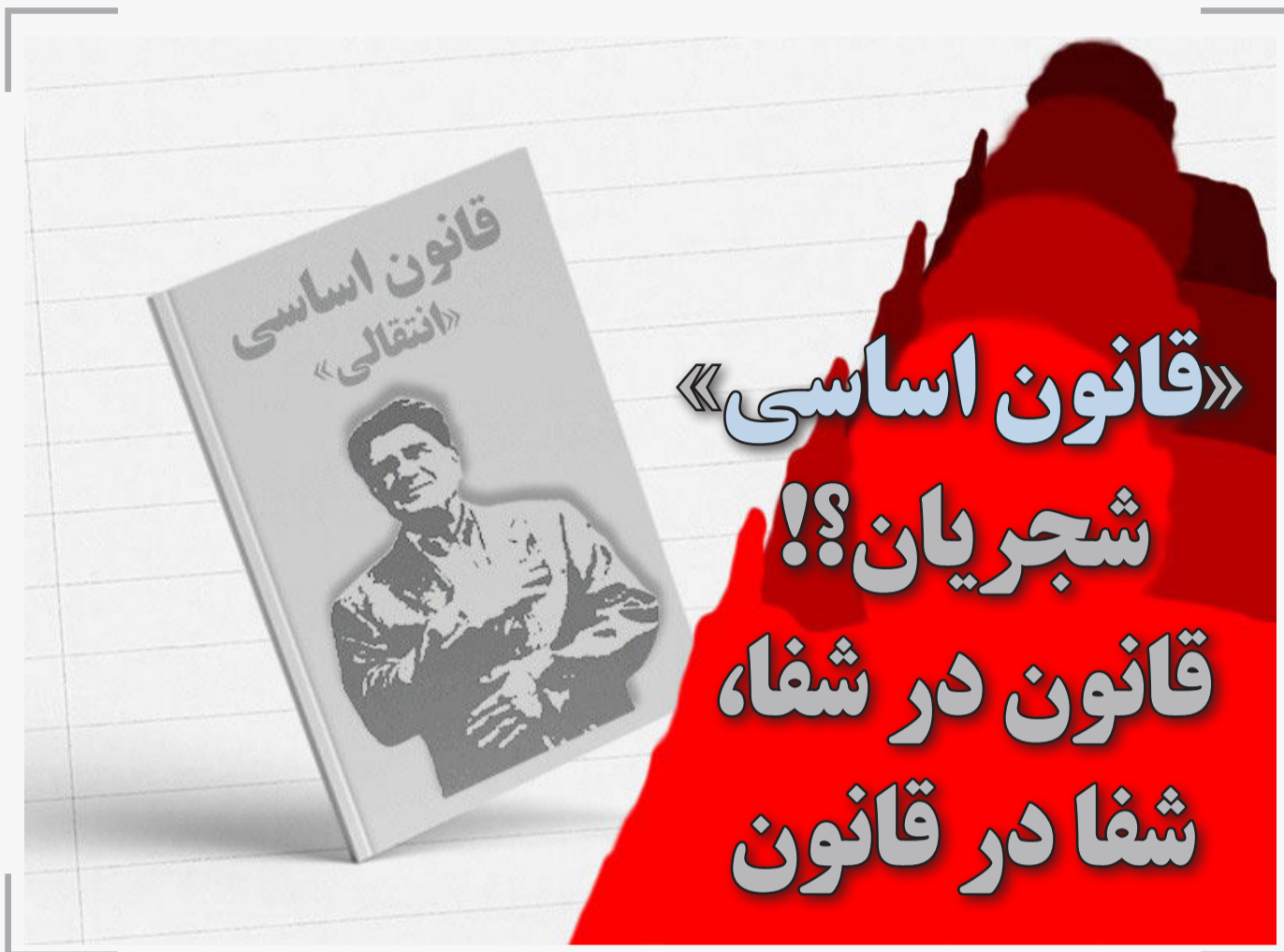
دو: اهمیت قانون اساسی

در سال‌های اخیر دست کم سه قانون اساسی مکتوب را از اشخاص مختلف خواننده‌ام! یادگاری همه افرادی که به سرنوشت ایران و ایرانیان فکر می‌کنند، قابل درک است. اما قانون اساسی که یکنفره نوشته شود به بی‌اعتمادی موجود بیش از پیش دامن می‌زند. قانون اساسی، نظر و عقیده و آرزو و حرف‌های خوب نیست! قانون اساسی مهمترین قرارداد اجتماعی و یک سند تاریخی است که آینده‌ی دوران و فرهنگ و تجارب و دستاوردهای یک ملت است. این نقش مهم را از جمله در قانون اساسی مشروطه می‌بینیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز یک سند تاریخی و آینده‌ی دوران ماست! سندی که مانند قوانین دوران فاشیسم و نازیسم و کمونیسم آینده دوران ملتی است که به بند کشیده شده است.

هم بر بستر بی‌اعتمادی و هم به دلیل اهمیت تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز قانون اساسی است که هر آنچه به نام «قانون اساسی» یا «پیش‌نویس قانون اساسی» از سوی یک فرد یا یک جریان مطرح شود، چه امروز که اصلاً زمانش نیست، و چه فردا که زمانش خواهد رسید، در میان ایرانیان با مقاومت روبرو می‌شود. وظیفه‌ی تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون اساسی ایران با یک گروه متشکل از کارشناسان حقوقی و علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است. مقاومت و انتقاد درباره متن شجریان که به میلانی سپرده شده، بیانگر آگاهی و مرعوب نشدن جامعه به نام و عنوان و اتوریته‌های معنوی و اجتماعی است. از این مقاومت و انتقاد می‌بایست استقبال کرد و آن را به فال نیک آگاهی گرفت تا شاید در آینده‌ی نه چندان دور شرایط غیرعادی کنونی جای خود را در شرایط عادلانه بدهد تا هر فردی در جای خود قرار گیرد و یک هنرمند مجبور به نوشتن و یا همکاری در تهیه متن به عنوان «قانون اساسی انتقالی» نباشد!

چنین پدیده‌ای جدا از دغدغه‌ی هنرمند که قابل درک و همدلی است، بیانگر جامعه‌ی سیاسی و اجتماعی است. مقاومت برابری چنین پدیده‌ای اما می‌تواند نوید این باشد که جامعه ایران به پایان دوران «تقلید» و «قیومیت» نزدیک می‌شود تا سرانجام هر شهروندی شهامت داشته باشد خرد خویش را به کار گیرد (امانول کانت) و در برابر اتوریته‌های سیاسی و اجتماعی از جمله «سلبریتی»‌ها خاموش نماند.

سه: مضمون «قانون اساسی انتقالی»
مضمون و مشخصات متن امانتی اما می‌تواند نکاتی را نیز درباره مسئله و ابهامات بالا روشن کند و مخاطب را به نتایجی برساند. از همین رو باید آن را خواند! مشخص نیست افرادی که در تأیید و تکذیب این موضوع سخن می‌گویند، بجز داشتن نظر و عقیده سیاسی، آیا این متن را خوانده‌اند یا نه. همه می‌دانند که زبان حقوقی و شیوه نگارش در همه کشورها ویژه است. اگرچه پیچیدگی این زبان کمکی به کسی نمی‌کند، زیرا حقوق قانون برای مردم است و مردم باید بتوانند آن را بفهمند، ولی بخشی از این ویژگی زبانی به دلیل دقت و جلوگیری از تعبیر و تفسیر دلخواه قوانین است. یک حساسیت درست نسبت به خود عبارت «قانون اساسی» از همین ویژگی سرچشمه می‌گیرد: به هر متنی نمی‌توان گفت قانون اساسی! همچنین «دوران انتقالی» بار سیاسی و حقوقی معینی دارد که کسی برای آن «قانون اساسی» نمی‌نویسد!



مطرح شد، نسبت به وجود چنین متنی ابراز بی‌اطلاعی کرده‌اند. در یک «قضیه حقوقی»، اصل «ادعا در برابر ادعا»، وقتی شواهد و مدارک دیگری در اثبات یکی از ادعاها وجود نداشته باشد، سبب مخرومه شدن دفا تر می‌شود. به این ترتیب موضوع اینکه شجریان این متن را به میلانی داده یا نداد، اهمیتی ندارد. اهمیت در جایگاه شجریان و «فاش» شدن این متن توسط دکتر عباس میلانی و مضمون این متن است. کسی چه می‌داند؛ شاید کسانی به این دلیل که سال‌هاست نزد مردم بی‌اعتبار شده‌اند، بر اساس رهنمود چهره‌ی امنیتی جمهوری اسلامی «حرفمان را از زبان سلبریتی‌ها بزنیم» این «پاکت» را به شجریان داده‌اند تا وی به اعتبار نام و مقام خود، آن را در اختیار استاد دانشگاهی بگذارد که در آمریکا از امکانات خوبی برای انتشار آن برخوردار است.

به همین دلیل، اینکه شخص امانت‌گذار شجریان بوده و فرد امین عباس میلانی است در بحث‌هایی که بر سر این متن به راه افتاده مهم می‌شود. شجریان هنرمندی شناخته شده و در میان بسیاری از مردم محبوب است. چرا بجای تأثیرگذاری از نفوذ و «اتوریته» هنری خود می‌بایست به نوشتن «قانون اساسی انتقالی» برای پس از درگذشتش بپردازد؟! او که در رشته‌ی موسیقی و آواز ایرانی به مراحل بالای مهارت و تخصص رسیده، نمی‌دانست که در سیاست و حقوق افرادی ماهر و متخصص وجود دارند که بهتر از او می‌توانند قانون بنویسند؟

و مهم‌تر از همه اینها، آیا نمی‌دانست «دوران انتقالی» اصلاً «قانون اساسی» ندارد و نوشتن قانون اساسی هم کار مجلس مؤسسان و متخصصان است؟
• دکتر عباس میلانی نیز در رشته‌ی خود شناخته شده و کتاب‌هایش برای دست کم جامعه‌ی سیاسی و فرهنگی ایران آشناست. ولی انتخاب وی به عنوان «امین» وقتی دفاع از انقلاب ۵۷ این دو دارای پیشینه مشترک می‌کند و سپس مواضع آنها در دفاع از جبهه اصلاح‌طلبان، ظهور این متن را با وجود مخالفت آنها با جمهوری اسلامی باشک و تردید روبرو می‌سازد. بی‌اعتمادی پدیده‌ای است که نه تنها بین جامعه و حکومت جمهوری

دست‌خط نیست و نام و امضای خطی نیز ندارد، و در حالی که در جهان امروز، از جمله شش سال پیش، خیلی راحت می‌توان متنی را با امکانات اینترنتی رد و بدل کرد، چه دلیلی دارد که شجریان زحمت کشیده و به دفتر عباس میلانی برود و «یک نسخه» از یک متن تایپ شده را نزد وی به امانت بگذارد؟!
میلانی ادامه می‌دهد که شجریان گفت: «با وقتی که خود من به تو فوت کردم بعدش دیگه در اختیار خودت هر کاری می‌خواهی بکنی بکن...» میلانی می‌افزاید: «واضح است که همکاران ایشان در این کار در ایران بودند و جزئیات بیشتری به من نگفتند که نقش شخص ایشان در این قضیه چقدر بوده... ولی قطعاً یکی از همکارانش بوده و قطعاً پروژه‌ای بوده که حاضر بود نامش رو در کنار این پروژه قرار بدهد.»

در اینجا نیز نکات مبهم وجود دارد: اگر این متن با همکاری شجریان و گروهی دیگر نوشته شده، چرا شجریان می‌بایست انتشار آن را به درگذشت خود موکول کند؟! با مرگ وی، خطر احتمالی از او رفع شده و نه از «همکاران»!
آیا آن «همکاران» که ظاهراً سیاسی و حقوقدان هستند، تصمیم درباره این اقدام سیاسی را ترجیح دادند به این هنرمند بسپارند؟! چرا؟! به دلیل اعتبار نام و محبوبیت وی؟! آیا حالا که شجریان نیست، انتشار این متن خطری برای آنها به وجود نمی‌آورد؟! اگر این متن در زمان حیات شجریان بدون ذکر نام وی و دیگران منتشر می‌شد، چه تفاوتی با الان می‌داشت که وی نیست و دیگران هستند؟!
به هر روی، در صحبت‌های بعدی با دکتر میلانی در گفتگوی «چشم‌انداز» نیز نکته‌ای از ابهامات در این زمینه روشن نمی‌شود. هنرمند فقید نیز دیگر نیست تا به ابهامات و نقش خودش پاسخ روشن بدهد.

اما اگر این موضوع را به عنوان یک «قضیه حقوقی» در نظر بگیریم که می‌بایست حتماً پیگیری شود تا به حقیقت رسید، راستش تناقض و ابهام آنقدر هست که سبب شک و تردید درباره اصل ماجرا یعنی «قانون اساسی انتقالی» شود به ویژه آنکه محمدحسین آقاسی و کیل شجریان و دو پسر وی، آنگونه که در «چشم‌انداز»

شجریان در طول شش سال، که به گفته‌ی میلانی، این متن در اختیار میلانی قرار داشت، چیزی به استاد دانشگاه استنفورد نگفت و وی پس از درگذشت این هنرمند بی‌درنگ موضوع را «فاش» و پس از سه ماه آن را در روز ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱ در وبسایت این دانشگاه منتشر کرد.

میلانی در گفتگوی «چشم‌انداز» همچنین مطرح می‌کند که درباره چگونگی تهیه و تهیه‌کنندگان این متن کنجکاو نکرده و شجریان نیز به وی اطلاعات بیشتری نداده است. موضوع به خودی خود چیز عجیبی نیست: امانتی نزد فردی گذاشته شده و آن فرد مطابق گفته‌ی امانت‌گذار عمل کرده. پرسش‌های مختلف اما در ارتباط با نقش این دو فرد، موضوع امانت و مضمون امانت مطرح می‌شود: یک: شخص امانت‌گذار و شخص امین

دو: اهمیت قانون اساسی سه: مضمون «قانون اساسی انتقالی»

یک: شخص امانت‌گذار و شخص امین

عمده‌ترین موضوعی که مطرح شده این است که چرا یک هنرمند می‌بایست دست به نوشتن «قانون اساسی» بزند که یک امر خطیر و تخصصی است. اما عباس میلانی در همان خیر نخست پس از درگذشت وی به صراحت گفته است که «این قانون اساسی را آقای شجریان نوشتند، این قانون اساسی را عده‌ای در داخل و خارج ایران نوشتند...» به این ترتیب اصلاً لازم نیست به کند و کاو در این مورد پرداخت چرا که هنرمند فقید نویسنده‌ی این متن نیست! اما نه! میلانی همانجا گفته است: «محمدرضا شجریان سال‌ها در تدارک این متن بود...»
وی سه ماه بعد در گفتگو با «چشم‌انداز» درباره اینکه شجریان نقشی در نوشتن این متن داشته یا نه به صراحت قبلی پاسخ نمی‌دهد بلکه می‌گوید که شجریان شش سال پیش در سفر به آمریکا به تنهایی به دفتر وی می‌رود و پاکتی را به او می‌دهد و می‌گوید «این متن یک قانون اساسی دوران گذاره که من با گروهی از همکارانم در ایران را تدوین کردیم می‌خواهیم یک نسخه‌اش خارج از ایران باشه...»
در حالی که این متن تایپ شده و

● یک نکته مهم در این متن نقش «شورای ریاست جمهوری» است که یادآور همین «شورای رهبری» است که سال‌هاست از سوی اصلاح‌طلبان تبلیغ می‌شود و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل ۱۰۷ به آن اشاره شده است.

● الاهی بقراط - موضوع متنی که از سوی محمدرضا شجریان (سیاوش) در اختیار دکتر عباس میلانی استاد دانشگاه استنفورد قرار گرفته هم پس از اعلام این موضوع در سه ماه پیش و هم حالا پس از انتشار این متن، سبب گفتگوهایی از جمله نقد و اعتراض و سرزنش شده است.

طرح مسئله

وجود چنین متنی در همان روز درگذشت خواننده محبوب موسیقی ایرانی (۱۷ مهر ۹۹/ ۸ اکتبر ۲۰۲۰) «فاش» شد. عباس میلانی ۸ اکتبر در گفتگویی با «بی‌بی‌سی فارسی» گفت که شجریان «در مشورت با حقوقدانان و سیاستمداران» یک «متن قانون اساسی برای گذار به ایران دموکراتیک» تهیه کرده و در اختیار او گذاشته بود تا بعد از مرگش منتشر کند.

میلانی همچنین می‌گوید «محمدرضا شجریان سال‌ها در تدارک این متن بود چرا که می‌دانست ایران برای رسیدن به حکومت دموکراتیک به چنین متنی نیاز خواهد داشت.» وی تأکید می‌کند: «این قانون اساسی را آقای شجریان نوشتند، این قانون اساسی را عده‌ای در داخل و خارج ایران نوشتند که همدلی داشتند و نگران بودند اگر در ایران اوضاع بحرانی شود و قرار باشد کشور مدتی در حالت گذار باشد چه باید کرد.»

اگرچه در نخستین خبر مربوط به «فاش» شدن این متن، تأکید بر انتشار آن پس از «مرگ» این هنرمند شده، اما «موقع مقتضی» برای انتشار «قانون اساسی دوران گذار» بر اساس آنچه میلانی در گفتگوی روز شنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱ (۲۲ دی ۹۹) برنامه «چشم‌انداز» در تلویزیون «ایران اینترنشنال» مطرح کرد، یا موقعی بوده که شجریان به میلانی اطلاع دهد و یا پس از درگذشت وی.

● موضوع به خودی خود چیز عجیبی نیست: امانتی نزد فردی گذاشته شده و آن فرد مطابق گفته‌ی امانت‌گذار عمل کرده. پرسش‌های مختلف اما در ارتباط با نقش این دو فرد، موضوع امانت و مضمون امانت مطرح می‌شود: شخص امانت‌گذار و شخص امین، اهمیت قانون اساسی، مضمون «قانون اساسی انتقالی».

● عمده‌ترین موضوعی که مطرح شده این است که چرا یک هنرمند می‌بایست دست به نوشتن «قانون اساسی» بزند که یک امر خطیر و تخصصی است. اما عباس میلانی در همان خبر نخست پس از درگذشت وی به صراحت گفته است که «این قانون اساسی را آقای شجریان نوشتند، این قانون اساسی را عده‌ای در داخل و خارج ایران نوشتند...» ولی همانجایی افزایش: «محمدرضا شجریان سال‌ها در تدارک این متن بود...»!

● در حالی که این متن تایپ شده و دست‌خط نیست و نام و امضای خطی نیز ندارد، و در حالی که در جهان امروز، خیلی راحت می‌توان متنی را با امکانات اینترنتی رد و بدل کرد، چه دلیلی دارد که شجریان زحمت کشیده و به دفتر عباس میلانی برود و «یک نسخه» از یک متن تایپ شده را نزد وی به امانت بگذارد؟!
● شاید کسانی به این دلیل که سال‌هاست نزد مردم بی‌اعتبار شده‌اند، بر اساس رهنمود چهره‌ی امنیتی جمهوری اسلامی «حرفمان را از زبان سلبریتی‌ها بزنیم» این «پاکت» را به شجریان داده‌اند تا وی به اعتبار نام و مقام خود، آن را در اختیار استاد دانشگاهی بگذارد که در آمریکا از امکانات خوبی برای انتشار آن برخوردار است.

● قانون اساسی، نظر و عقیده و آرزو و حرف‌های خوب نیست! قانون اساسی مهمترین قرارداد اجتماعی جوامع و یک سند تاریخی است که آینده‌ی دوران و فرهنگ و تجارب و دستاوردهای یک ملت است. به همین دلیل هر آنچه به نام «قانون اساسی» یا «پیش‌نویس قانون اساسی» از سوی یک فرد یا یک جریان مطرح شود، چه امروز که اصلاً زمانش خواهد رسید، در میان ایرانیان با مقاومت روبرو می‌شود. وظیفه‌ی تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون اساسی ایران با یک گروه متشکل از کارشناسان حقوقی و علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است.